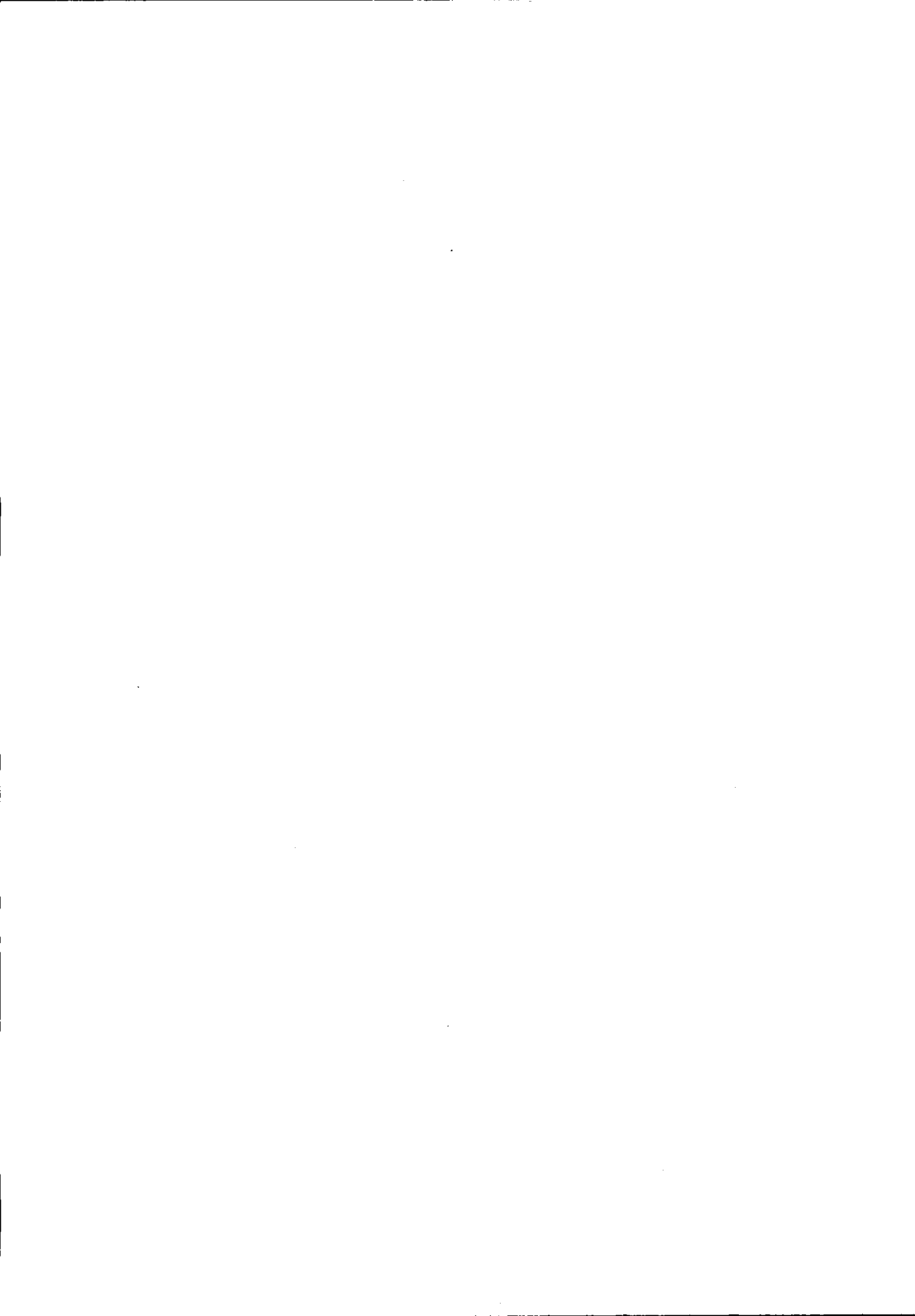


لظلم بدیع

جلد دوم

موسسه ولایت امرانہ

تالیف حبیب اللہ حسامی



فهرست

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۳	پیشگفتار
۱۸	اهمیت انتخاب جانشین در ادیان
۴۰	موسسه ولایت امر
۵۸	اهمیت موسسه ولایت امر
۶۴	اساس موسسه ولایت
۸۷	تبیینات بیت العدل اعظم
۱۴۳	عدم امکان جانشین ولی امر
۱۵۰	اقدامات مهم در دوران ولایت
۱۹۰	خصوصیات رفتاری هیکل مبارک
۵۶	منابع مطالعه درباره حضرت ولی امرالله
۲۰۹	موسسه ایادی امرالله
۲۱۶	اسامی حضرات ایادی امرالله
۲۳۴	مقام و موقعیت حضرات ایادی
۲۴۸	ابلاغیه حضرات ایادی بعد از صعود هیکل مبارک
۲۵۶	جریان انحراف میسن ریمی یکی از ایادی
۲۷۸	منابع مطالعه درباره موسسه ایادی
۲۸۱	شورای بین المللی انتخابی
۳۱۰	منابع مطالعه درباره شورای بین المللی
۲۷۹	هیات معاونت
۴۱۱	سایر تالیفات مولف
۴۱۲	اثر در دست تالیف



مقدمه

ولایت امرالله که از دو کلمه ولی و امر تشکیل شده از سالها پیش یعنی از سال ۱۳۴۰ قمری و ۱۳۰۰ شمسی که صعود حضرت عبدالبهاء واقع شد به گوش احبای الهی آشناست زیرا حضرت عبدالبهاء در الواح وصایای مبارکه که به فرموده حضرت ولی امرالله منشور وحدت عالم انسانی و متمم کتاب مقدس اقدس می باشد صریحا اعلام و تاکید گردیده است و صیانت شریعت الله را موکول به اطاعت ولی امرالله دانسته اند . کلمه ولی از نظر لغوی به معنی دوست و یار و هم عهد و پیمان است و جمع آن اولیا است که در اصطلاح ادیان به بزرگان دین و عرفا و پیشوایان اطلاق می گردد . وجود ولی و رهبر و پیشوا در تمامی ادیان و مذاهب الهی حتی در مکاتب مختلف سیاسی و اجتماعی نیز پذیرفته شده و اصطلاحات پیر - پیشوا - مراد - رهبر - قطب - شیخ و غوث همه به یک معنا است . ولایت که مخلوق کلمه نبوت می باشد باعث تداوم و پیشرفت کلمه الله بوده و از انشعاب آن جلوگیری می نماید و مقامی است که پس از صعود

مظهر ظهور به جانشین او اعطا می گردد و همان اطاعت و عبودیتی که نسبت به مظهر ظهور از طرف پیروانش اظهار و ابراز می گردد عینا درباره ولی امرش نیز مجری است زیرا او جانشین و مبین و ضامن حفظ و صیانت امرالله است زیرا بعد از مقام تشریح که خاص مظهر ظهور است مقام یقین از امتیازات خاص ولی امر می باشد در دیانت مقدس بهائی حضرت شوقی ربانی نوه حضرت عبدالبهاء طبق الواح صایا به عنوان یگانه ولی امر انتخاب گردیدن و در این کتاب به شرح و توضیح و اهمیت این مقام و تشکیلات زیر بنای آن از جمله موسسه ایادی و شورای بین المللی بهائی و شرایط خاص آن زمان و توضیحات مقام مصون از خطای معهد اعلی در علت قطع سلسله ولایت مطالبی نگاشته می گردد .

حبیب الله حسامی

کرمان - تابستان ۱۳۹۴

با تشکر فراوان از خانم آرزو لطفی که با صبر و حوصله بسیار این مطالب را تایپ و تنظیم و مرتب نموده اند .

پیشگفتار

کلمه ولی که در لغت به معنای دوست و رفیق و هم پیمان است در اصطلاح به جانشین برگزیده مظهر ظهور گفته می شود که بعد از رحلت او زمام امور دینی پیروانش را در دست گرفته و با راهنماییها و ارشادات الهامی خود باعث پیشرفت آن دین و عدم ایجاد اختلاف و تفرقه می گردد و همانطور که اطاعت رسول خدا و مظهر امر بر بندگانش واجب است اطاعت ولی امر نیز همانند همان اطاعت واجب و لازم بوده و عدم اطاعت سبب انحراف از قبولی اعتقادات می گردد .

درباره اهمیت ولایت امر در دیانت بهائی غیر از توقیعات مبارکه حضرت ولی امرالله و پیام های مهیمین مقام مصون از خطای بیت العدل اعظم الهی فضلا و دانشمندان امر نیز مطالب و مقالات گرانباری مرقوم داشته اند حتی یک شماره مخصوص از خوشه هائی از خرمن و ادب شماره ۱۱ به این موضوع اختصاص داده شده و مقولات و مقالاتی که در یازدهمین مجمع سالانه انجمن ادب و هنر ارائه شده

را در آن جمع آوری و به عالم امر اهدا نموده اند .
چون این نشریه را ممکن است عده ای ندیده باشند
رئوس مطالب دو نفر از ناطقین را درباره اهمیت مقام
ولایت برای استبشار خاطر خوانندگان نقل می نمایم
یکی از ناطقین این جلسه دانشمند محترم جناب دکتر
وحید رافتی هستند که طی گفتار مفصلی معنی کلمه
ولی و ذکر آن را در قرآن کریم را مطرح نموده و
توضیحات بسیار خواندنی درباره آن می دهند از جمله
بعد از ذکر آیاتی از قرآن مجید که کلمه ولی در آن
آمده است می فرمایند :

ولایت در نظر اهل تشیع رکن اصلی امامت است و
اگر امامت به معنای راهنمایی و هدایت و ارائه راه
حل های معین و مشخص در نظر گرفته شود مقام
ولایت عبارت از دوستی کردن و یاری نمودن و
مرتفع ساختن نیاز نیازمندان از روی لطف و عنایت
است . ولایت رابطه ای دو جانبه است یعنی کسی که
یاری می شود و نیاز او برطرف می گردد باید در
مقام ولاء و در مقابل لطف مولی سخن پذیر و مطیع و
فرمانبردار باشد . ولایت در این مفهوم از جنبه

عرفانی بسیار قوی برخوردار گشته و بحث از آن در سراسر آثار اهل عرفان و تصوف به چشم می خورد . نظر به این مفاهیم و سوابق است که جمال قدم نیز در اواخر رساله هفت وادی چنین می فرمایند : " ... این اسفار که آن را در عالم زمان انتهایی پدید نیست سالک منقطع را اگر اعانت غیبی برسد و ولی امر مدد فرماید این هفت رتبه را در هفت قدم طی نماید بلکه در هفت نفس بلکه در یک نفس ... "

در متون اهل عرفان کلمه ولی مرادف به امرمی باشد ، شیخ، پیر طریقت و پیر مغان و دلیل راه و از این قبیل است . بنا به قول دکتر رجائی : " ... پیر در اصطلاح صوفیان ، به معنی پیشوا و رهبری است که سالک بی مدد آن به حق واصل نمی شود ، و الفاظ قطب و شیخ و مراد و ولی و غوث ، نزد صوفیه همه به همین معنی استعمال شده است ... " مفهوم ولایت الهیه قیام عبد به شرائط بندگی و ولاء در مقابل حق و عبودیت و محویت تام در مقابل اراده الله است . ولایت عامه مشترک در بین افراد مومنین و ولایت خاصه مخصوص نخبگان اهل عرفان است . چنین

برداشتی از مفهوم ولایت ظاهرا مبتنی بر آیات قرآن
مجید است . در این سفر عظیم از جمله چنین آمده
است که : " هنا لك الولاية لله الحق " صرف نظر از
قرادت کسانی که ولایت را در این مقام به کسر واو
خوانده اند و آن را از کلمه والی مشتق دانسته و به
معنی سلطان و ملک گرفته اند ، در آیه فوق کلمه
ولایت (به فتح واو) نحوه قرائت اکثر قرآن شناسان
بوده و از مشقات ولی و مولی محسوب گردیده است .
به این ترتیب مفهوم کلام الهی را چنین می توان در
نظر گرفت که فرمان روایی مقرون به یاری دادن و
مهربانی نمودن و نصرت کردن از آن خداوند است
.شاید نظر به همین معنی است که جمال قدم در تفسیر
سوره و الشمس نیز می فرماید : ... قد فصلت النقطة
الاولیه و تمت الكلمه الجامعه و ظهرت و لایه الله
المهیمین القيوم " و نیز در کتاب مستطاب اقدس
(فقره ۱۶۷) درباره " ولایه الله " چنین آمده است : که :
"ایاکم ان یمنعکم ذک النبی عن هذا النبا الاعظم او
الولایه عن ولایه الله المهیمنه علی العالمین"

براساس آیات فوق ولایت الله یا ولایت کلیه مطلقه الهیه به معنی حق حاکمیت و سلطنت الهیه بر کل عالم وجود است و چنین سلطه و حکومتی که از آن پروردگار است به مشیت غالبه الهیه به مظهر او که از جانب خداوند مبعوث به رسالت می گردد تفویض می شود تا مظهر امر مجری فرمان ملکوتی الهی گردد و اراده الله را در بسیط غبراء تاسیس و مستقر سازد . در این مقام مظهر امر الهی مولی الانام ، مولی العالمین ، مولی العارفین و مولی الوری است . این ولایت که می توان از آن به ولایت شمسیه و یا ولایت نبویه و رسالت یاد نمود پس از صعود شارع به جانشین او که صاحب ولایت قمریه و مام تبیین و تشریح کلمات شارع است نیز سریان می یابد و اطاعت او که جانشین رسول خداست بر اهل ایمان نیز واجب می شود .

چنانکه حضرت عبدالبهاء در لوح حضرت شهید این شهید می فرمایند : " ای مونس قدیم آنچه نگاشتی ملاحظه گردید ... اطاعت اولی الامر مقرون به اطاعت رسول است فتور در این قصور در آن است

"... وجود مقام ولایت پس از شارع شریعت ضامن حفظ و صیانت شریعت الله و اتحاد و اتفاق در بین اهل ایمان و لازمه شرح و توضیح موثق ، مستند و مطاع کلمه الله است که به وسیله شارع در عالم تنصیص و تاسیس گشته است . براساس آنچه گذشت مقام رسالت عبارت از مقام ولایت مطلقه الهیه یعنی تشریح شرایع الهیه و مقام تبیین عبارت از مقام ولایت امرالله است که اهل ایمان را از گمراهی محافظه می کند ، آنان را به اهداف مصرحه در کلمه الله سوق می دهد در ک صحیح از قوانین و احکام شرعیه و جریان آنها را در حیات روزمره عبادت تعلیم می دهد و آنچه را که لازمه پیشرفت و تقدم روحانی افراد و جامعه انسانی است مطرح می سازد . نقش و مقام ولایت با این تفصیل عبارت از نقش حارس و نگهبان و محافظی است که به اراده شارع برای حفظ کلمه الله و به ظهور رساندن کمالات مودوعه در آن و نیز حفظ جامعه از لغزش و ضلالت به این مقام منصوب می گردد .

با همه اهمیت و عظمتی که در مقام ولایت نهفته است نباید فراموش نمود که از نظر تعالیم دیانت بهائی و کاملاً برعکس آنچه بعضی از غلام شیعه درباره مقام ولایت نوشته و بدان معتقد گشته اند رتبه ولایت در ظل مقام شاریت مظاهر مقدسه قرار دارد و مخلوق اراده شاریت الله است ، چنانچه جمال قدم می فرمایند : " ... اگر حضرت خاتم به کلمه ولایت نطق نمی فرمودند ولایت خلق نمی شد ... " و نیز می فرمایند : " ... معدن نبوت و ولایت انبیا بوده اند و به کلمه اولیا در ارض ظاهر ... "

کلمه ولی در لغت به معنی دوست و یار و هم پیمان و جمع آن کلمه اولیا است که به معنی دوست و یار و هم پیمان و جمع آن کلمه اولیا است که به معنی دوستان و هم پیمانان است . کلمه اولیا در اصطلاح مذهبی به مومنین و اهل ولاء و بزرگان دین و عرفان اطلاق می شود . اولیاء الله یاران الهی و ناصران شریعت الله و در زمره کسانی هستند که در مراتب معرفت به کمال واصل شده اند یعنی از خود گذاشته اند و به مولی دل بسته اند ، اوامر الهی را به جان

مطیعند و از نواهی شریعت الله به کلی محترز اولیا به فرموده جمال قدم: "... از رحیق مختوم آشامیده اند و به انوار ملکوت منورند..." و نیز "... اولیا نفوسی هستند که از ماسوی الله فارغ و آزادند به حبل محبت الهی متمسکند و بما نزل فی الکتاب عامل..." اصطلاح " ولی امر " و " ولی امرالله " که از القاب حضرت شوقی افندی در الواح وصایای حضرت عبدالبهاء می باشد به یک اعتبار به معنی رهبر و کارفرمای دین و آئین الهی که امور جامعه امر به او راجع است و به اعتبار دیگر مقام ولی امر مقام ولایت قمریه است که از شمس رسالت کسب فیض نموده عالم خلق را مستفیض می سازد . بنابر منطوق الواح وصایا ، حضرت شوقی افندی :

" ... آیه الله و غصن ممتاز و ولی امرالله و مرجع جمیع اغصان و افنان و ایادی امرالله و احباءالله است و مبین آیات الله ... اوست ولی امرالله بعد از عبدالبهاء و جمیع افنان و ایادی و احبای الهی باید اطاعت او نمایند و توجه به او کنند من عصا امره فقد عصاالله و من اعرض عنه اعرض عن الله و من انکره فقد انکر

بنا بر نص الواح وصایا که متن آن پس از صعود حضرت عبدالبهاء قرانت و مطمح نظر و عمل اهل بهاء قرار گرفت حضرت شوقی افندی بعد از حضرت عبدالبهاء به مقام ولایت امرالله رسیدند ، مرجع اهل بهاء شدند و در مقام مبین آیات الله به انجام وظیفه "تبیین" پرداختند. کمالات و قوائی که در متن "ولایت" ، مرجعیت و مبینیت مودوع و مندمج است از نظر عرفانی ، تاریخی ، مذهبی و حیات اجتماعی اهل بهاء اهمیتی وفیر و نقشی حیاتی دارد .

در قلمرو درک عرفانی مقام ولایت ، حضرت ولی امرالله غصن ممتاز شجره الهیه و حفید حضرت عبدالبهاء و محل ثقه تام و تمام آن حضرتند. بنابراین کسانی که بر ولایت جمال قدم و حضرت عبدالبهاء مستقیم اند و به عرفان طلعات قدسیه الهیه فائز گشتند اند حضرت ولی امرالله مولی و مقتدای آنان محسوب می گردند و کوچکترین اشاره هیکل اطهر حتی نشست و برخاست و رفتار و سلوک و سکنات آن حضرت چون معشوق حقیقی مطمح نظر و ستایش بل نیایش و تقدیس دلباختگانش قرار می گیرد و برای

اینان ثبوت بر ولاء و رضای آن حضرت به منزله اکیل جلیل همه اعمال و اقداماتشان قلمداد می گردد وصول به چنین عرفان و بینشی از مقام ولایت البتہ برای عشاق جمالش میسر است و غالب کسانی که شرافت درک محضر مبارکش را یافته اند و از عواطف و مراحم روحانیه آن حضرت مستفیض گشته اند در مقام ولاء، آن حضرت را در عوالم دلدادگی و تعشق می ستایند و خاک درگاهش را کحل بصر می نمایند. چنین درک عارفانه و عاشقان ای از شخصیت حضرت ولی امرالله که در ورای حدود و ثغور الفاظ و احکام شرعی و قانونی قرار می گیرد از علائم وصول به کمالات ایمانی و اعلی درجه بلوغ عاطفی افراد مومنین است که آن حضرت را تجلی گاه کمالات و اسماء و صفات جمال قدم و حضرت عبدالبهاء بشناسند، به او توجه کنند، با آثارش دمساز باشند در وقایع ایام حیاتش مستمرا ببیندیشد و ثبوت بر ولای حضرت ولی امرالله را به منزله تذوق احلی ثمره جنیه شجره الهیه دانند.

تعبیه اصل مرجعیت در مقام و موقعیت حضرت ولی امرالله مبتنی بر تشخیص نیاز تکاملی جامعه امر به تحول و تغییر و پیشرفت و در عین حال لزوم هم‌آهنگی مساعی موسسه ایادی امرالله و کوشش فردی احبای الهی با تغییرات تاریخی و اجتماعی جامعه امر و جامعه انسانی به طور کلی است .

در قضیه تبیین و ارتباط آن با مقام و نقش حضرت ولی امرالله به عنوان مبین آیات الله این نکته حائز اهمیت است که آن حضرت صاحب عصمت موهوبی بوده و با برخوردارى از این عصمت به تبیین کلمه خلاقه جمال قدم و حضرت رب اعلى پرداخته اند و نحوه فهم و اجرای کلمه الله را در آثار خود تبیین و تشریح فرموده اند . بنابراین آنچه در آثار حضرت ولی امرالله در شرح و تبیین تعالیم و احکام و اعتقادات بهائی عرضه گردیده و برای حفظ و صیانت و سیر متین و مستقیم آن مرقوم شده از نظر اهل بهاء غیر قابل تغییر ، بلا منازع ، واجب الاطاعه و معصوم از خطا و لغزش است . مظهر امر الهی به وحی الهی ، عصمت یعنی اختیار و حق تبیین و

توجیه آثار مقدسه خود را به مرجع منصوص خود
واگذار می کند و مرجع و مبین منصوص با
برخورداری از عصمت موهوبی و اختیاری که از
مظهر امر کسب نموده است در مقام تبیین آثار و اداره
امور شریعت الله بر می آید . در این مقام مبین آیات
الله مظهر اختیار و آزادی کاملی است که بنا بر اصل
میثاق یعنی منطوق کتاب عهدی به حضرت عبدالبهاء
اعطا گشته و بنا بر نص الواح وصایا حضرت
عبدالبهاء به حضرت ولی امرالله انتقال یافته است
عصمت موهوبی حضرت ولی امرالله هر چند شامل
جمع امور مربوط به مسائل مذهبی و تبیین آثار
مبارکه می گردد اما بر حسب تصریحات آن حضرت
چنین عصمتی شامل قضایای علمی و اقتصادی نمی
شود . در زمینه ولایت ، مرجعیت و تبیین آثار الهیه و
در ارتباط نزدیک با انجام این وظائف ، نقش عمده
ای که حضرت ولی امرالله در نهایت اقتدار و نبوغ
ایفا فرمودند نقش نظم آفرینی و سازمان دهی است .

حضرت ولی امرالله در جمع قضایای امرالهی در
مدت سی و شش سال به سازمان دهی پرداختند و

اساسی در این زمینه بنیاد نهادند که هیچ نوع تحولی در مقدرات امروز و فردای عالم بهائی نمی تواند از تاثیرات آن مستغنی باشد .

در زمینه تشکیلات اداری بهائی ، نظامنامه های محافل محلی و ملی و جزئیات مقررات انتخابات بهائی در دوره حضرت ولی امرالله تنظیم و تدوین گردید . کیفیت کار کانونشن های ملی ، برنامه ضیافات نوزده روزه ، دستورالعمل های کلی مربوط به نحوه اداره مدارس تابستانه و مشارق الاذکار بهائی کلا در ایام هیکل اطهر و با توجه به مندرجات دستورالعمل های آن حضرت نظم و ترتیب یافت . اساس نقشه های مرتب و منظم و حساب شده برای پیشرفت و توسعه امرالهی و اهداف مخصوصه هر یک از آنها به وسیله حضرت ولی امرالله بنیاد نهاده شد . احکام و تعالیم فردی و اجتماعی ، واجبات و محرمات و مناهی و منکرات را هیکل اطهر خود تفکیک و تنسیق و تنظیم فرمودند و بنیانی که نهادند در دوره معهد اعلی به صورت کتاب تلخیص و تدوین حدود و احکام کتاب مستطاب اقدس طبع و انتشار

یافت . ترتیب و تنظیم حدائق حول مقام اعلی و
روضه مبارکه علیا به دست هیكل اطهر و با نظارت
مستقیم آن حضرت به سامان رسید . تاریخ امر
مبارک به صورتی مدون به دست هیكل اطهر تبویب
و تنظیم و سازمان یافت و به صورت کتاب قرن بدیع
به عالم عرضه گردید . چگونگی تحولات تاریخی امر
بدیع در مباحثی تحت عنوان کور و دور و عصر و
عهد به صورتی مدون و سازمان یافته مطرح گردید و
فکر عرضه مجهودات و انجازات جامعه امر به
نحوی منظم و مستمر در دوره آن حضرت به منصفه
ظهور رسید و ثمراتش به صورت مجلدات کتاب "
عالم بهائی " انتشار یافت . ارائه شواهد معدودی که به
اشاره از آنها یاد نمودیم برای اثبات این نکته کافی
است که نقش حضرت ولی امرالله در آئین بهائی به
عنوان سازمان دهنده و به وجود آورنده ماهیاتی که
در آثار جمال قدم و حضرت عبدالبهاء به منصفه
صدور رسیده بود نقشی است که هر چه در اطراف و
جوانبش تحقیق و تمعن شود شخصیت بی نظیر ،
قدرت ملکوتی ، مظلومیت فطری و نبوغ ذاتی

حضرتش را بیشتر بر ملا خواهد ساخت و منظوق
الواح وصایای حضرت عبدالبهاء را روشن تر خواهد
ساخت که چرا "... احبای الهی باید اطاعت او نمایند
و توجه به او کنند..."

اهمیت انتخاب جانشین

یکی از علل منشعب شدن ادیان به فرقه های مختلف و ایجاد اختلافات شدید در بین پیروان آن و حتی انحراف از صراط مستقیم آئین الهی روشن و واضح نبودن تعیین جانشین مظهر ظهور است که خوشبختانه این موضوع در دیانت مقدس بهائی با صراحت و روشن بینی خاص و تاکیدات اکیده معین گشته و وجود الواح مبارکه وصایا و کتاب عهدی از بروز اختلاف و ایجاد تفرقه جلوگیری نموده است برای اینکه بیشتر و بهتر از سابقه این موضوع مطلع شویم بررسی مختصری در سابقه این وضعیت که در سایر ادیان به علت واضح نبودن مرجع منصوص به وجود آمده ضروری می دانیم .

جناب هوشمند فتح اعظم دانشمند فقید ارجمند در کتاب نفیس بحر پر گهر می نویسند :

زمانه شاهد آن بوده است که در ادیان پیشین امری که بیش از هر چیز دیگر ، بر حسب بیان حضرت بهاءالله " سبب اختلاف و فساد و فساد و نفاق " گشته و آنها را از مجرای مقرر خویش منحرف ساخته ، این

بوده که مومنان پس از در گذشت بنیان گذار آئینشان ، سرگردان و بلا تکلیف بوده اند و نمی دانستند ، به چه کس روی آورند . مثلاً ملاحظه فرمائید که حضرت مسیح جان خود را برای ایجاد الفت و یگانگی میان بشر فدا کرد ، اما دیری نپائید که پیروان مسیح دچار اختلاف شدید اصولی گشتند و فرقه های متعدد در میانشان پدید آمد و سبب شد که آئین مهر انگیز مسیح به میدان جنگ و ستیز مبدل گردد . تاریخ نشان می دهد که مسیحیان هزاران سال به نام دین و به نام مسیح به کشتار یک دیگر پرداخته اند که آثار شومش هنوز باقی است . علت اصلی این تحول هولناک این بود که حضرت مسیح به روشنی معلوم فرمود که پس از او چه کسی مرجع کیش خویش و پیروانش باشد . گروهی به یکی از آیات انجیل دل بستند که مسیح به پطرس فرمود که صخره ای هستی که من کلیسای خود را بر تو بنا می نهم و این آیه انجیل دست آویز کاتولیک های جهان و مرجعیت پاپ ها و دستگاه پر طمطراق ایشان گردید . اما بعضی دیگر از این آیه انجیل به نحو دیگری تعبیر نمودند و فرقه های متعدد

دیگری ساختند و به معارضه با هم پرداختند .
در اسلام نیز همان داستان غم انگیزی تکرار شد .
یعنی فردای روز رحلت حضرت رسول ، در میان
مسلمانان اختلافات شدید در گرفت . جمعی به بیان
شفاهی حضرت رسول در غدیر خم اکتفا نمودند که
فرمود : " هر که من مولایش بودم ، حال علی مولای
اوست " و تعدادی از ایشان با تمسک به این حدیث با
علی ابن ابیطالب بیعت نمودند ، ولکن اکثرا آن حدیث
را نادیده گرفتند ، یا به نحوی دیگر تفسیر کردند و
ندای " حسینا کتاب الله " یعنی کتاب خدا برای ما کافی
است ، برآوردند . بساط خلافت را بگسترده و از
همان روز ، جنگ هفتاد و دو ملت مسلمان آغاز شد و
آثار شومش تا کنون دامن اسلام را فرا گرفته است که
ما شاهد آنیم . اما این طوق لعنت بر گردن افراخته
آنین بهائی نیافتاد ، زیرا حضرت بهاء الله در زمان
حیات و به قلم خویش تکلیف پیروانش را معلوم نمود
و آنان را به مرجع منصوص خویش ، حضرت
عبدالبهاء واگذار و او را منحصرآ مبین آیات خویش
معین فرمود و از این طریق تعبیر و تفسیر افراد

علمای دین را مسدود کرد ، زیرا یکی دیگر از
 بزرگترین علت های اختلاف در ادیان آن بود که
 دانشمندان قوم ، هر یک آیات کتاب را به نحوی که
 خود استنباط می کرد ، بیان می داشت و آن را حق
 می پنداشت و با عالم دیگری که تشخیصی دیگر می
 داشت ، به مجادله می پرداخت و گروه های مومنین
 نیز مکتب و مشربی را می پسندیدند و هر دسته به
 مجتهد یا مفتی و کاردینال و موبدی وابسته می شد و
 این فرقه های متعدد یک دیگر را رد و انکار می
 نمودند و " سبب اختلاف و فساد و نفاق " می گشتند
 . اما حضرت بهاء الله در زمان حیات خویش با پیروان
 خویش عهد و میثاقی متین بست و تکلیفشان را به قلم
 خویش معین ساخت و این عهد و میثاق را " ما به
 الامتیاز دور بهائی " خوانده و آن را " بنیان رصین
 جمال مبین " و اساس دین الله خوانده اند که اگر وجود
 نمی یافت ، از امر الهی جز شبیحی باقی نمی ماند .
 مثلا در آثار حضرت عبدالهباء می خوانیم که :
 " الیوم میزان کل شی و مغناطیس تایید ، عهد و
 میثاق رب مجید است . کل را باید به این اساس متین

دلالت نمود ، چه که بنیان رصین جمال مبین است .
هر نفسی ثابت تر ، موید تر و موفق تر است و اگر
روح القدس مجسم گردد ، فرضا ادنی توقف نماید
...جسم معوق و جسد معطل گردد ، چه که اساس
دین الله و علو کلمات الله و سمو امرالله در این است
و بالفرض طفل رضیعی به ثبات و رسوخ تام قیام
نماید ، جنود ملکوت ابهی نصرت او نماید و ملا
اعلی اعانت او کند . عنقریب این سر عجیب آشکار
گردد . پس باید ما و شما و جمیع احباءالله الیوم نظر
حصر در این لطیفه ربانی نمائیم ، تا جمیع امور به
محور مطلوب دوران نماید ..."

برای آنکه از اهمیت جوهری عهد و میثاق الهی با
خبر گردیم ، کافی است ، در عالم خیال لحظه ای
تصور نمائیم که امر الهی از برکت این " لطیفه ی
ربانی " محروم باشد . تصور چنین وضع هولناکی
مانند کابوسی است که گاه در عالم رویا پدید می آید و
خواب راحت از ما می رباید

(.پایان مقاله جناب فتح اعظم)

یکی از علل فرقه فرقه شدن ادیان الهی و ایجاد اختلافات و درگیریهای شدید که باعث ضعف نیروی فعاله و سازنده دین است مسئله عدم صراحت و تاکید موکد در تعیین جانشین است که نمونه بارز آن را در ادیان یهود و مسیحی و اسلام مشاهده می کنیم . در این قسمت اشاره ای به علل تفرق در ادیان و نتایج زیان بار آن می نمائیم .

اگر ما به تاریخ مراجعه کنیم خواهیم دید که علت اصلی اختلاف بین پیروان ادیان عدم توجه آنان به مرکز منصوص و تبعیت از آرا نفوس بوده که هر کس به فکر و رای خود آیات الهی را تاویل و تفسیر می کرده و هر کدام دسته ای از مردم را تابع و پیرو خود قرار می داده است .

شاهد اول امت یهود بعد از صعود حضرت سلیمان به دو فرقه بزرگ تقسیم شدند و با یکدیگر شروع به جنگ و خونریزی کردند دسته ای قدس را پایتخت خود می دانستند و گروهی شهر سامره یا شومرون را برای خود مرکز انتخاب کرده بودند و در همین شهر بود که یهود و گوساله طلا بر قربانگاه نصب و بت

پرستی را رسم کردند و جمیع زحمت‌های حضرت موسی علیه السلام را که برای پیشرفت خدا پرستی و توحید حق تعالی تحمل فرموده بود به باد دادند و در نتیجه همین اختلافها بود که ملت اسرائیل به چندین مذهب تقسیم شدند و بزرگواری و سربلندی شان به ذلت و بدبختی تبدیل یافت اگر قوم یهود توجه به مرجع مخصوص و مرکز منصوص می داشتند و می دانستند که باید به کی روآرند و زیر فرمان چه شخصی باشند و نماینده حق در روی زمین کیست هرگز به چنان تیره روزی و پریشان حالی دچار نمی گشتند و آن همه عزت و شوکت را از دست نمی دادند **شاهد دوم-** در میان پیروان حضرت مسیح نیز بعد از شهادت آن حضرت اختلاف شدید رخ نمود و بر سر چیزهای جزئی پیوسته مذهب تازه و فرقه جدید به میان می آمد و این اختلاف و نفاق هر روز بیشتر می شد به قسمی که تاکنون فرقه ها و مذهب هائی که در دیانت مسیح به وجود آمده از چهارصد تجاوز کرده است وقتی انسان علت این اختلاف را در تاریخ می خواند واقعا حیران می شود و از خود می پرسد که

آیا می شود بر سر چنین حرف ها خون ریخت و امرالله را بازیچه قرار داد ؟ علمای مسیحی بر سر مطالبی بحث می کردند و بعد پیروان آنان دست به شمشیرمی بردند که فی الحقیقه موجب تحیر است مثلا می گفتند آیا اقنوم های سه گانه پدر و پسر و روح القدس از هر جهت با همدیگر مساوی هستند یا فرق دارند ؟ آیا اقنوم پسر از اقنوم پدر چگونه جدا شده ؟ آیا حضرت عیسی جنبه بشری هم دارد یا خدای محض است ؟ آیا می توان حضرت مریم را مادر خدا و مادر مسیح هر دو خطاب نمود؟ آیا می شود شمایل شهدا مسیحی را در کلیساها گذاشت و به آنها احترام کرد ؟ آیا می توان دستورهای پاپ را بدون چون و چرا اجرا کرد یا احکام مجمع های مسیحی بالاتر از مطالب پاپ است ؟ آیا نان و شراب مبدل به جسد مسیح می شود یا نه ؟ خلاصه بر سر چنین مطالب مذهب درست می شد و خون ریخته می شد و خانمان ها به باد فنا میرفت.

وقتی در قرن هشتم میلادی امپراطور مقتدر مسیحی لیوتمتال مقدسین را از کلیسا دور کرد موج اعتراض

از هر سو برخاست و شورای کلیسا قانونی به این شرح تصویب کرد : " ما همگی معتقدیم و همگی رضایت می دهیم و جملگی تائید می نمائیم که این است ایمان و عقیده کلیسا کسبیکه اقنوم ثلاثه را پرستش می نماید تمثالها و تصاویر را نیز باید پرستند . کسبیکه میل ندارد لعنت بر او باد لعنت بر کسی که با اشخاص غیر پرستنده تمثال ها و تصاویر شام خداوند را صرف کند "

و بالاخره در قرن نهم دوباره صورت پرستی رواج کامل یافت . در جنگ هائی که بین کاتولیک ها و پروتستان ها در گرفت و بیشتر از سی سال طول کشید صدها هزار نفر به خاک و خون غلطیدند . چه اشخاص بیگناه را زنده به آتش می افکندند و چه نفوس مظلوم را در زیر شکنجه و عذاب از میان می بردند . علت اصلی این وقایع خونین این بود که توجه به مرکز منصوص وجود نداشت و مردم مرجع خودشان را نمی شناختند و نمی دانستند به که روی آرند و از که حرف بشنوند و کلام کی کلام خداست و لهذا دینی که برای ترویج محبت آمده بود و مظهري

که برای انتشار نور یگانگی و برادری بر سردار
رفت عاقبت سبب خونریزی و نفاق و جنگ و جدال
شد .

شاهد سوم-بعد از رحلت حضرت رسول اکرم (ص)
بین پیروان اسلام بر سر خلافت اختلاف شدید حاصل
شد و جنگهای خونین وقوع یافت و عاقبت آن دیانت
نیز به مذهبهای گوناگون مانند تسنن - شیعه امامیه
اثنی عشریه و زندیه و اسمعیلیه و امویه و خوارج و
فرقه وهابیه و طریقه های جوراجور از قبیل شاذلیه
نقشبندیه-قادریه-چشتیه-نعمه اللهیه و جدلیه-اویسیه و
امثال آن مبدل گردید حالا اگر بخواهیم درباره اختلاف
فکر و عقیده که بر پیروان این مذاهب عدیده مستولی
گردیده صحبت به درازا می انجامد و هم واقعا اسباب
تاثیر و اندوه می شود چند نمونه برای مثال نقل می
شود ائمه اربعه اهل تسنن در یک موضوع به
خصوص فتوهای گوناگون داده اند که سبب شگفتی و
اندھاش است -مثالا امام ابوحنیفه می گوید کلیه
مسکرات سوای شراب مباح است امام شافعی فتوی
می دهد که کلیه مسکرات حرام است امام مالک می

گوید سگ پاک است سه امام دیگر منطبقاً فتوی داده اند که سگ نجس است . امام مالک می گوید گوشت سگ مباح است سائرین می گویند حرام است . امام ابوحنیفه می گوید خنده در نماز ناقض وضوست دیگران می گویند ناقض وضو نیست . ابوحنیفه می گوید آتش و آفتاب مطهر است سائرین می گویند مطهر نیست . امام مالک می گوید ماهی - خرچنگ - سنگ پشت - قورباغه - سگ آبی حلال است ابوحنیفه می گوید فقط ماهی حلال است و بقیه حرام الی آخر .
به قول امام فخرالدین رازی :

دین ترا در پی آرایشند

از پی آرایش و پیرایشند

بس که ببستند براو برگ و ساز

گر تو ببینی شناسیش باز

خلاصه از همین چند شاهد تاریخی به خوبی می توان دریافت که علت اصلی اختلاف و نفاق در میان پیروان ادیان عدم توجه مردمان به مرکز منصوص و مرجع معین بوده و این خونریزی ها و بدبختی ها که

تاریخ ادیان مملو و مشحون از آن است نتیجه مستقیم
عدم اطاعت از مبین کتاب یعنی کسیکه کلامش فصل
الخطاب و فارق بین حق و باطل باشد بوده است و
خوشبختانه در دیانت مقدس بهائی این مسئله بعلت
تعین وصی و انتخاب جانشین توسط طلعات مقدسه
پیش نیامد و نخواهد آمد.

موسسه ولایت امر

نظم بدیع بر دو رکن اساسی و متین پا برجاست اول رکن ولایت امر و دومی رکن بیت العدل اعظم میباشد در این بخش رکن مهم ولایت امر و مؤسسات زیر بنای آن که عبارت از شورای بین المللی بهائی و موسسه ایادی است معرفی شده و شرح داده میشود باید توجه داشت که موسسه ولایت و اهمیت آن در نظم بدیع مورد نظر است نه تاریخ و شرح حال حضرت شوقی ربانی یگانه ولی امر دیانت بهائی زیرا در باره ایشان کتب و مطالب بسیار نگاشته شده و در دسترس میباشد که از جمله میتوان کتاب نفیس گوهر یکتا و بیاد محبوب - خاطرات حبیب - خاطرات نه ساله عکا را نام برد که طالبین باید به آن مراجعه نمایند ضمنا برای مزید اطلاع علاقمندان منابعی که در باره حضرتش مطالبی دارد را ذیلا معرفی مینماید که برای اطلاع بیشتر از شخصیت ممتاز حضرت غصن ممتاز باید به آن مراجعه نمود.

ولی برای تیمن و تبرک تاریخ مختصر حیات هیکل مبارک را فقط برای مزید اطلاع می نگارد زیرا

تاریخ حیات پر افتخارش در خود تالیفات عدیده
در باره مقامش می باشد که توسط فضلی امر نگاشته
شده یا می شود در اینجا مختصر اکتفا می شود .
حضرت ولی امرالله نام مبارکشان شوقی ربانی نام
پدرشان میرزا هادی افنان شیرازی و مادرشان ضیائیه
خانم بزرگترین صبیبه حضرت عبدالبهاء می باشد
حضرت ولی امرالله از طرف مادر نوه حضرت
عبدالبهاء و از طرف پدر نوه حاجی میرزا ابوالقاسم
افنان برادر حضرت حرم رب اعلی می باشند .

تولد شان اول مارچ ۱۸۹۷ میلادی مطابق ۲۷
رمضان ۱۳۱۴ هجری قمری سه ساعت و نیم بعد از
طلوع آفتاب در مدینه محصنه عکا می باشد در کتب
گوهر یکتا صفحات ۶ و ۱۲۱ و کواکب الدریه جلد ۲
صفحه ۳۲۷ و به یاد محبوب صفحات ۳۱ و ۱۱۹
تاریخ تولد را اول مارس می نویسند و در جزوه شرح
صعود و سالنامه جوانان سنه ۱۱۶ صفحه ۱۳۳ سوم
مارس ۱۸۹۶ ذکر شده است . روز تولد حضرت ولی
امرالله از ایام محرّمه نیست و تعطیل نبوده اشتغال به
کار حرام نیست بلکه فقط از ایام مخصوصه می باشد

در مورد انعقاد جشن مولود و گرفتن جشن تولد مختص روز تولد حضرتش طی توفیق مورخ رجب ۱۳۴۸ مطابق ۳۰ دسامبر ۱۹۲۹ خطاب به محفل مقدس روحانی طهران می فرمایند: " جشن مولود و ایام اعیاد منصوصه مختص به جمال قدم و حضرت اعلی و حضرت عبدالبهاء است و اما برای ما عدا هم ذکر یوم مخصوص و جشن مولود و غیره به هیچ وجه جائز نه لهذا ایام فرح و سرور و اوقات جشن و حبور منحصر به آن مطالع و مظاهر قدسیه مبارکه است و رضایت و سرور این عبد در آن است طبق به آنچه ذکر می شود مجری گردد

حضرت ولی امرالله در تاریخ چهارم نوامبر ۱۹۵۷ در لندن به ملکوت ابهی صعود فرمودند در حالی که از سن حضرتش ۶۰ سال و ۸ ماه و یک روز گذشته بود حضرت ولی امرالله که به اتفاق حرم محترمشان روحیه خانم برای خرید تزئینات داخلی دارالآثار به لندن تشریف برده بودند در عالم خواب و به علت ابتلاء به مرض آنفلونزای آسیایی جهان ناسوت را ترک نموده به عالم ملکوت پرواز نمودند .

در یکی از زیباترین نقاط لندن گورستانی ساکت و آرام ولی با شکوه و زیبا افتخار این را پیدا نمود که امانت دار این ودیعه الهیه باشد . حضرات ایادی از نقاط مختلفه عالم و اعضای محفل ملی انگلستان و قاطبه احبای الهی با حدود ۶۰ دستگاه ماشین و تاج گل‌های زیبا تشییع جنازه مجلی از هیکل مبارکش به عمل آوردند پلیس های موتور سوار از دو طرف آمبولانس حامل عرش مطهر را اسکورت می کردند این چنین مراسمی در لندن کمتر سابقه داشت . صلوه میت را ایادی فقید امرالله جناب ابوالقاسم فیضی با صدائی رسا تلاوت نمودند . مناجاتهای زیادی به السنه مختلفه زیارت گردید .

و یکی از توفیعات مبارکه توسط جناب علی نخجوانی که بعدها عضو محترم بیت العدل اعظم الهی شدند قرائت شد و جناب حسن بالیوی یکی دیگر از حضرات ایادی مناجات خاتمه را به زبان انگلیسی تلاوت نمودند . برای استقرار عرش مبارک حضرت ولی امرالله قطعه زمینی را در مرتفع ترین محل حومه شمال شرقی لندن در آرامگاه گریت نورترن

واقع در نیوساوت گیت ابتیاع گردید . مساحت این زمین بیش از سی متر مربع است و در کنار یکی از جاده های شهر و نزدیک بیشه های دلپذیر آرامی است بنای مرقد مبارک یک پارچه نور است این بنا که تماما از مرمر سفید است به کمال جلال بر آن خاک ارتفاع یافته ستونی از مرمر سفید بر سه پله با سر ستونی بسیار زیبا و دل انگیز با اسلوب معماری یونان قدیم سربر آسمان کشیده بر بدنه ستون این آیه مبارکه ماخوذ از الواح وصایا مندرج است : " الا و هو فرع مقدس مبارک منشعب من الشجرتین المبارکتین طوبی لمن استظل فی ظله الممدود علی العالمین "

تلگراف روحیه خانم به عالم بهائی

حضرت شوقی افندی محبوب قلوب احبا و امات
مقدس که از طرف حضرت عبدالبهاء به یاران الهی
سپرده شده بود بعارضه آنفلونزای آسیایی بر اثر
حمله بغتی قلبی در حالت خواب صعود فرمودند به
یاران تاکید نمایند به استقامت قائم و به موسسه
ایادی امرالله که در ظل عنایت مبارک پرورش و
اخیرا از طرف ولی محبوب موکدا تقویت و تحکیم
یافته تمسک جویند

صعود ولی محبوب امرالله در شهر عظیمی مانند لندن
مواجه با مسائل و مشکلات چند بود به مستحفظ عرش
مبارک از طرف روحیه خانم دستورات بسیار دقیق
داده شده و تفهیم گردیده بود که در دیانت بهائی
مومیائی معمول نیست و برای حفظ جسد هیچگونه
تزریقی نباید بشود و احدی اجازه ندارد در صدد
تغسیل برآید بهائیان طبق احکام دیانت خویش عمل
خواهند نمود و مستحفظ مزبور به خوبی مطلب را
درک کرد زیرا لندن یک مرکز جهانی است که تابعین
ادیان مختلفه بر حسب عقاید دین خود در آن زیست

نموده و در همانجا به درود حیات می گویند . تلگراف
ذیل از لندن به کلیه محافل روحانیه ملیه مخابره گردید
: "محبوب قلوب عموم احبا ولی عزیز امرالله دیروز
متعاقب آنفلوانزای آسیایی در نهایت آرامش صعود
فرمودند از ایادی امرالله و محافل ملیه و هیئت های
معاونت رجا دارم احبا را در پناه خود گیرند و آنان را
در مواجهه با این امتحان جانگداز عظیم یاری نمایند
مراسم تشییع روز شنبه در لندن به عمل خواهد آمد از
حضرات ایادی و اعضا محافل ملیه و هیئت های
معاونت دعوت می شود حضور یابند هر خبر
مطبوعاتی باید مشعر بر این باشد که ایادی امرالله به
زودی در حیفا اجتماع نموده و در مورد نقشه های
آینده عالم بهائی را مطلع خواهند ساخت تاکید می شود
که محافل یاد بود روز سه شنبه منعقد گردد .
روحیه

یک نامه تاریخی

یکی از تالیفات ارزشمند نویسندگان بهائی که شاید احبای ایران در باره آن چندان اطلاعی نداشته و یا آن را ندیده باشند کتاب نفیس و پر ارج عقاب زرین است که از تالیفات جناب حسن علائی خادم مقبره مبارکه حضرت ولی امرالله در انگلستان می باشد . در این کتاب نفیس نامه ای را از مسئول قبرستان آنجا در رابطه با مراسم تشیع و خاکسپاری عرش مطهر حضرت ولی امرالله نقل می فرماید که شاید کمتر کسی آن را دیده و شنیده باشد . این نامه را عینا از صفحه آن کتاب نفیس نقل می کنیم

مراسم خاکسپاری شوقی افندی در ساعت ۱۲ ظهر روز شنبه نه نوامبر آغاز شد اولین باری که خبر صعود شوقی افندی را شنیدم روز سه شنبه ۵ نوامبر بود . در آن روز همسر شوقی افندی در معیت مدیر موسسه لوتون به دفتر کار من آمد و با هم آشنا شدیم و در باره انتخاب یک محل مناسب برای استقرار عرش شوقی افندی صحبت کردیم . من محل مناسبی را به ایشان نشان دادم و خوشبختانه محل پیشنهادی من

مورد قبول همسر شوقی افندی قرار گرفت . مساحت
انتخاب شده برای استقرار صندوق حامل عرش شوقی
افندی معادل ۳۳ قبر معمولی بود .

همسر شوقی افندی فوراً دستور لازم را برای حفاری
زمین مربوطه صادر کرد و کارکنان قبرستان مشغول
فعالیت شدند .

تمام اقدامات لازم بدون تبلیغات انجام شد به نحوی که
هیچ یک از کارکنان ارتباط جمعی از جریانات
مربوطه مطلع نشدند . شخصی که در گذشت بی
نهایت مورد احترام بهائیان جهان بود . شوقی افندی
مولای جامعه بهائیان جهان محسوب می شد . دیانت
بهائی دینانی است جدید که مرکز جهانی آن در دامنه
کوه کرمل شهر حیفا در کشور اسرائیل قرار دارد .
من از همان اول که فهمیدم مراسم خاکسپاری شوقی
افندی در این قبرستان انجام خواهد شد به اهمیت
وظائف پی بردم . لذا تصمیم گرفتم در کلیه امور و
عملیات شخصاً نظارت و کمک نمایم . هر چه تاریخ
مراسم مذکور نزدیک تر می شد کمتر به سایر امور
قبرستان توجه داشتم و کلیه اوقاتم متمرکز در اجرای

این برنامه بود .

برای افزایش گنجایش نماز خانه جهت شرکت کنندگان در مراسم مذکور صندلی های اضافه گذاشتیم و تعداد آنها را ۲۰۰ عدد افزایش دادم .

داخل نماز خانه را با گلهای رنگارنگ داوودی تزیین کردم مجسمه ها و صلیب های داخل کلیسا را به اطاق مجاور انتقال دادم و دورادور سالن نمازخانه را غرق گل کردم به نحوی که تمام داخل ساختمان نمازخانه در انبوه گلهای زیبا و رنگارنگ غرق شده بود .

تعداد ۶ نفر از کارکنان قبرستان مسئول گل آرایی نماز خانه بودند و این برنامه مدت ۷ ساعت به طول انجامید . آن شبی که کارگران مشغول حفر قبر بودند تا دیر وقت عملیات حفاری ادامه داشت و کارگران از نور ماه استفاده می کردند در تمام مدت حفاری همسر شوقی افندی بر عملیات مربوطه شخصا نظارت می کرد . خوشبختانه مقدمات خاکسپاری شوقی افندی طبق برنامه تنظیمی انجام شد و همه چیز در روز مراسم آماده بود .

ساعت ۱۱ بامداد روز ۹ نوامبر جنب و جوش عجیبی
آغاز گردید و به تدریج شرکت کنندگان در مراسم
مذکور حضور یافتند و تعداد آنان به ۶۰۰ نفر بالغ
گردید .

۱۶۶ ماشین در میدان قبرستان تعدادی اتوموبیلهای
دیگر در خیابانهای اطراف نماز خانه پارک کرده
بودند . شرکت کنندگان در مراسم از ۲۶ کشور جهان
با هواپیما به لندن آمده بودند تا در برنامه آخرین وداع
با مولای خود حضور داشته باشند . شرکت کنندگان
از شبه قاره هندوستان و آمریکا ، کانادا ، ایران ،
استرالیا ، اسرائیل و کشورهای اروپایی بودند و
جمعی از سفرای خارجی هم در میان آنان دیده می شد
. یک فرش بسیار زیبا با هواپیما از ایران فرستاده
بودند که در کف قبر زیر صندوق گذاشته شود
صندوق حامل جسد عنصری حضرت شوقی افندی از
فلز سخت و محکم ساخته و با سرب بسته بندی شده
بود بنابراین شما می توانید تصور کنید آن صندوق
فلزی چقدر سنگین بود . شکر خدا که تمام مراسم
مذهبی به مدت ۴۰ دقیقه در نماز خانه به خوبی انجام

گردید سپس صندوق حامل عرش شوقی افندی به محل استقرار ابدی خود منتقل شد . و برنامه تلاوت دعا و مناجات آغاز و به مدت ۴ ساعت به طول انجامید . در پایان مراسم نیایش مشایعت کنندگان یک یک در کنار صندوق زانو زدند و نشستند و با کمال احترام و ادب در نهایت تاسف و تأثر با مولای خود به راز و نیاز و خداحافظی مشغول شدند . قطراتی از اشک حسرت و افسوس نثار صندوق مبارک نمودند و سپس آن را بوسیدند چشمها همه گریان ، اشک ها همه ریزان ، قلبها همه سوزان با شوقی افندی تودیع نمودند . گلهای فراوان و رنگارنگ تقدیمی بهائیان عالم صندوق شوقی افندی را در آغوش گرفته بود . یک کوسن از گل رز که طول آن به ۶ فوت و ۱۰ اینچ و عرض آن به ۲ فوت و ۳ اینچ می رسید در کنار صندوق حامل عرش شوقی افندی قرار داشت . تمام محوطه با گل های زیبا و متنوع مفروش شده بود . در مراسم مذکور تعدادی از بهائیان آمریکائی حضور داشتند یکی از آنها به هر یک از افرادی که صندوق را حمل می کرد ۱۰۰۰ پوند انعام داد . آمریکائی

دیگری روز دوشنبه بعد به موسسه ای که عرش مبارک را به قبرستان انتقال داده بود مراجعه و تقاضا کرد آن اتوموبیلی که صندوق شوقی افندی را به داخل قبرستان آورد خریداری کند ولی موسسه مذکور از فروش آن خودداری کرد.

باید تذکر دهم که این مراسم بدون تبلیغات و به طور خصوصی انجام شد اگر قرار بود جریان آن اعلان عمومی شود حدودا سه میلیون نفر در این مراسم شرکت می کردند . ساعت ۴:۳۰ بعد از ظهر مراسم مذکور با موفقیت کامل پایان یافت مطمئنا این روز به عنوان یک روز مهم و جاودانه در تاریخ ثبت خواهد شد .

پس از انجام مراسم خاکسپاری هر روز تعداد زیادی از پیروان دیانت بهائی به قبرستان می آیند و آرامگاه شوقی افندی را زیارت می کنند و اکثر زائرین گریه کنان به تلاوت دعا و مناجات مشغول می شوند . یک عکاس رسمی برای روز مذکور دعوت شده بود اگر عکسها را پیدا کنم به شما نشان خواهم داد بسیاری از کودکان بهائی در مراسم مذکور شرکت داشتند و

پیرترین شرکت کنندگان یک مرد ۹۹ ساله بود که از شهر حیفا آمده بود این مراسم برای من یک تجربه بی سابقه ای بود و چیزی که هرگز فراموش نخواهد شد . می خواهم قدری درباره قالیچه ای که از ایران فرستاده بودند توضیح دهم :

قالیچه مذکور به نحوی انتخاب شده بود که کاملا به اندازه کف قبر باشد و از لندن به ایران تلگرافی دستور داده بودند چه فرشی با چه اندازه تهیه و با چه وسیله ای به لندن فرستاده شود و در لندن به آقای استانی رئیس قبرستان تحویل گردید .

یک مخمل سبز رنگ با لبه های مزین با ریشه های طلایی به طول ۱۲ فوت ۱۰ اینچ و عرض ۸ فوت و ۳ اینچ به وضع بسیار عالی بسته بندی شده به یک پارچه آبی طلایی از حیفا آوردند .

وقتی این بسته باز شد داخل آن یک شیشه عطر فوق العاده خوش بو وجود داشت شیشه عطر یک هدیه بی نظیری بود که من در تمام عمر هیچ وقت چنین عطر معطری ندیده بودم

آن پارچه روی صندوق قرار گرفت و آن شیشه عطر

روی صندوق پاشیده شد بعد از این مراسم بزرگ و روز پر کار خیلی مشکل بود که کارها به وضع معمولی باز گردد. کار من در حال حاضر خیلی زیاد است من تا ساعت ۱۰ شب روز جمعه کار می کردم و تمام دیروز مشغول بودم و حالا بسیار خسته و فرسوده هستم من در این نامه یک اطلاعات جزئی به شما دادم. این مراسم برای من یک درس بزرگی بود. خیلی برنامه ها جریان داشت فقط باید اینجا بودی و تماشا می کردی. من قدرت نوشتن و شرح دادن ندارم البته من همیشه در جلوی صف شرکت کنندگان مراسم تشییع عرش شوقی افندی حرکت می کردم و جذابیت و عظمت این مراسم من را به یاد lord mayars Day انداخت به هر حال علت اینکه شوقی افندی در این قبرستان به خاک سپرده شد آن بود که در یک هتل لندن درگذشت. و طبق قوانین دیانت بهائی جنازه یک نفر بهائی نباید بیش از یک ساعت در حرکت باشد من باید هم اکنون از قبرستان خارج شوم.

همچنین در همان کتاب نفیس مطالبی در باره حضرت ولی امرالله می نگارد که خواندنی است

حضرت ولی امرالله منشور گسترش امر الهی فرمان ملکوتی حضرت عبدالبهاء را با تهیه و اجرای نقشه های ملی و بین المللی در سراسر جهان به مرحله اجرا درآوردند و بر اثر اجرای آن نقشه ها امر مبارک الهی را که در زمان جمال مبارک در ۱۵ کشور گسترش یافته بود به بیش از ۲۴۰ کشور افزایش دادند . در زمان حضرت ولی امرالله سه اطاق باقیمانده از ۹ اطاق مقام اعلی که حضرت عبدالبهاء ساخته بودند و نا تمام مانده بود با گنبد طلایی زیبای آن به اتمام رسید و ملکه کرمل نامیده شد و بسیاری از املاک امری که در دست ناقضین عهد و میثاق افتاده بود آزاد گردید و حدائق زیبا و بهشت آسای حول مقام اعلی و قصر بهجی احداث شد . دارالآثار بین المللی تاسیس و پیشانی آن به اسم اعظم مزین گردید . مشرق الاذکار ویلمت آمریکا که سنگ بنای آن به دست حضرت مولی الوری گذاشته شده و ناتمام مانده بود ، تکمیل شد حضرت ولی امرالله با ترجمه

بعضی از آثار مبارکه دریچه ای روشن و منیر به سوی احبای مغرب زمین گشوده و با این اقدام خود نه تنها آثار مبارکه را از زبان نزولی به انگلیسی ترجمه فرمودند بلکه راه را برای ترجمه آثار امری به زبان های دیگر دنیا باز نمودند .

اگر بتوان هیکل مبارک شوقی افندی را به شمع تشبیه نمود می توان گفت حضرت ولی امرالله در مدت ۳۶ سال ولایت عظمی هم چون شمع سوختند و قطرات شمع وجودشان به افراد احبا و جامعه اهل بهاء و تشکیلات امریه در سراسر عالم نور و روشنایی و حرارت خیره کننده ای بخشیده که امروز درخشش و تابش آن نقاط عالم را به امر مبارک حضرت بهاءالله روشن و منیر ساخته است .

حضرت ولی امرالله در ۴ نوامبر ۱۹۵۷ در شهر لندن صعود فرمودند هر چند در حیات عنصری خود به صورت ظاهر و متداول زمان که اهل بها به آن عادت داشتند وصیت نامه ای وجود نداشت ولی دو سند معتبر یکی پیام مورخ ۴ جون ۱۹۵۷ و دیگری پیام اکتبر ۱۹۵۷ امر مبارک را در مقابل طوفانهای

سهمگین که دامنگیر ادیان سالفه شده بود حفظ کرد . و در حقیقت می توان گفت این دو سند فوق العاده مهم به منزله وصیت نامه هیکل مبارک می باشد . برای توضیح این مطلب دو موضوع قابل ذکر است .

اول اینکه امر حضرت بهاءالله در طول تاریخ هیچ گاه از عصمت موهوبی محروم نبوده . در حیات حضرت اعلی نفس ایشان کشتی امر الهی را هدایت فرمودند و پس از آن جمال مبارک و بعد حضرت مولی الوری تا زمان حضرت ولی امرالله فرا رسید . و سکان کشتی امر الهی به دست مبارک ایشان سپرده شد و پس از آن بیت العدل اعظم الهی موسسه معصوم و مصون از خطا هدایت امرالله را به عهده گرفت هر چند در فاصله صعود مبارک و تشکیل بیت العدل اعظم الهی به صورت ظاهر ناخدائی وجود نداشت ولی بقایای نقشه ۱۰ ساله جهاد کبیر اکبر روحانی یعنی عصمت موهوبی حضرت ولی امرالله در این دنیا سرمشق اهل بهاء در محل اتکاء ایادی امرالله بود . نقشه دهساله برپایه الواح عمومی حضرت عبدالبهاء استوار شده بود و در نیمه راه اجرای آن صعود

مبارک واقع شد . ولی ۵ ساله باقیمانده نقشه جهاد کبیر اکبر روحانی خود پرتو هدایت موهوبی بود که بر اهل بهاء می تابید و احبا تکالیف خود را به خوبی می داستند و بر طبق آن عمل می کردند .

دوم اینکه دو پیام منبع مبارک حضرت ولی امرالله که قبلا به آن اشاره شد حاوی نکات مهمی است که هر یک جداگانه اشاره می شود .

۱- در مورد پیام مورخ ۴ جون ۱۹۵۷ که پنج ماه قبل از صعود تلگرافا به عالم بهائی مخابره گردید هیکل مبارک اختیارات خود را به حضرات ایادی امرالله محول فرمودند . در اینجا قسمتی از ترجمه پیام تلگرافی مورخ ۴ جون ۱۹۵۷ خطاب به ایادی حضرات ایادی امرالله و محافل ملیه در سراسر عالم جهان عینا نقل می گردد . موسسه انتصابی و الهی ایادی امرالله که به موجب الواح وصایای عهد و میثاق الهی و مستظهر به فرمان آن مولای خون دارای دو وظیفه صیانت و ترویج امر حضرت بهاءالله می باشند اکنون وارد مرحله جدیدی در جهت اجرای ماموریت مقدسه خویش گردیده است و علاوه بر همکاری با

محافل روحانیه ملیه عالم بهائی به منظور اجرای هر چه موثرتر نقشه جهاد روحانی مسئولیت مهم مراقبت و صیانت جامعه بهائی با معاضدت محافل ملیه نیز بر آن افزوده شده است.

ایادی امرالله آقای علی اکبر فروتن در یک سخنرانی اظهار فرموده بودند وقتی این پیام مبارک به طهران رسید و در سمت منشی محفل ملی ایران آن را زیارت کردند با خود گفتم حضرت ولی امرالله در این پیام اختیارات خود را به حضرات ایادی امرالله تفویض فرموده اند در حالی که تا به حال این وظائف را شخصا عهده دار بودند. از این پیام بوی فراق استشمام می شد در مورد پیام اکتبر ۱۹۵۷ که تاریخ روز صدور آن معلوم نیست و نمی توان گفت چند روز قبلا از صعود هیکل اطهر به مناسبت پنجمین سال حلول سنه مقدسه تاریخی مقارن با جشن های منوی اظهار امر حضرت بهاءالله در سیاه چال طهران به جامعه جهانی بهائی در سراسر عالم مخابره شده است چنین آمده :

با تعیین عده دیگری از ایادی امرالله عدد خدام برگزیده امر حضرت بهاءالله که در مرحله جنین است و به نص کلک اطهر مرکز میثاق وظائف دو گانه صیانت امرالله و تامین نشر و تبلیغ دین الله به آنان محول گشته به سه مرتبه ۹ افزایش می یابد . : هشت نفری که به این مقام اتنی ارتقاء می یابند عبارت اند از : ایناک اولینگا - ویلیام سیرز-جان رباتس- حسن بالیوزی-جان فرابی-کالیس فدرستون- رحمت الله مهاجر - ابوالقاسم فیضی..

اضافه شدن این عده به جمع صاحب منصبان عالی رتبه نظم سریع التکامل اداری جهانی که در عین حال متضمن توسعه بیشتر موسسه عظیم الشان ایادی امرالله است و نظر به اینکه ایادی امرالله اخیرا عده دار مسئولیت مقدس صیانت امرالله نیز گشته اند مستلزم آن است که ایادیان جداگانه در هر قاره یک هیئت معاونت که عده اعضایش برابر با عده اعضای هیئت معاونت کنونی باشد تعیین نماید . این هیئت که عده دار وظیفه خاص مراقبت در حفظ و صیانت امر الهی خواهد بود مکمل هیات اولی است که وظیفه آن

از این پس منحصرا موقوف به معاونت و معاضدت
در اجرای نقشه دهساله می باشد ...

به طوریکه ملاحظه می فرمایید مقدرات نهائی امر
الهی راسا و مستقیما مربوط به نحوه انجام وظیفه
ایست که از هم اکنون حضرت ولی امرالله بر عهده
موسسه ایادی امرالله و محافل ملیه قرار داده اند و
ضمنا حضرات ایادی امرالله مأموریت یافته اند که در
هر قاره نظر به مسئولیت جدید صیانت امرالله هیاتی
جدید به نام هیات معاونت برای حفظ و صیانت امرالله
که مکمل هیات سابق است انتخاب فرمایند حضرات
ایادی امرالله صاحب منصبان عالی رتبه نظم سریع
التکامل اداری جهانی بهائی تسمیه شده اند . اگر این
دو پیام به دقت مورد مطالعه قرار گیرد ملاحظه می
شود که حضرت ولی امرالله تکلیف اهل بهاء را در
غیاب حیات عنصری خویش به وضوح روشن
فرموده اند .

این دو سند مهم به حضرات ایادی امرالله امکان داد
که در ارض اقدس حضور یابند و برای حفظ و
صیانت امرالله تصمیم بگیرند و اقدام لازم معمول

دارند . وقتی صعود هیکل مبارک واقع شد حضرت امه البهاء روحیه خانم از ۲۷ نفر حضرات ایادی امرالله در جهان دعوت فرمودند که در ارض اقدس اجتماع فرمایند . کلیه حضرات ایادی امرالله به استثناء کالین ترو که مریض بود به عنوان حارسان مدنیت جهانی حضرت بهاءالله که در مرحله جنین است ۹ روز پس از استقرار عرش حضرت ولی امرالله در شهر حیفا اجتماع کردند .

در جلسه اول ۲۶ نفر حضرات ایادی امرالله به دعا و مناجات پرداختند و بعد پیام مذکور را به دقت تمام زیارت نمودند چون در این دو پیام هیکل مبارک حضرت ولی امرالله به صراحت کامل می فرمایند حضرات ایادی امرالله مسئول حفظ و صیانت جامعه بهائی هستند و اخیرا این دو وظیفه به عهده آنان گذاشته شده است لذا در ۲۵ نوامبر ۱۹۵۷ اولین پیام مجمع ایادی به جامعه بهائیان عالم ابلاغ شد که حضرات ایادی امرالله ۹ نفر را از میان خود انتخاب کردند که در ارض اقدس ساکن شوند و به امور امریه رسیدگی و اخذ تصمیم نمایند و بقیه در ممالک خود به

وظایف مربوطه مشغول گردند . هیات ۹ نفره ایادی
مقیم ارض اقدس در آغاز کار تمام اماکن امری را به
نام دیانت بهائی ثبت کردند و حضرات ایادی امرالله
در ۲۵ نوامبر ۱۹۵۷ به ۲۳ محفل ملی ناحیه ای
سراسر عالم ابلاغ کرده اند که اگر ما را به رسمیت
می شناسید سندی ممهور به مهر و امضا مقامات
رسمی دولتی تهیه و به ارض اقدس ارسال دارید .
ضمناً در پیام مذکور به محافل ملیه موجود ابلاغ
نمودند نقشه دهساله جهاد کبیر اکبر روحانی را با
نهایت کوشش و فعالیت اجرا کنند محافل ملی در پاسخ
این پیام اسناد امضا شده را به ارض اقدس ارسال
داشتند هم اکنون در آرشیو مرکز جهانی امرالله موجود
است .

هیئت ۹ نفره حضرات ایادی امرالله مقیم ارض اقدس
در آغاز کار به استناد همین اسناد رسمی تمام اماکن
متبرکه امری را به عنوان دیانت بهائی ثبت کرده اند
مجمع حضرات ایادی امرالله در هر سال یک بار در
ارض اقدس اجتماع می کردند و درباره مسائل جامعه
بهائی و نقشه دهساله مذاکره و تبادل نظر می نمودند

و هر موقع لازم بود پیامی صادر و برای یاران الهی در سراسر جهان ارسال می داشتند . در طول فاصله صعود هیکل اطهر یعنی نوامبر سال ۱۹۵۷ تا تشکیل بیت العدل اعظم الهی سال ۱۹۶۳ جمعا پنج پیام از طرف مجمع ایادی و ۱۵ پیام از طرف هیات حضرات ایادی امرالله مقیم ارض اقدس کلا بیست پیام صادر و به عالم بهائی ابلاغ شد .

چون در سال ۱۹۶۳ تعداد محافل ملی عالم از ۲۳ به ۶۶ افزایش یافته بود و اعمده تشکیل بیت العدل اعظم الهی به نهایت استحکام آماده شده بود لذا مجمع ایادی از محافل ملی عالم دعوت به عمل آورد که در سال ۱۹۶۳ بیت العدل اعظم الهی را انتخاب نمایند . نکته بسیار جالب این پیام در این است که مجمع ایادی در اطلاعیه خود عمیقا و مصرا در خواست نموده اند حضرات ایادی امرالله را به عضویت بیت العدل اعظم انتخاب نکنند و این امر د رهیچ یک از ادیان گذشته سابقه نداشته است افرادی که بر حسب ظاهر صاحب اختیارات کامل می باشند تقاضا کنند آنان را به عضویت یک هیات عالی انتخاب ننمایند . بر طبق این

دعوت حضرات ایادی امرالله محافل مقدس روحانی
ملیه سراسر عالم و جمعی از یاران با وفا و ثابت قدم
امر الهی جمعا حدود ۶۰۰۰ نفر در آپریل ۱۹۶۳ در
کنفرانس جهانی و بی سابقه لندن شرکت کردند و
اعضا بیت العدل اعظم الهی را که در ارض اقدس
انتخاب شده بودند ملاقات نمودند و مراتب اطاعت و
سرور زائد الوصف خود را به آنان تقدیم داشتند .

اولین جلسه تاریخی بیت العدل اعظم الهی در حظیره
القدس لندن تشکیل گردید و بدین ترتیب یک برگ
جدید پر شکوه و جلال بر تارک زرین تاریخ امرالهی
افزوده شد .

برای اطلاع بیشتر درباره حیات و خدمات حضرت
ولی امرالله به منابع زیر مراجعه فرمائید:

کتاب گوهر یکتا

به یاد محبوب

خاطرات نه ساله عکا

خاطرات حبیب جلد ۱ ص ۴۶۹

اسرار ربانی جلد ۱ صفحه ۲۷۹

ایام تسعه ص ۴۵۰

اقلیم نور ص ۲۴۹

بیان حقیقت ص ۲۱۹

محاضرات جلد ۲ ص ۱۰۳

بهاءالله و عصر جدید ص ۳۸۶

نورین نیرین ص ۲۶

شوقی افندی اثر مارکوس ماخ

شرح حال شوقی افندی از یوگوجیاگری

شرح صعود هیکل مبارک

الخبار امری سال ۳۸ و ۳۹

آهنگ بدیع سال ۱ و ۵ و ۴ و ۱۵ و ۱۸ و ۳

پیام بهائی شماره های ۱۵۶-۲۶۴-۲۳۵-۲۳۹-۱۴۴

پیام بهائی شماره های ۲۱۱-۲۰۸-۲۱۲-۲۴۰-۲۵۲-
۲۱۶

عندلیب شماره ۱۲ ص ۶۹

آل الله ص ۲۳۶

خوشه هایی از انجمن ادب و هنر

اهمیت رکن ولایت

در اهمیت موسسه ولایت امر حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا می فرمایند :

ای یاران مهربان بعد از مفقودی این مظلوم باید اغصان و افنان سدره مبارکه و ایادی امرالله و احبای جمال ابھی توجه به فرع دو سدره که از دو شجره مقدسه مبارکه اثبات شده و از اقتران دو فرع دوحه رحمانیه به وجود آمده یعنی (شوقی افندی) نمایند زیرا آیت الله و غصن ممتاز و ولی امرالله و مرجع جمیع اغصان و افنان و ایادی امرالله و احباءالله است و مبین آیات الله و من بعده بکرا بعد بکر یعنی در سلاله او و فرع مقدس و ولی امرالله و بیت عدل عمومی که به انتخاب عموم تاسیس و تشکیل شود در تحت حفظ و صیانت جمال ابھی و حراست و عصمت فائض از حضرت اعلی روحی لهما الفدا است آنچه قرار دهند من عندالله است من خالفه و خالفهم فقد خالف الله و من عصاهم فقد عصی الله و من عارضه فقد عارض الله و من نازعهم فقد نازع الله و من جادله فقد جادل الله و من جرده فقد جرد الله و من انکره فقد

انكرالله و من انحاز و افترق و اعتزل عنه فقد اعتزل
و اجتنب و ابتعد عن الله عليه غضب الله عليه قهرالله و
عليه نقمه الله . حصن متين امرالله به اطاعت من هو
ولى امرالله محفوظ و مصون مانده و اعضاى بيت
عدل و جميع اغصان و افنان و ايادى امرالله بايد كمال
اطاعت و تمكين و انقياد و توجه و خضوع و خشوع
را به ولى امرالله داشته باشند . اگر چنانچه نفسى
مخالفت نمود مخالفت به حق كرده و سبب تشتيت
امرالله شود و علت تفريق كلمه الله گردد . و مظهرى
از مظاهر مركز نقض شود .

و در ادامه مى فرمايند :

مقصود اين است كه ايادى امر الله بايد بيدار باشند
بمحض اينكه نفسى بناى اعتراض و مخالفت با ولى
امرالله گذاشت فوراً آن شخص را اخراج از جمع اهل
بها نمايند و ابدأ بهانه اى از او قبول ننمايند چه بسيار
كه باطل محض بصورت خير درآيد تا القاي شبهات
كند... مرجع كل كتاب اقدس و هر مسئله غير
منصوصه راجع به بيت العدل عمومى به بيت العدل
آنچه بالا تفاق و يا باكثرىت آرا تحقق يابد همان حق و

مراد الله است من تجاوز عنه فهو ممن احب اشفاق و
اظهر النفاق و اعرض ان رب الميثاق... و ان اعضاء
در محلی اجتماع کنند و در آنچه اختلاف واقع یا
مسائل مبهمه و یا مسائل غیر منصوصه مذاکره نمایند
و هر چه تقرر یابد همان مانند نصّ است.

و همچنین می فرمایند :

هر گاه ولایت امر از نظم بدیع حضرت بهاءالله منتزع
شود . این نظم ناقص ماند و الی الابد محروم از اصل
توارثی میگردد که به فرموده حضرت عبدالبهاء در
جمیع شرایع الهی نیز برقرار بوده است . حضرت
عبدالبهاء در لوحی که به افتخار یکی از احبای ایران
نازل گردیده می فرمایند : " در جمیع شرایع الهیه ولد
بکر امتیازات فوق العاده داشته حتی میراث نبوت
تعلق به او داشت . " بدون این موسسه وحدت امرالله
در خطر افتد و بنیانش متزلزل گردد و از منزلتش
بکاهد و از واسطه فیضی که بر عواقب امور در طی
دهور احاطه دارد ، بالمره بی نصیب ماند و هدایتی
که جهت تعیین حدود و وظائف تقنینیه منتخبین
ضروری است ، از آن سلب شود و چنانچه بیت عدل

اعظم که اساسا اهمیتش از ولایت امر کمتر نیست از آن منتزع گردد ، نظم بدیع حضرت بهاءالله از جریان بازمانده ، دیگر نمی تواند حدود و احکام غیر منصوصه تشریعی و اداری امرالله را که شارع اعظم متعمدا در کتاب اقدس نازل نفرموده ، تکمیل نماید .
حصن متین امرالله به اطاعت من هو ولی امرالله محفوظ و مصون ماند و اعضای بیت عدل و جمیع اغصان و افنان و ایادی امرالله باید کمال اطاعت و تمکین و انقیاد و توجه و خضوع و خشوع را به ولی امر داشته باشند .

فرع مقدس و ولی امرالله و بیت عدل عمومی که به انتخاب عموم تاسیس و تشکیل شود در تحت حفظ و صیانت جمال ابهی و حراست و عصمت فائض از حضرت اعلی روحی لهما الفدا است ، آنچه قرار دهند من عند الله است .

از این بیانات کاملا واضح و روشن است که ولی امر مبین آیات الله و بیت عدل اعظم واضح احکام غیر منصوصه است . تفسیر و تبیین ولایت امر در دایره خویش همانقدر مورد تمکین و انقیاد است که قوانین

موضوعه بیت عدل که حقوق و امتیازاتش وضع قوانین و احکام غیر منصوصه حضرت بهاءالله است . هیچیک از این دو نمی تواند به حدود مقدسه دیگری تجاوز نماید و هرگز نیز تعدی نخواهد نمود .

ولی امر حاضر و ولاء امر در مستقبل ایام باید با اقوال و اعمال خود کاملاً به حقیقت این اصل مهم آئین نازنین ما شهادت دهند و با روش و سلوک خود حقیقت این اصل را بر اساس متین استوار سازند و برای نسلهای آینده آیات باهراتی مصون از اتهامات باشند .

و در کتاب نظر اجمالی در دیانت بهائی هم درباره این موضوع چنین می نویسند : مرکز اعظم و مرجع مقدسی که عالم انسانی و جمیع تشکیلات بشری در ظل آن می باشد مقام مقدس ولایت امرالله که طبق نصوص الواح و صایای حضرت عبدالبهاء حافظ و حامی دین و مروج شریعت و مبین آیات است و حائز مقام ریاست عالی و دائمی بیت العدل اعظم نیز می باشد ایادی امرالله و مجمع ایادی و کلیه نفوس بهائی از هر رتبه و مقام و کلیه اعضای بیوت عدل و

اعضای بیت العدل اعظم جمیعا در ظل امر او و مطیع و منقاد حکمش می باشند منتهی امور اداری و اجتماعی و صدور قوانین و احکام عمومی مقتضیه در وارد غیر منصوصه از وظایف مخصوصه بیت العدل اعظم است و این دو مرکز سیاست و روحانیت توما و متفقا عالم انسانی را مشمول مواهب عظیمه صلح عمومی و وحدت بشری خواهند نمود و هیچوقت و به هیچ قسم بین این دو مرکز اختلافی حاصل نخواهد شد زیرا اختیارات و وظایف مقدسه هر یک جداگانه محرز و معلوم است و به علاوه به واسطه ریاست عالیه و دائمی ولی امرالله در بیت العدل اعظم نقطه وحدت و اتصالی بین این دو قوه عظیمه مقرر و مقدر گشته است .

اساس مؤسسه ولایت

جناب علی نجوانی عضو سابق بیت العدل شاید تنها شخصیتی باشد که میتواند ما را از وجوه ممتازه حضرت غصن ممتاز انطور که شایسته مقامش هست آگاه نمایند بخش دیگر این فصل را با بیانات شیوای این شخصیت برجسته و ممتاز امر اختصاص و زینت میدهم که در باره مقام و شخصیت حضرت ولی امرالله و اهمیت مؤسسه ولایت بیان فرموده اند ایشان فرموده اند:

هیچگونه بررسی و مطالعه در باره مقام بی همتای مؤسسه ولایت امرالله نمیتواند کامل باشد مگر آنکه مروری هرچند سریع بر لوح وصایای حضرت عبدالبهاء و نیز کتاب اقدس ، ام الكتاب آئین بهائی ، که پیش بینی های آن اساس محتویات الواح وصایا را تشکیل میدهد ، به عمل آید.

این مسلم است که حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا مؤسسه ولایت را بوجود آوردند میرزا محمد علی برادر ناتنی آن حضرت که میبایستی جانشین مرکز پیمان الهی باشد به دست خود با شکستن عهد و میثاق

حضرت بهاء الله خویشتن را از دایره امرالهی خارج کرده بود و این مسئله برای عموم بهائیان از همان ابتدا به خوبی روشن بود زیرا حضرت عبد البهاء در پاسخ به سه نفر از بهائیان که سؤال از مرجع اهل بهاء پس از ایشان کرده بودند چنین مرقوم فرمودند :
" ان هذا السرّ مصون فی صدف الامر المحتوم
كاللؤلؤ المكنون و سيلوح انواره و يشرق آثاره و
يظهر اسراره"

یعنی : این رازی است که چون مرواریدی در صدف بسته ای کاملاً پنهان است زمانی فرا خواهد رسید که نور آن تابان ، آثار آن هویدا و رازهایش پدیدار خواهد گردید .

این راز پس از گشوده شدن الواح وصایا آشکار شد و اهل بهاء آگاه گردیدند که شوقی افندی جانشین حضرت عبد البهاء و پس از آن حضرت " النور الذی یلح و یضی من فجر الهدی "(الواح وصایا) یعنی : نور درخشان و پرتو افشان سحرگاه هدایت الهی هستند.

حضرت عبدالبهاء شوقی افندی را در الواح وصایا با وصف هائی مانند: " فرع مقدس " ، " غصن ممتاز " " ولی امرالله " و " آیت الله " ستوده و ایشان را " مرجع جمیع اغصان و افنان و ایادی امرالله و احبا الله " و " مبین آیات الله " معرفی فرموده اند .

حضرت عبد البهاء قدم را فراتر نهاده و در همین الواح میفرماید:

"... فرع مقدس و ولی امرالله ... در تحت حفظ و صیانت جمال ابھی و حراست و عصمت فائض از حضرت اعلی ... است... من خالفه ... فقد خالف الله ... و من انکره فقد انکرالله و من انحاز و افترق و اعتزل عنه فقد اعتزل و اجتنب و ابتعد عن الله " یعنی : هر که با او مخالفت کند ... مخالفت با خدا کرده ... و هر که او را انکار کند انکار خدا کرده و هر که راه انحراف و جدائی پیش گیرد و از او روی گرداند همانا راهی غیر از خدا را برگزیده ، از خدا دور گردیده و از خدای روی بر تافته است . اوج بیان حضرت عبدالبهاء در این الواح در باره ولی امرالله این ندای پرطنین آن حضرت است که

میفرمایند: «طوبی لمن استظل فی ظلّه الممدود علی

العالمین»

یعنی : خوشا به حال کسی که در سایه بر جهانیان
گسترده او پناه جوید.

از «آنجا که حضرت ولی امرالله در این الواح با
عنوان " مبین آیات الله " معرفی شده اند، بر همگان
روشن گردید که تبیین -های بیانات حضرت بهاءالله از
کلک حضرت شوقی افندی جاری می گردد یا بر
اساس دستور ایشان نگارش می یابد همانند تبیین های
صادره از قلم ملهم حضرت عبدالبهاء جزء نصوص
الهی و الزام آور است

گر چه مقام حضرت شوقی افندی برابر با دو مظهر
امر آئین الهی و حضرت عبدالبهاء نیست. نظر به این
مطلب است که بیت العدل اعظم در مقدمه قانون
اساسی خود چنین مرقوم داشته اند :

" منشاء بیت العدل اعظم و سلطه و اختیار و وظائف
و دائره اقداماتش کل منبعث از آیات منزله حضرت
بهاءالله است . این آیات باهرات با تبیینات و
توضیحات مرکز میثاق و ولی امرالله که بعد از

حضرت عبدالبهاء یگانه مبیین منصوص بیانات مقدسه اند. کل مجموعا مرجع واجب الاطاعه و اس اساس بیت العدل محسوب "

عالم بهائی از ۳۹ سال نزول وحی توسط حضرت بهاءالله و مجموعا ۶۵ سال تبیین آیات الهی بوسیله دو مبیین منصوص بهره مند بوده است. باید خاطر داشت که گر چه با صعود حضرت شوقی افندی تبیین آیات الهی توسط مبیین منصوص خاتمه پذیرفته اما این بدان معنی نیست که تبیین آیات توسط افراد، با ذکر اینکه نظر شخصی آنها است، غیر مجاز باشد. بر عکس چنانچه بیت العدل اعظم فرموده اند چنین اظهار نظرهایی مطلوب و برای افرادی که در پی مطالعه و فهم تعالیم الهی باشند تمرینی است سالم در تفکر.

در کتاب اقدس ، حضرت بهاءالله حد اقل در دو آیه به حضرت عبدالبهاء اشاره میفرمایند در آیه نخست (بند ۱۲۱) میفرمایند:

" اذا غیض بحر الوصال و قضی کتاب المبدء و المأل
توجه الی من اراده الله الذی انشعب من هذا الاصل
القدیم "

یعنی هنگامی که دریای حضور من فرو کشد و کتاب
وحی من به پایان رسد به آنکه خدا اراده کرده و از
این اصل قدیم منشعب شده ، روی آورید.

در کتاب عهدی حضرت بهاءالله پس از ذکر این آیه
از کتاب اقدس چنین تصریح می فرمایند :

" مقصود از این آیه مبارکه غصن اعظم بوده "

آیه دوم کتاب اقدس (بند ۱۷۴) در باره تبیین آثار
نازله از قلم حضرت بهاءالله است و می فرمایند :
اذا طارت الوراقاء عن ابيك الثناء و قصدت المقصد
الاخفى ارجعوا ما لا عرفتموه من كتاب الى الفرع
المنشعب من هذا الاصل القويم"

یعنی هنگامی که کبوتر الهی به سوی مقصد دور
دست مسکن پنهان خود پرواز نماید، برای هر آنچه
که از کتاب الهی در نیافتید به فرعی که از این پر
توان روئیده مراجعه کنید.

البته مقصود مبارک از غصن یا فرع در این آیه
حضرت عبدالبهاء است ولی معنی آن در حق حضرت
شوقی افندی نیز صادق است زیرا هیکل مبارک نه
تنها غصن ممتاز بودند و از درخت مقدس روئیده

بلکه از طرف مرکز پیمان به عنوان مبیین تعالیم بهائی نیز تعیین گردیده بودند.

ایادی امرالله جناب علی محمد ورقای شهید از حضرت بهاءالله ضمن عریضه ای در باره آیه دوم کتاب اقدس که ذکر گردید سؤال کردند و حضرت بهاءالله جواب فرمودند که مقصود " غصنین " (دو غصن) است. به عبارت دیگر حضرت بهاءالله در نظر داشتند که تنها دو غصن، وظیفه تبیین آیات الهی را بعهده گیرند و این مقام را همیشگی و دارای مداومت نمی دانستند. البته در آن هنگام در اندیشه همگان این بود که غصن دوم باید میرزا محمد علی باشد زیرا بعد از حضرت عبدالبهاء که غصن اعظم بودند وی غصن اکبر بود، اما پس از صعود حضرت بهاءالله میرزا محمد علی نقض عهد کرد و از دایره امر الهی بیرون رفت. در اینجا این سؤال پیش می آید که چرا حضرت بهاءالله، مظهر الهی و مخزن علوم ربانی که بطور مسلم نیز چگونگی حال غصن اکبر آگاه بودند وی را در کتاب اقدس بعنوان جانشین حضرت عبدالبهاء تعیین فرمودند؟ همین پرسش را در

مورد حضرت عبدالبهاء نیز مطرح کرد که آنحضرت با آنکه بطور مسلم آگاه بودند که پس از شوقی افندی ولی امر دیگری نخواهد بود چرا در الواح وصایا از جانشینان شوقی افندی به عنوان ولی امرسخن به میان آوردند؟ حضرت ولی امرالله درباره کتاب اقدس و الواح وصایای حضرت عبدالبهاء به نکته ای اشاره می فرمایند که شایان توجه است . میفرمایند:

" مطالعه دقیق این دو سند مقدس نشان میدهد که هر دو با یکدیگر ارتباطی نزدیک دارند و هر دو مقصدشان یکی است و دارای روش واحدی هستند.
(ماخذ نظم جهانی بهائی ص ۹)

به عبارت دیگر روشی که حضرت بهاءالله در کتاب اقدس به کار گرفتند همان روش نیز بوسیله حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا به کار بسته شد . آیا نمیتوان باور داشت که گزینش این روش بوسیله آنان از روی حکمت بود؟ آیا به احتمال زیاد نمیتوان گفت که در حالیکه هر دو میدانستند که تا چه حد بیوفایی و پیمان شکنی آنها که بالقوه میتوانند مصدر امر شوند چیره خواهد گردید با این وجود برای امتحان بهائیان

در وصیت نامه های خود پیش بینی هائی را برای
مقام جانشینی جانشینان خود که نمیتوانست تحقق یابد
گنجانیدند تا مؤمنان حقیقی و صمیمی از آنها که فقط
دم از ایمان می زنند جدا گردند.

در کتاب گوهر یکتا اثر امة البهاء روحیه خانم از
خاطرات پزشکی آلمانی به نام دکتر فلشر falscheer.
ساکن حیفا چنین نقل گردیده که روزی این خانم در
حضور حضرت عبدالبهاء بود و شوقی افندی که
تقریباً ۱۱ سال داشت وارد اتاق گردید و پس از ادای
احترام به نیای بزرگوار خود از در خارج شد. در این
موقع حضرت عبد البهاء به دکتر فلشر رو کرده و از
جمله چنین فرمودند: " حضرت بهاء الله ... کمی پیش
از صعود مرا متذکر داشته امر فرمودند که بدون
ملاحظه ارشدیت و سن بایستی در بین پسران و نوه
های خود بنگرم و کسی را که خداوند مقدر فرموده
برای جانشینی خود انتخاب کنم " (گوهر یکتا ص
(۱۹

بنا بر این معلوم می شود که جمال قدم از عهد شکنی
میرزا محمد علی آگاه بودند و بر این اساس به غصن

اعظم خود فرموده بودند که وی برای جانشینی خویش می بایستی غصن دیگر را برگزیند و حضرت عبدالبهاء نیز نوه خود، غصن ممتاز شوقی افندی را برای این مقام انتخاب فرمودند.

هنگامی که در امر الهی اختیار یا اجازه کاری به فردی یا مؤسسه ای داده میشود باید مطمئن بود که لیاقت و قدرت اجرای آن نیز ارزانی میگردد. حضرت ولی امرالله در تعریف وظیفه خود به عنوان مبیین آیات الهی می فرماید: "... به ولی امر مشخصا قدرت لازمی برای نمایاندن منظور و مقصود و معنای بیانات حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء عنایت گردیده..." با این بیان در حقیقت هیکل مبارک میفرماید که ایشان میتوانند افکار مؤسس امر بهائی و مرکز میثاق او را بخوانند و منظور آنان را در یابند. در جای دیگر نیز در همین زمینه می فرماید که چنین قدرتی ولی امر را بر " داشتن چشم اندازی دور و مداوم بر نسلهای آینده" قادر کرده است. بنابراین حضرت ولی امرالله میتوانند چگونگی پیشرفت امر مبارک و تحول دنیای آینده را از قبل

مشاهده کنند . این چنین قدرت، موهبتی بود الهی که به آن حضرت اعطا شده بود.

در کتاب مفاوضات فصلی است در باره مصونیت از خطا یا عصمت . حضرت عبدالبهاء میفرماید که عصمت بر دو نوع است : عصمت ذاتی و عصمت موهوبی . عصمت ذاتی ویژه پیامبران الهی است و آنان با داشتن چنین عصمتی که جزء ذات آنان است قادر به دریافت وحی از طرف خدا میباشند. در حالی که عصمت موهوبی عصمتی است اعطا شده به فرد یا مؤسسه ای و آنان که چنین عصمتی به آنان داده می شود قادر به کسب الهامات الهی میباشند و نه دریافت وحی از طرف خداوند . سپس حضرت عبدالبهاء در شرح عصمت موهوبی بطور واضح و مختصر میفرماید که هرگاه خداوند از کسی که او را برای چنین عصمتی انتخاب کرده محافظت و حمایت نکند این " لایق و سزاوار حضرت احدیت نه " (مفاوضات ص ۱۳۰) این بدان مفهوم است که شایسته خداوند نیست که از ما بهائیان بخواهد از فرد یا مؤسسه ای خواه حضرت عبدالبهاء خواه حضرت شوقی افندی یا

بیت عدل اعظم اطاعت کنیم اما الهامات و هدایت خود
را از آنان دریغ نمایند.

هدف از مطالبی که در بالا نگاشته شد اینست که ما به
مقام والای حضرت ولی امرالله پی بریم و آن نه تنها
از نظر توجه به کانون واحدی از نور هدایت الهی
برای حفظ وحدت و اتحاد جامعه بهائی است بلکه از
آن نظر است که آن حضرت منبع الهامات الهی و
هدایت ربانی بوده اند هدایتی که آخرین پناهگاه

بشر سرگردان در تمام دور بهائی به شمار می آید.

خدمات هیكل مبارك پيش از دوران ولايت

در اینجا نیازی نیست که زندگانی حضرت شوقی افندی از زمان کودکی تا آغاز عصر تکوین را که آن مولای عزیز بر مسند ولایت تکیه زدند مورد مطالعه قرار دهیم اما نگاهی گذرا به دوره ای که ایشان در خدمت نیای محبوب خود بودند یعنی از تابستان سال ۱۹۱۸ (که از دانشگاه آمریکائی بیروت فارغ التحصیل گردیدند) تا بهار سال ۱۹۲۰ (که ارض اقدس را برای ادامه تحصیل در آکسفورد انگلستان ترک فرمودند) مفید خواهد بود .

خدمات حضرت شوقی افندی در ۱۸ ماهی که ایشان به عنوان منشی و یا کاتب در حضور حضرت عبدالبهاء بودند عبارت بود از ترجمه نامه هائی که از غرب واصل میگرددید به فارسی و نگارش پاسخ هائی که توسط حضرت عبدالبهاء به ایشان املاء میشد و بعد ترجمه های مبارک به انگلیسی و ارسال آن همراه با متن فارسی اصل بیانات حضرت عبدالبهاء برای بهائیان غرب . در این دوره حضرت شوقی افندی نامه نگارهای خصوصی خود را نیز با

تعدادی از دوستان نزدیک خویش محفوظ نگاه داشتند و نیز دارای دفترچه خاطراتی بودند که در آن رویدادهای مهم مرکز جهانی امر خبر های پیشرفت امرالله و نیز افکار و احساسات شخصی خود را در باره امر و ارض اقدس یاد داشت میکردند . این خاطرات تا کنون منتشر نگردیده و چنانکه گفته شد مربوط به دوره ای است که ایشان به عنوان منشی حضرت عبدالبهاء خدمت میکرده اند

پس از آنکه هیکل مبارک به مقام ولایت امر بر گزیده شدند دیگر به نگارش خاطرات خود ادامه ندادند . نسخه کامل این خاطرات در دارالآثار بین المللی محفوظ است و شاید بتوان امیدوار بود که در موقعیتی مناسب بر حسب تصمیم بیت العدل اعظم انتشار یابد . ترجمههایی از برگزیده هایی از دفتر خاطرات ایشان در بعضی از شماره های مجله نجم باختر مربوط به دوره مذکور منتشر گردیده اند .

پس از صعود حضرت عبد البهاء و انتشار الواح وصایا دنیای بهائی در نهایت هیجان نه تنها در انتظار مشاهده شخصیت ارزشمند این جانشین جوان جانشین

حضرت مولی الوری بود بلکه در اشتیاق دیدن طرز نگارش و لحن آثار وی به سر میبرد . هنگام صعود حضرت بهاءالله احبای شرق قبلا با قلم ملهم و پر توان غصن اعظم او ، از طرق آثاری چون رساله مدنیه و مقاله شخصی سیاح آشنا شده بودند اما در مورد حضرت شوقی افندی در نزد عموم بهائیان چه در شرق و چه در غرب چنین آشنائی، به علت جوان بودن آن حضرت و کوتاه بودن دوران شکوفائی آثارشان ، وجود نداشت.

واکنش ها و اقدامات هیکل مبارک بلا فاصله پس از صعود حضرت عبدالبهاء

نخستین نامه های حضرت شوقی افندی پس از صعود نیای بزرگوارشان نشانی از رنج شدید و در عین حال امید به آینده دارند. روشن است که در این دوره آن حضرت در باره مسئولیت های نوین خویش می اندیشیدند و اغلب از احبا می خواستند که برای ایشان دعا کنند تا آنچه که حضرت مولی الوری از بندگی ام انتظار داشتند کوتاهی نشود . اولین نامه ای که از ایشان در دست است نامه ای است که هنوز در

آکسفورد تشریف داشتند و در حال رفتن به خانه دکتر
اسلمنت بودند به یکی از هم شاگردی های بهائی خود
در لندن مرقوم فرمودند . در این نامه گرانقدر ایشان
چنین نگاشته اند :

" این خبر وحشت زا چنان جسم و روح را ناتوان
نمود که برای دو روزی تقریباً بی حس در رختخواب
افتاده بودم . هیجانی شدید سراپای وجودم را فرا
گرفته بود و بهیچ وجه نمی توانستم افکار خود را
جمع نمایم و رفت رفته قوای ملکوتی آن پدر آسمانی
مرا حیاتی تازه عنایت کرد و در من روح اعتماد دمید
که امیدوارم از این به بعد نیز هادی و الهام بخش من
در خدمات حقیرانه من در آستان الهی باشد. رسیدن
چنین روزی مقدر بود اما چقدر ناگهانی و غیره
منتظره واقع شد. باید مطمئن باشیم امری که تا کنون
اینهمه افراد نیک خواه و نیک اندیش در سراسر جهان
آفریده زنده و پایدار خواهد ماند و ترقی خواهد کرد و
چیزی نخواهد گذشت که پهنه گیتی را فرا خواهد
گرفت . من فوری عازم حیفا هستم تا دستوراتی که
مولای مهربان به جا گذاشته اند دریافت دارم . تصمیم

قطعی من آنست که زندگانی خویش را وقف خدمت به
آستانش نمایم و با عنایات او آنچه را دستور فرموده
اند در سراسر زندگی خویش عامل گردم... جنبش و
هیجانی که اکنون در دنیای بهائی بوجود آمده جان
تازه ای به امر مبارک داده و هر فرد مؤمن با وفائی
را بیدار خواهد کرد تا مسئولیتهائی را که اکنون آن
مولای بی همتا بر شانه های هر یک از ما قرار داده
اند بر عهده بگیرید.

ارض اقدس در جهان بهائی همچنان بصورت مرکز
اصلی باقی خواهد ماند و عصر جدیدی برای آن فرا
خواهد رسید. حضرت مولی الوری با بینش و ژرف
بینی خویش جمیع امور را مرتب و مستحکم فرموده
اند و روح او به من اطمینان میدهد که نتایج آن
بزودی آشکار خواهد شد."

این نامه در انتها با جمله : " خیر خواه و سهیم شما
در خدمت به امر مبارک ، شوقی " پایان میابد.
هیكل مبارک در آغاز دوران ولایت همه نامه های
خود را با ذکر اینکه " عائله مبارک " در ابراز ادعیه
شریک ایشانند خاتمه میدادند، اما بعدا به تدریج در

نامه ها تنها ذکر حضرت ورقه علیا را میفرمودند که البته این نیز بعد از صعود خانم اهل بهاء متوقف گردید.

هفته روز پس از صعود مرکز پیمان ، حضرت شوقی افندی همراه با لیدی بلامفلید lady Blomfleid با قلبی شکسته ، بدنی خسته و اعصابی کشیده وارد ارض اقدس گردید. در این حالت بود که ایشان می بایستی مسئولیت فوق العاده سنگینی را که حضرت عبدالبهاء بر شانه های وی نهاده بودند بر عهده بگیرد . بدون تردید یکی از کارهای ایشان خواندن متن الواح وصایا و به دنبال آن تصمیم به ترجمه این سند بی مثل و نظیر به زبان انگلیسی بود در اینجا ما با جوانی ۲۴ ساله رویرو هستیم که می بایستی تمام مواد و محتویات سندی چنین مهم را که خود وی بعدا آن را یکی از " منشور مدنیت آینده جهانی " توصیف فرموده ترجمه نمایند. در ضمن اینکه هیکل مبارک به این امر حیاتی مشغول بودند می بایستی در پی آن باشند تا از الواح وصایا نسخه های عکسی یا رونوشت هائی مستند تهیه شود و به جامعه های بهائی

در شرق ارسال گردد . علاوه بر کار سخت ترجمه
الواح وصایا ، ایشان می بایستی که با یاری لیدی
بلامفلید رساله ای در شرح صعود حضرت عبدالبهاء
با استفاده از تمام اطلاعاتی که در اختیار بود فراهم
آورند. این رساله در سال ۱۹۲۲ با عنوان "شرح
صعود حضرت عبدالبهاء تهیه شده بوسیله شوقی
افندی و لیدی بلامفلید " به زبان انگلیسی منتشر گردید
و هیکل مبارک بی درنگ نسخه ای از آن را برای
محفل روحانی طهران ارسال داشتند و خواستند که آن
را به فارسی ترجمه و میان بهائیان شرق پخش نمایند
ایادی امرالله لروی آیواس Leroy ioas مکررا میگفتند
که حضرت شوقی افندی به ایشان فرمودند که
هنگامیکه در سال ۱۹۲۱ به سمت ولی امر بر گزیده
شدند هیچگونه طرح مفصلی درباره جزئیات گام هائی
که میبایستی برای پیشبرد امر بردارند تدارک نکرده
بودند . البته گر چه این سخن صحیح است اما به
مفهوم آن نیست که ایشان بینش و دیدی کلی در باره
هدف های نهائی که می بایستی به دست آید نداشتند .
دکتر یوگو جیاگری ایادی امرالله در کتاب خود به

عنوان شوقی افندی می نویسد : " من تردیدی ندارم که آنچه که در ظرف ۳۶ سال دوره ولایت امر به انجام رسیده حاصل نقشه های وسیعی بود که هیکل مبارک از پیش و از همان ابتدائی که زمام امر را در دست گرفتند در اندیشه خود آن را طرح فرموده بودند".

در همان نخستین سالهای دوره ولایت ، حضرت ولی امرالله متوجه شدند که لازم است موقعیت خود را بویژه در برابر مقامات رسمی در ارض اقدس استوار نمایند. زیرا ناقضان امر امیدوار بودند که پس از صعود حضرت عبد البهاء تولیت مکان های مقدس امر را بدست آورند. همچنین هیکل مبارک میبایستی حق قانونی بهائیان را در تملک و تولیت خانه مقدس حضرت بهاءالله در بغداد به دولت آن سرزمین و در نهایت در سطح بین المللی و زیر نظر جامعه ملل به ثبوت رسانند. اما صرف نظر از این هدفهای فوری ، بدون تردید حضرت ولی امرالله در برنامه کار خود مسائل زیر را نیز منظور فرمودند:

* نیاز به اضافه کردن سه اطاق به ساختمان مقام
اعلی و بنای رواقی بر آن با ستون ها و مناره هایی
در بالا و سرانجام گنبد زرین بر روی همه آنها به
نحوی که این مجموعه مانند صدفی ساختمان اصلی بنا
شده توسط حضرت عبد البهاء را در بر گیرد.

* اینکه جائی مانند حیفا و عکا نمی توانست همچنان
محل سکونت بازماندگان بهائیان باشد که به هنگام
تبعید حضرت بهاء الله همراه با آن حضرت به این
سرزمین وارد گردیده بودند.

* اینکه دیانت بهائی می بایستی به عنوان دیانتی
مستقل به رسمیت شناخته شود .

* اینکه ارض اقدس را در حال حاضر باید مرکز
روحانی و اداری جهانی امرالله که حضرت بهاء الله در
لوح کرمل آن را پیش بینی فرموده اند محسوب داشت.
* و اینکه برای بنای طبقات مقام اعلی در کوه کرمل
و ایجاد باغ هائی زیبا در پیرامون قصر بهجی می
بایستی اقدام به خرید املاک بیشتری در این دو محل
نمود.

علاوه بر اینها ، هیکل مبارک بدون تردید عمیقا نگران جامعه بهائیان شرق بویژه ایران که در زیر ستم و آزار قرار داشت ، نیز بودند و می بایستی در پی راه هایی برای حفظ بهائیان و کاهش آندوه آنان در سرزمین ها باشند. در تمام جهان نیز می بایستی به ایجاد مؤسسات نظم اداری چه در سطح محلی و چه در سطح ملی مبادرت نمود تا بر پایه آنها بتوان به انتخاب بیت العدل اعظم پرداخت .

همچنین می بایستی جامعه بهائی آمریکای شمالی را تقویت نمود تا اولاً بتواند به تکمیل بنای مشرق الاذکار آمریکا که سنگ بنای آن بوسیله حضرت عبدالبهاء نهاده شده بود پردازد و در ثانی طرحی از تشکیلات بهائی را در سطح محلی و ملی پیاده کند تا بعداً نمونه ای برای سایر جامعه های بهائی در سراسر عالم گردد و سرانجام نقشه تبلیغی را زیر نظر محفل ملی خود بعنوان آغاز اجرای فرامین تبلیغی حضرت عبدالبهاء به مورد اجرا درآورد این هدف ها همگی در سه منشور دیانت بهائی یعنی لوح کرمل ، الواح وصایا و فرامین تبلیغی عبدالبهاء بعضی روشن

و صریح و برخی بصورت اشاره و تلویح بیان گردیده است هنگامی که به مطالعه پیشرفت های حاصل دوره ولایت میپردازیم متوجه میشویم که تمام این هدف ها بوسیله هیکل مبارک در ارض اقدس انجام گرفته یا زیر نظر مستقیم و راهنمایی های ایشان در نقاط دیگر دنیا به اجرا در آمده است . نباید به هیچ وجه تصور کرد که موارد یاد شده شامل تمام مسائل مورد توجه حضرت شوقی افندی و جمیع طرح هائی است که ایشان اجرا کرده اند چگونه میتوان اثرات بر آورد نکردنی مواظبت و، مراقبت و حمایت مداوم از امرالله در پهنه گیتی ، تسلی جامعه های ستم دیده و رنج کشیده ، دفاع از حقوق آئین بهائی ، تشویق و راهنمایی مؤمنان و نشان دادن امکانات آینده یه آنان را ارزیابی نمود؟ (پایان گفتار جناب نخجوانی)

صعود ناگهانی و غیر منتظره حضرت ولی امرالله آن
هم بدون معرفی و انتخاب جانشین توهمات و
تصویراتی در ذهن جوامع امری و بعضی از احبا
ایجاد نموده بود

بیت العدل اعظم در جواب یکی از احبا که از فقدان
مقام ولایت پرسش کرده بود می فرمایند :

حضرت بهاءالله در هیچ جا بالصراحه به موسسه
ولایت امر اشاره نفرمودند . ایشان این موضوع را
توسط حضرت عبدالیهاء مطرح کردند .

حضرت شوقی افندی مرقوم فرمودند که موسسه
ولایت امر به وضوح در اشارات ضمنی و تلویحی در
آثار حضرت بهاءالله پیش بینی شده است . حضرت
بهاءالله این موسسه مقدس را در اشارات تلویحی
مذکور در کتاب مستطاب اقدس پیش بینی فرمودند و
با استفاده از الواح مبارکه وصایای حضرت عبدالیهاء
آن را به حیز وجود آوردند . موسسه نیرومند ولایت
امر ، که در الواح مبارکه وصایا به عنوان " مرکز
امر " توصیف شده و توسط حضرت شوقی افندی به
عنوان " اساس و بنیاد نظم اداری " بیان گردیده ، در

آثار مبارکه حضرت بهاءالله بالصراحه ذکر نشده است . این تبادل میان آثار مبارکه طلعات مقدسه ، که تعالیم بسیار مهم حضرت بهاءالله در آنها تلویحا به حضرت عبدالبهاء محول گردیده یا ظهور آنها موکول به مضی زمان شده و استحقاق بررسی بیشتر از سوی ما را دارد ، مرجعیت بیت العدل اعظم را که بدون حضور یک ولی امر فعالیت کند ، در متون مقدسه و نصوص مبارکه روشن ساخته است . حضرت شوقی افندی کتاب مستطاب اقدس را " اعلی و اجلی ثمره اسم اعظم " توصیف فرموده اند . ایشان همین عبارت را در مورد الواح مبارکه وصایا به کار برده آن را " اعلی و اشرف تجلی روح فیاض " حضرت عبدالبهاء توصیف فرموده اند . حضرت ولی امرالله در شاهکار خود موسوم به دور بهائی انفکاک ناپذیری این دو کتاب مقدس را نشان می دهند : " قوای منبعثه از شریعت حضرت بهاءالله که در هویت حضرت عبدالبهاء حلول نمود و توسعه یافت در اثر تماس و تاثیرات متقابله سندی به وجود آورد که می توان آن را به منزله دستور نظم بدیع عالم که در عین حال

افتخار این کور اعظم و نوید آن است تلقی نمود . لذا الواح وصایا مبارکه را می توان به منزله ولیدی دانست که طبعا از اقتران معنوی آن نافخ قوه مولده مشیت الهیه با واسطه ظهور و حامل برگزیده آن قوه به وجود آمده . چون الواح وصایا ولید عهد و میثاق است یعنی هم وارث شارع و هم وارث مبین شریعت الله ، لذا نمی توان آن را نه از موجد قوه فاعله اولیه و نه از آن که آن را مآلا به بار آورده مجزی نمود . باید همواره به خاطر داشت که منویات منیعه حضرت بهاءالله به نحوی در روش و حالات حضرت عبدالبهاء نفوذ و سریان یافته و مقاصد آنان به قسمی با یکدیگر ممزوج و مرتبط گشته که صرف مبادرت به انتزاع تعالیم جمال قدم از تاسیساتی که مثل اعلای همان تعالیم وضع فرموده به منزله رد یکی از مقدس ترین حقائق اساسیه این آئین به شمار می رود .

از آنجا که موسسه ولایت امر در کتاب اقدیس به تلویح نه به تصریح آمده است ، حیرت آور نخواهد بود اگر احتمال اختتام سلسله ولاه امرالله نیز به

تصریح بلکه به تلویح در اثر مقدس مزبور آمده باشد . یک مورد از این موارد را بررسی می کنیم که کتاب مستطاب اقدس اختتام سلسله و لاه امرالله را تلویحا پیش بینی می کند و مرجعیت بیت العدل اعظم را برای هدایت امر مبارک در وقوع این رویداد بالصراحه ذکر می کند و الواح مبارکه وصایا این مرجعیت را تصریح می نماید . بیت العدل اعظم در دستخط خود تحت عنوان Comments on the Guardianship and the Universal House of Justice توضیح می فرمایند که چگونه حضرت بهاءالله به نفسه المبارک ، در کتاب اقدس ، این احتمال را پیش بینی فرمودند که بیت العدل اعظم تا اختتام سلسله و لاه امرالله تشکیل نخواهد شد و به این ترتیب بدون حضور یک ولی امر فعالیت خواهد کرد . حضرت بهاءالله در کتاب اقدس می فرمایند :
قد رجعت الاوقاف المختصة للخیرات الی الله مظهر
الایات لیس لاحد ان یتصرف فیها الا بعد اذن مطلع
الوحی و من بعده یرجع الحکم الی الاغصان و من
بعدهم الی بیت العدل ان تحقق امره فی البلاد

ليصرفوها في البقاع المرتفعه في هذا الامر و فيما
امروا به من لدن مقتدر قدير و الا ترجع الى اهل البها
الذين لا يتكلمون الا بعد اذنه و لا يحكمون الا بما حكم
الله في هذا اللوح اولئك اوليا النصر بين السموات و
الارضين ليصرفوها فيما حدد في الكتاب من لدن
عزيز كريم

در يادداشتهاي توضيحي منضم به كتاب اقدس كه
تحت نظارت بيت العدل اعظم تهيه شده است ، اين
نكته خاطر نشان شده كه اين فقره به " تعيين وصي
بعد از صعود جمال اقدس ابهي و حضرت عبدالبهاء
" تلويحا اشاره دارد . بيت العدل اعظم همچنين مرقوم
فرموده اند كه " صعود حضرت شوقي افندي در سال
۱۹۵۷ همين وضعيتي را كه در اين فقره تصريح شده
است يعني اختتام نسل اغصان قبل از انتخاب بيت
العدل اعظم ، تسريع نمود . " عبارت مهم و اساسي كه
در اين مورد مشاهده مي شود " من بعدهم " ، يعني بعد
از اغصان است . بيت العدل اعظم مرقوم فرموده اند
كه اين " عبارت شگفت انگيز و چشمگير " احتمال "
يك گسستگی در سلسله ولاه امرالله " را پيش بيني مي

نماید .

چگونه می توانیم اطمینان حاصل کنیم که مقصود حضرت بهاءالله از استفاده از لغت " بعد" از اغضان ، بعد از سلسله اغضان منتخب بوده و به اختتام سلسله و لاه امرالله تلویحا اشاره فرموده اند ؟ آیا این آیه به معنای " بعد از درگذشت تمام پسران من " نمی توانست باشد ؟ اگر این عبارت به معنای " پسران" ایشان باشد و به سلسله اوصیای توارثی دلالت ننماید ، صرفا حاکی از این احتمال است که بیت العدل اعظم ممکن بود تا درگذشت اولین نسل اغضان ، یعنی پسران حضرت بهاءالله ، تشکیل نشود . در این صورت ، این عبارت پیش بینی نمی نمود که بیت العدل اعظم بدون حضور یک ولی امر فعالیت نماید . به "اختیار و مرجعیت " اشاره دارد که برخی از دارائی های امر ، یعنی اوقاف بین المللی ، را اداره نماید . معهذا ، حضرت بهاءالله هرگز اختیار و مرجعیت را بین چندین نفر پراکنده نساختند ، ایشان و بعدا حضرت عبدالبهاء همواره تمامی اختیار و اقتدار در امر مبارک را در یک مرکز متمرکز ساختند .

تاریخ امر مبارک هیچ موردی را نشان نمی دهد که اغصان به عنوان یک مجمع مشترک عمل کرده باشند یا دارای گونه ای مرجعیت و اختیار در امر مبارک باشند . در واقع ، حضرت مولی الوری تمام اغصان دیگر را هدایت فرمودند که " کمال اطاعت و تمکین و انقیاد و توجه و خضوع و خشوع را به ولی امرالله داشته باشند " این واقعیت که بند کتاب اقدس در مورد " اوقاف" به مسئولیت اداری در امرالله اشاره دارد، تلویحا دلالت می کند استفاده حضرت بهاءالله از اغصان در این مورد به سلسله اغصان " منتخب" محدود می شود : یعنی حضرت مولی الوری و سلسله و لاه امرالله بعد از ایشان . چون حضرت بهاءالله می فرمایند " بعد" از اغصان بیت العدل اعظم به اعمال اختیارات و مرجعیت اقدام خواهد کرد ، اختتام سلسله و لاه امرالله را پیش بینی می کند . حضرت بهاءالله در همان بند مربوط به اوقاف ، حتی بر اعمال اختیارات در امر مبارک در ایام فترت بین صعود حضرت شوقی افندی و اولین انتخابات بیت العدل اعظم نیز تصریح می فرمایند:

" و الا ترجع الى اهل البهاء الذين لايتكلمون الا بعد
اذنه و لايحكمون الا بما حكم الله فى هذا اللوح اولئك
اوليا النصر بين السموات و الارضين " " اهل بها"
مذکور در این بند کتاب اقدس چه کسانی هستند ؟ آنها
به نفوسى كه " لايتكلمون الا بعد اذنه " و " اوليا
النصر " توصيف شده اند .

يادداشتهاى منضم به كتاب اقدس تائيد مى كند كه در
اين مورد " اهل بهاء " عبارت از ايدى امرالله هستند
. ما اين فقره ب را با ساير الواح حضرت بهاءالله كه
از همين اصطلاحات براى اشاره به ايدى امرالله
استفاده كرده اند مقايسه مى كنيم . در آن الواح به
ايدى امرالله به عنوان نفوسى كه بدون اذن خداوند
تكلم نمى كنند و موجد نصرت امرالله هستند اشاره
دارند :اصلى و اسلم و اكبر على انجم سما عرفانك و
ايدى امرك الذين طافوا حول ارادتك و ما تكلموا الا
باذنك و ما تشبثوا الا بذيلك و اولئك عباد شهدت
بخدمتهم و نصرتهم و قيامهم و ذكرهم و ثنائهم كتبك
و زبرك و صحفك و الواحك و بهم نصبت اعلام
توحيدك فى مدنك و ديارك و رايات تقديسك فى

مملکتک ...

به این ترتیب مشاهده می کنیم که در این دلالات کتاب اقدس (در فقره ب) ، حضرت بهاءالله بر انتقال اختیارات و مرجعیت از اغصان منتخبه به ایادی امرالله و بعد به بیت العدل اعظم بدون یک غصن منتخب ، بدون یک ولی امر ، تصریح می فرمایند .
بیت العدل اعظم هشدار داده اند : " اگر چه ، همانطور که مشاهده می شود ، بر اختتام نسل اغصان در مرحله ای از امر الهی تصریح شده است ، اما هرگز نباید فقدان دردناک و سنگینی را که امر مبارک متحمل شده است ناچیز شماریم "

و نیز بیت العدل اعظم مرقوم فرموده اند : " ما باید در مقابل دو حد افراط و تفریط شدیداً مراقب باشیم : اول بحث در این موضوع که چون دیگر ولی امری وجود ندارد تمام آنچه که در خصوص ولایت امرالله و مقام مزبور در نظم جهانی بهائی به رشته تحریر در آمده است ، منقضی شده و فاقد اهمیت است ، دیگر اینکه آنقدر تحت تاثیر اهمیت ولایت امرالله واقع شویم که سطوت و قدرت میثاق را ناچیز تلقی کنیم . "

حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکه وصایا تصریح فرموده اند که ولی امرالله به عنوان " رئیس مقدس ... و عضو اعظم ممتاز لا ینعزل " بیت العدل اعظم خدمت نماید . بیت العدل اعظم مرقوم فرمودند که حضرت شوقی افندی " به وضوح در نظر داشتند " که دو موسسه ولایت امر و بیت لعدل اعظم با هم فعالیت نمایند . معهذا ، این دو موسسه هرگز با هم فعالیت نکردند . حضرت شوقی افندی ولی امر جانشین خود را منصوب نفرمودند و نمی توانستند منصوب کنند . بیت العدل اعظم در سال ۱۹۶۳ ، شش سال بعد از صعود حضرت شوقی افندی " از عالم امید به مرحله تحقق قابل ملموس وارد شد " ، و ولی امر جانشین برای حضرت شوقی افندی وجود ندارد . این واقعیت ، که بیت العدل اعظم بدون این که رئیس مقدسش و مبین معصوم و مصون از خطای کلمه الله ، در مذاکراتش مشارکت نماید باید فعالیت نماید ، این سوال را در ذهن ایجاد می کند : در آثار مبارکه مرجعیت بیت العدل اعظم برای فعالیت بدون حضور ولی امر چیست ؟ ما بهائیان برای حصول

اهداف خود باید به جریان یافتن اقتدار و مرجعیت الهیه از طریق میثاق حضرت بهاءالله به جانشین آن حضرت اعتقاد عمیق و تزلزل ناپذیر داشته باشیم . هدف این مقاله تقویت اعتقاد نسبت به اختیار و اقتدار مذکور در آثار برای فعالیت مصون از خطای این مجمع مقدس به عنوان ریاست امر الهی ، بدون حضور یک ولی امر در قید حیات می باشد ، تا با به یاد آوردن کلام حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکه وصایا ، معتقد و مطمئن و در میثاق الهی ثابت و مستقیم باشیم .

و در پیامی دیگر می فرمایند : عبارت ولایت امرالله در زمینه های مختلف با معانی متفاوتی به کار برده شده است در بعضی از این مواقع این عبارت دال بر مقام و عملکرد نفس مقدس ولی امر است و در برخی دیگر مشعر بر سلسله اولیای امر میباشد و در بعضی دیگر مشعر بر مفهوم وسیعتر و شامل تر کلیه اولیای امر و مؤسسات مربوط و ملازم با آنان است معهذا در حال حاضر که دیگر ولی امری موجود نیست ، اظهار اینکه ایادی امرالله اعضای ولایت امر هستند کاملاً اشتباه است و به همین صورت است داشتن چنین تعبیری در مورد دارالتبلیغ بین المللی و مشاورین قاره و اعضای هیئت های معاونت و مساعدين آنان .

" ولی امرهای آینده ، در آثار و نصوص الهیه به وضوح پیش بینی و مورد اشاره واقع شده اند اما در هیچ موضعی در آثار تعهد و تضمینی مبنی بر اینکه سلسله اولیای امر ، برای همیشه استمرار خواهد یافت موجود نمیشدبالعکس ، اشارات واضحی دال بر قطع این سلسله وجود دارد اما علی رغم این مسئله ،

تأکیدات مکرره در آثار الهیه مبنی بر شکست ناپذیری
میثاق الهی و تغییر ناپذیری مشیت سبحانی در این یوم
ربانی موجود است یکی از عجیبترین فقراتی که
احتمال چنین انقطاعی را در سلسله اولیای امرالله، در
نفس کتاب مستطاب اقدس پیش نگری میکند این است
که میفرمایند " صدقات اهدائی برای امور خیریه به
رب البریه ، مظهر آیات عظیمه ، راجع است ،
هیچکس را، بدون اذن مطلع امر، حق تصرفی در آنها
نیست بعد از مظهر ظهور تصمیم در این مورد به
عهده اغصان است و پس از آن به عهده بیت العدل ،
اگر تا آنوقت امرش در عالم تحقق یافته باشد آنان باید
این صدقات را به نفع اماکن متعالیه در این امر
صمدانیه و نیز برای آنچه که ، ذات الهیه مقتدر و
توانا مشخص فرموده صرف نماید. در غیر این
صورت خیرات و صدقات باید به اهل بهاء راجع شود
آنانکه بدون اذنش سخن نمیگویند و قضاوتی نمیکنند
مگر برطبق آنچه که خداوند ، در این لوح عظیم ،
مقرر فرموده آنانکه علم های (قهرمانان) پیروزی
اند ، میانۀ آسمان و زمین آنان باید آن صدقات را در

مواردی که در کتاب مقدس به امر خداوند اقدس ،
خداوند مقتدر و فضال مقدر گشته مصرف نمایند.

به دلیل فقدان ظاهری ولی امر از اهمیت و منزلت مرسسه ولایت امرالله کاسته نخواهد شد

" حضرت شوقی افندی در مدت سی و شش سال صدارت و ولایت خود ، بدون وجود بیت العدل اعظم انجام وظیفه فرمودند و اکنون بیت العدل اعظم باید بدون وجود ولی امر به انجام وظایف خود بپردازند در حالیکه اصل انفکاک ناپذیر این دو مؤسسه همچنان باقی و برقرار است. صرفاً به دلیل فقدان ولی امر از نقطه نظر حیات عنصری ، مؤسسه ولایت امر ، اهمیت و منزلت خود را در نظم اداری حضرت بهاءالله از دست نمیدهد ما باید در مقابل دو حد افراطی این مسئله توجه و مراقبت کامل داشته باشیم اول اینکه استدلال نمائیم که چون دیگر ولی امری موجود نیست ، تمام آنچه که راجع به ولایت امر و مقام و منزلت آن ، در نظم اداری بهائی ثبت و ضبط گشته بی ارزش و اهمیت است و دوم اینکه چنان تحت تأثیر اهمیت ولایت امر قرار گیریم که قدرت میثاق را دست کم گرفته ، اغوا شویم که با نصوص صریحه

الهیہ سازش کردہ بہ نحوی و بہ طریقی یک " ولی
امری " دست و پا کنیم.

بیت العدل اعظم در پیام مورخ ۹ مارچ ۱۹۶۵ خطاب
به محفل روحانی ملی بهائیان هلند این موضوع را
کاملاً تشریح و تفهیم فرمودند و خطاب به آن محفل
مقدس می فرمایند :

دوستان عزیز بهائی ما خوشحالیم از اینکه شما
مسائلی را که اسباب تشویش خاطر بعضی از یاران
است بنظر ما رسانیدید . طرح این مسائل بطور آزاد
و آشکار خیلی بهتر از آنستکه سر بسته مانده بر قلوب
یاران جانفشان سنگینی نماید.

همینکه شخص بعضی اصول اساسی امرحضرت
بهاءالله را در یابد این قبیل تردید ها بخودی خود زائل
میشود. مقصود آن نیست که در امر الهی اسرار و
نکات رموزی وجود ندارد البته که رموزی هست ولی
باید توجه داشت هر گاه معرفت کامل نسبت باصول
عقاید امر و حقایق مسلمه آن در هر وضع و موقعیتی
حاصل گردد آن رموز آنطور نیست که بتواند مبنای
عقیده و ایمان اشخاص را متزلزل سازد. مسائلی که
از طرف بعضی یاران مطرح شده بر سه دسته است:

دسته اول بر اطراف این پرسشها دور میزند. چرا با علم قبلی به اینکه ولی امرالله دیگری نخواهد بود برای انتخاب بیت العدل اعظم اقدام شد؟ آیا موقع برای چنین اقدامی مقتضی بود؟ آیا شورای بین المللی بهائی نمیتوانست امور را پیش ببرد؟

در موقع صعود حضرت ولی محبوب امرالله از اوضاع و احوال و همچنین مقتضیات صریح نصوص مبارکه واضح بود که برای آنحضرت غیر ممکن بود که بر طبق مندرجات الواح و صایای حضرت عبدالبها جانشینی برای خود انتخاب نماید و این وضعی که برای حضرت ولی امرالله پیش آمد که بدون تعیین جانشین صعود فرمودند نقطه تاریکی بوجود آورد که در نصوص مبارکه ذکر نشده بود و مستلزم آن بود که به بیت العدل اعظم مراجعه گردد.

یاران باید باین نکته توجه فرمایند که قبل از انتخاب بیت العدل اعظم معلوم نبود که ولی امرالله وجود نخواهد داشت و با اینکه افراد احبا عقاید مختلفی در این خصوص اظهار میداشتند ولی هیچکس نمیتوانست علم قبلی و قطعی در این خصوص داشته باشد نه

ایادی امرالله و نه شورای بین المللی بهائی و نه هیچ هیئت دیگر نمی توانست در این مسئله بسیار مهم تصمیمی اتخاذ نماید و تنها بیت العدل بود که میتوانست در باره آن حکم قطعی صادر کند و این یکی از دلایلی بود که ایجاب میکرد انتخاب بیت العدل بفوریت و هر چه زودتر صورت گیرد.

پس از صعود حضرت شوقی ربانی اداره امور بین المللی امر بهائی توسط ایادی امرالله با موافقت کامل و اطاعت محافل روحانیه ملیه و جامعه بهائیان بعمل آمد و این موضوع از آنجهت بود که حضرت ولی امرالله با انتصاب ایادی امرالله آنانرا بعنوان حارسان مدنیت جهانی جنینی امر حضرت بهاءالله نامیدند.

ایادی امرالله از همان ابتدا که حراست امرالله بانها سپرده شد دریافتند که هدایت الهیه آنچنان که برای ولی امر و بیت العدل اعظم مسلم وثابت است در مورد آنها صدق نمیکند پس سالم ترین راه برای آنها آنست که با کمال دقت و مواظبت از دستورات و خط مشی حضرت شوقی ربانی پیروی نمایند.

در سراسر تاریخ ادیان نظیر این داستان دیده نمیشود

که زعمای یک دیانت غفلتا خود را محروم از راهنمای الهام بخش و ملکوتی خود ببینند و با این درجه نظم و انضباط و تا این پایه صداقت و وفاداری مطلق و اینمقدار از خود گذشتگی کامل ابراز دارند درجه تقدیر و سپاسگذاری که نوع بشر در خلال نسلهای آینده بلکه قرون آینده باین مشتی نفوس مصیبت دیده و ثابت قدم و شجاع مدیون است بیش از اندازه تصور و قدر دانی است.

حضرت ولی امرالله بجهان بهائی نقشه های صریح و مشروع عنایت فرمودند که فقط تا رضوان ۱۹۶۳ یعنی خاتمه جهاد ده ساله امتداد داشت و از آن تاریخ ببعد برای جلوگیری از اینکه خطری متوجه امر شود استمرار هدایت ملکوتی ضرورت داشت و این دومین دلیل فوریت دعوت برای انتخاب بیت العدل اعظم بود

اشارت حضرت شوقی ربانی در توقیعات منیعه در باره اینکه متعاقب جهاد روحانی ده ساله نقشه های دیگری تحت هدایت بیت العدل اعظم اجرا خواهد شد دلیل دیگری است که مناسب بودن زمان انتخاب بیت

العدل را تا بید مینماید یکی از این اشارات عبارات ذیل است که در نامه مورخ ۲۵ فوریه ۱۹۵۱ خطاب بمحفل روحانی ملی بهائیان جزائر بریتانیای کبیر در باره نقشه دو ساله آنها که بلا فاصله پیش از جهاد ده ساله انجام گرفته صادر شده است.

(انجام موفقیت آمیز این نقشه که در وسعت بی سابقه و در کیفیت منفرد و از جهت قوای روحانیه بسی عظیم است در مستقبل ایام در عصر تکوین امرالله مشروعاتی بدنیال خواهد داشت که تمام محافل روحانیه در سراسر عالم بهائی را در نطق خود درخواهد آورد. مشروعاتی که بخودی خود در عهد آینده همان عصر مقدمه طرح و اجرای نقشه های جهانی وسیعتری است که مقدر است از طرف بیت العدل اعظم طرح گردد تا وحدت جامعه را نمودار ساخته مجهودات محافل ملیه را هم آهنگ و متحد نماید.)

یاران باید بدانند که در نصوص مبارکه چنین مطلبی وجود ندارد که انتخاب بیت العدل اعظم فقط باید بدعوت ولی امرالله صورت گیرد بلکه برعکس

حضرت عبدالبها در نظر داشتند حتی در زمان حیات خودشان دعوت بانتخاب آن نمایند. در زمانی که حضرت ولی امرالله آنرا بتاریکترین اوقات حیات حضرت عبدالبهاء توصیف میفرمایند در دوره سلطنت عبدالحمید و در موقعیکه آنحضرت قرار بود به ناسازگارترین نواحی شمال افریقا تبعید گردد و در زمانی که حتی حیات مبارک در معرض خطر بود حضرت عبدالبهاء بحاجی میرزا محمد تقی افغان ابن خال حضرت باب وبانی عمده مشرق الاذکار عشق آباد شرحی نوشته باو امر فرمودند هر گاه تهدیدات و مخاطرات نسبت بانحضرت صورت وقوع یابد اقدام بانتخاب بیت العدل عمومی نماید. قسمت دوم الواح وصایای حضرت عبدالبهاء نیز مربوط بچنین وضعی است و باید از طرف یاران مورد مطالعه و مذاقه قرار گیرد.

دسته دوم مسائلی که بعضی یارانرا گرفتار تشویش نموده در اطراف مسئله معصومیت بیت العدل عمومی و قادر بودن آن بانجام وظائف محوله بدون حضور ولی امرالله دور میزند در مفهوم این بیان حضرت

ولی محبوب امرالله مشکل خاصی پیش آمده است که میفرمایند: «نظم جهانی حضرت بهاء الله هر گاه از موسسه ولایت منفک گردد ناقص مانده و همواره از اصل وراثت که به فرموده حضرت عبدالبهاء بطور تغییر ناپذیرملازم شریعت الهیه بود محروم خواهد ماند.» (ترجمه) و در لوح دیگر خطاب بیکی از احبای ایران حضرت عبدالبهاء میفرمایند: (در جمیع شرایع الهیه ولد بکر امتیازات فوق العاده داشته حتی میراث نبوت تعلق باو داشت) « بدون این مؤسسه وحدت امرالله در خطر افتد و بنیانش متزلزل گردد و از منزلتش بکاهد و از واسطه فیضی که بر عواقب امور در طی دهور احاطه دارد بالمره بی نصیب ماند و هدایتی که جهت تعیین حدود و وظایف تقنینیه منتخبین ضروری است سلب شود. نقل از کتاب دور بهائی نظم جهانی بهاءالله صفحه ۱۴۸ ترجمه احبا باید برای فهم روشنتر این عبارات در حال حاضر آنرا در پرتو بسیاری نصوص دیگر که در همین موضوع بحث میکند ملاحظه نمایند.

فی المثل عبارات ذیل که از مکاتیب حضرت شوقی

ربانی جمع آوری شده است. « همچنین آنان با بیانی کاملاً واضح و محکم دو مؤسسه بیت العدل و ولایت را بعنوان جانشینان منصوص خود معین فرمودند تا اصول و مبادی امر الهی را اجرا و احکام آنرا ترویج و از تاسیسات آن حمایت نمایند و با کمال خلوص و فرزانگی شریعت الله را با مقتضیات جامعه مترقی تطبیق دهند و میراث مرغوبی را که شارعین این امر اعظیم برای جهانیان باقی گذاشتند اکمال کنند) « در باره مقتضی بودن زمان انتخاب بیت العدل اعظم با توجه باین بیان حضرت ولی امرالله سؤال کرده بودید که میفرمایند: «هر وقت اوضاع مساعدی پیش آید که بهائیان ایران و کشورهای مجاور تحت سلطه اتحاد جماهیر شوروی بتوانند نمایندگان ملی خود را انتخاب نمایند تنها مانع باقیمانده در سبیل تشکیل قطعی بیت العدل اعظم از میان رفته است.»

در تاریخ ۱۹ آوریل ۱۹۴۷ حضرت ولی امرالله در نامه ای که منشی از طرف آنحضرت نگاشته به سؤال یکی از افراد احباء در باره همین عبارت چنین جواب فرموده اند :

اشاره ئی که حضرت ولی امرالله بروسیه فرموده اند مربوط بزمانی بود که عده ای بهائی در آنجا بودند ولی اکنون جامعه بهائی عملاً در آنجا وجود ندارد بنا بر این تشکیل بیت العدل اعظم نمی تواند بر یک محفل ملی روسیه معلق باشد بلکه باید پایه محافل ملیه دیگری استوار گردد تا بتوان بیت العدل اعظم را تاسیس نمود. (ترجمه)

شما باین احتمال اشاره کرده اید که شاید از جهت صلاح امر بعضی اطلاعات در باره جانشینی حضرت شوقی افندی از احبا مستور مانده است ولی بشما اطمینان میدهم که هیچ چیز از یاران بهر دلیلی که تصور کنید مخفی و مستور نمانده است. بهیچوجه جای شک و نیست که در الواح وصایای حضرت عبدالبها بحضرت شوقی افندی مرجعیت مخصوص برای تعیین جانشین خود داده شده است ولی آنحضرت اولادی نداشت و اغصان باز مانده همه نقض عهد کرده بودند. باین قرار همانطور که حضرات ایادی امرالله در پیام ۱۹۵۷ اظهار داشتند واضح گشت کسی نمانده بود که بر طبق نصوص الواح وصایا بجانشینی

انتخاب شود و انتخاب جانشین خارج از نصوص و مدلول روشن و صریح الواح وصایا نیز بوسیله ولی امرالله یعنی مرکز منصوص و مدافع عهد و پیمان الهی مسلماً غیر ممکن و غیر قابل تصور بود و بعلاوه چنانکه میدانید در همان الواح وصایا برای تایید انتخاب جانشین ولی امرالله طریقه واضح و روشنی مقرر گردیده باینقرار که نه نفر ایادی که از طرف مجمع ایادی انتخاب میشوند با رأی مخفی موافقت خود را با انتخاب ولی امرالله اعلام نمایند. در ۱۹۵۷ مجمع ایادی پس از تحقیق و تعمق کامل متفقاً اعلام داشتند که حضرت شوقی افندی جانشینی تعیین فرمودند و وصیت نامه ای بجا گذاشته است و این موضوعی است مستند و محرز.

این حقیقت را که حضرت شوقی افندی وصیتنامه ای از خود بجا نگذاشته نباید حمل بر عدم اطاعت امر حضرت بهاءالله کرد بلکه باید اذعان کنیم که در همین سکوت حضرتش حکمی نهفته و نشانه هدایت مصون از خطای آن وجود مبارک است ما باید در آثاری که در دسترس داریم تمعن و تعمق کنیم و کوشش نمائیم

بجواهر معانی کثیره و مندرجه در آنها پی بریم و فراموش نکنیم که حضرت شوقی افندی فرموده اند که برای درک بیشتر نظم جهان آرای حضرت بهاءالله دو چیز لازم است یکی مرور زمان و دیگری هدایت بیت العدل اعظم.

معصومیت بیت العدل اعظم در حدود معینه خودش معلق بحضور ولی امر الله بعنوان عضو آن هیئت نیست. هر چند در مقام تبیین اظهارات و بیانات ولی امرالله لازم الاجرا است لیکن در مقام مشارکت ولی امرالله در وضع قوانین همواره تصمیم متخذه از طرف هیئت بیت العدل مناط اعتبار است و این مطالب متکی به بیانات حضرت ولی امرالله است که میفرمایند: «تبیانات ولی امرالله مادام که در حدود اختیارات خود عمل میکند بهمان درجه معتبر و لازم الاجرا است که مصوبات بیت العدل معتبر است و بیت العدل اعظم برای اظهار نظر و صدور حکم نهائی در باره حدود و احکامی که حضرت بهاءالله تنصیص فرموده اند حق انحصاری دارد. هیچیک از آنها نمیتوانند و هرگز نباید بحدود و وظایف مقدسه و

مقرره دیگری دخالت کند و هیچکدام در صدد تخطی بااختیارات مخصوص واقعی که از طرف خداوند به‌رود آنها اعطا شده بر نخواهد آمد. با اینکه ولی امرالله رئیس دائمی چنین هیئت عالی معین شده معذالک نمیتواند ولو موقتاً حق قانون گذاری را بخود تخصیص دهد. او نمیتواند وجداناً عقیده مند باشد مخالف مفهوم و یا مغایر روح بیانات نازله حضرت بهاءالله است و وظیفه دار است موکداً تجدید نظر در ان مورد را بخواند. « (ترجمه)

هر چند از وظیفه ولی امر الله بعنوان عضو و رئیس مقدس مادام العمر بیت العدل اعظم خارج باشد و معذالک در عین انجام امور در دائره مخصوص خود این حق و وظیفه را دارد که حدود عمل قانون گذاری بیت العدل اعظم را معلوم نماید بعبارة اخری ولی امرالله اختیار بیان این مطلب را داشته است که فلان موضوع در نصوص مقدسه ذکر شده است یا نه و بنا بر این آیا در حیطة اختیار بیت العدل اعظم بوده است که در باره آن قانونی وضع نماید یا خیر و غیر از ولی امر الله هیچکس حق و اقتدار چنین اظهار نظری

را ندارد و در نتیجه این سؤال پیش مباد در غیبت ولی امرالله آیا بیت العدل در معرض انحراف از منهج مستقیم خود نخواهد بود و در ورطه خطا و اشتباه نخواهد افتاد؟

در اینجا سه موضوع را ما باید بخاطر بیاوریم :
اول اینکه حضرت شوقی افندی طی سی و شش سال دوره ولایت خود تبیینات و توضیحات بیشمار ادا فرمودند و بیانات حضرت عبدالبهاء و جمال اقدس ابهی را تکمیل نموده است و چنانچه قبلا بیاران خاطر نشان گردیده بیت العدل اعظم برای اینکه در موضوعی بخواد وضع قانون نماید این عمل قانون گذاری همیشه مسبوق به تمعن دقیق در آثار و تبیینات مبارکه میباشد .

ثانیا بیت العدل اعظم با اینکه متکی بهنایت الهیه است بخوبی غیبت ولی امرالله را درک میکند تنها موقعی بوضع قانون میپردازد که از شمول آن حوزه حاکمیت و اختیار خود مطمئن باشد . حوزه حاکمیتی حضرت ولی امر الله مؤکداً در باره ان میفرمودند :

»

بکمال وضوح تعیین و تصریح گردیده است»
ثالثاً ما باید بیان کتبی حضرت ولی امرالله را در باره
این دو مؤسسه فراموش نکنیم که میفرماید: «هیچکدام
از آنها نمیتواند و هرگز نباید بحدود وظایف مقدسه و
مقررہ دیگری تخطی نماید.

اما راجع باحتیاج استنباطات از آیات و آثار در سبیل
کمک بوضع قوانین و مقررات موضوعه توسط بیت
العدل اعظم بیان ذیل بقلم حضرت عبدالبهاء شایان
توجه است که میفرمایند :

« مسائل مهمه ای که اساس شریعة الله محسوب
بالصّراحه در نصوص الهی ذکر شده است اما وضع
قوانین فرعی به بیت العدل اعظم راجع است حکمت
این امر آن است که ایام هرگز بر یک منوال باقی
نمیمانند زیرا تغییر از لوازم ذاتی و کیفیات ضروری
این جهان و زمان و مکان است. بنا براین بیت العدل
طبق استنباط و عقیده اعضای خود تصمیم اتخاذ
خواهد کرد لا والله بیت العدل اعظم الهی به تایید و
الهام از روح القدس به اتحاد تصمیم و وضع قوانین
خواهد پرداخت زیرا در ظل صون و حمایت و محافظه

جمال قدم است و اطاعت تصمیمات آن از وظایف
حتمیه و ضروریه و از تکالیف قطعیه است و هیچکس
نمی‌تواند از آن عدول کند».

« بگو ای مردم براستی بیت العدل اعظم در ظل
جناح پروردگار مهربان و بخشنده و در تحت عون و
صون و حمایت او است به یاران ثابت قدم خود امر
فرموده است که ان هیئت مجلّه و مقدسه مطاعه که
اقتدارش من عندالله و مستمد از ملکوت اعلی و
احکامش ملهم و روحانی است اطاعت کند.

« خلاصه این است حکمت رجوع قوانین اجتماع به
بیت العدل اعظم در دیانت اسلام نیز همه احکام
بصراحت نازل نشده و حتی عشری از اعشار در
کتاب نیامده است با اینکه به همه مواضع مهمه
صریح اشاره شده بلا تردید هزاران قانون دیگر
موجود که در نصوص اسلامی تصریح نشده است این
قوانین بوسیله علمای ازمنه بعد و بموجب قوانین
شرعی و فقه اسلامی وضع گردیده حتی هر یک از
علما از احکام اصلیه اسلام قیاسها و استنباطات
متضاد کردند و کلاً تنفیذ گردیده . امروز این مسئله

قیاس و استنباط از حقوق بیت العدل است و استنباطات و استنتاجات افراد علما اعتبار ندارند مگر آنکه بیت العدل آنها را تصویب نماید. فرق اساسی در این است که استنباطات و مصوبات هیئت بیت العدل که اعضای آن بوسیله جامعه بهائی انتخاب و شناخته شده اند اختلافی ظاهر نخواهد شد و حال آنکه استنباطات آحاد علما و فقها بایجاد اختلاف و انشقاق و تفرقه و پراکندگی منتهی میشود. وحدت کلمه از میان میرود و اتحاد دیانت معدوم میشود و ارکان شریعت الهی متزلزل میگردد». (ترجمه)

در نظم حضرت بهاءالله بعضی از وظایف بر عهده برخی از مؤسسات محول شده است و بعضی وظایف دیگر با آنکه ممکن است بیشتر در حوزه اختیار یکی از مؤسسات باشد مشترکاً انجام میشود مثلاً با وجود اینکه حضرات ایادی امرالله برای صیانت و ترویج امر وظایف مخصوصه بر عهده دارند و میتوان گفت که انجام این وظایف به آنها تخصیص داده شده معذالک بیت العدل اعظم و محافل روحانیه نیز مامور صیانت و تبلیغ امرالله هستند و البته چنانکه همه

میدانند تبلیغ وظیفه مقدسی است که بر عهده عموم پیروان امر حضرت بهاءالله گذاشته شده است. بهمین طریق هر چند پس از حضرت مولی الوری وظیفه تفسیر و تبیین منحصرأ بحضرت ولی امرالله محول شده بود. و هر چند وضع قوانین منحصرأ وظیفه بیت العدل عمومی است معذالک این دو مؤسسه بفرموده حضرت ولی امرالله در منظور و مقصد مکمل یکدیگرند منظور مشترک و اساسی آنها تأمین وسائل استمرار آن اقتدار ملکوتی است که از منبع اصلی دیانت مقدس جریان میابد تا وحدت مؤمنین و صیانت تمامیت و قابلیت انعطاف تعالیم الهی را تأمین نماید (ترجمه).

در حالی که بیت العدل اعظم نمیتواند هیچیک از وظایف خاصه ولی امرالله را بر عهده گیرد در عین حال باید خط مشی خود را در پیش بردن منظور اصلی که با مقام ولایت امر مشترکأ بر عهده داشته ادامه دهد.

همانطور که آنجناب با نقل منتخبات عدیده متذکر شده اید حضرت شوقی افندی کرارأ نسبت به عدم انفکاک

این دو مؤسسه تأکید فرموده اند و با وجود اینکه مسلماً منظور هیکل مبارک آن بوده است که این دو مؤسسه متفقاً با اجرای وظایف قائم باشند ولی از این مطلب نمیتوان منطقاً چنین استنباط نمود که یکی از این دو مؤسسه بدون دیگری قادر بانجام وظیفه نیست. حضرت شوقی افندی طی دوران سی و شش سال ولایت بدون وجود بیت العدل اعظم بانجام وظایف میپرداختند اینک بیت العدل اعظم باید بدون ولی امر فعالیت نماید و حال آنکه هنوز اصل عدم انفکاک این دو مؤسسه بقوت خود باقی و برقرار است. اهمیت و مقام ولایت امر در نظم حضرت بهاءالله بصرف نبودن ولی امر در این عالم از میان نمیرود. ما بهائیان باید از دو جنبه افراطی بر حذر باشیم یکی آنکه استدلال شود که چون ولی امری وجود ندارد پس آنچه در نظم جهانی بهائی در باره ولایت امر و موقعیت و مقام آن نوشته شده باطل و فاقد ارزش است دیگر آنکه آنچنان تحت نفوذ مفهوم و اهمیت مقام ولایت امر واقع شویم که قوت میثاق را کمتر از آنچه هست ملحوظ داریم و یا چنان دچار وسوسه گردیم که

با تعبیرات غیر موجه از نصوص صریحه الهیه بهر طریق و نحوی « ولی امری » بوجود آوریم . خدمت به امر الهی مستلزم وفای مطلق و صداقت و ایمان تزلزل ناپذیر به آستان اوست هر گاه مسئولیت آینده امر را بدست گیریم ولی بدون توجه به نصوص صریحه الهیه و محدودیتهای بشری آنرا بطرف دلخواه خود سوق دهیم نه تنها منشأ خیری نخواهد بود بلکه نتیجه ای جز شر بیار نخواهد آورد.

این امرالله است و حق وعده فرموده که فیوضاتش منقطع نشود . ما بسهم خود باید بصریح کلمات منزله و همچنین مؤسساتیکه برای صیانت میثاقش تأسیس فرموده قویاً تثبیت و تمسک نمائیم . بخصوص در این زمینه است که یاران باید اهمیت سلامت فکری و فروتنی را دریابند .

در ظهورات قبل در قالب ادراک محدود خود پیام الهی را تعبیر و تفسیر نمایند و اصول و تعالیم الهیه را که خارج از دایره عقول و افکارشان بود تعریف و تبیین کنند و نیز در صدد تشریح و رموز و اشاراتی بر میآمدند که درک آن تنها در پرتو دانش و بینش و

حکمت عصر بعد امکان داشت و نیز استدلال
میکردند مسائل مقرون بحقیقت است که بزعم ایشان
مطبوع و لازم مینمود باید از چنین توجیهات مصلحت
آمیز در باره حقایق ضروریه بر حذر بود و از این
قبیل کبر و غرور فکری قطعاً اجتناب نمود یاران باید
بدانند که اگر بیت العدل اعظم در اظهار پاره ای
مطالب از شرح و تفصیل احتراز میجویند بدان جهت
نیست که بخواهد رویه استتار اتخاذ نماید بلکه بدان
سبب است که اصولاً تصمیم این هیأت از ابتدا بر آن
بود که از تبیین و تشریح تعالیم احتراز جسته همواره
حقیقت بیان هیکل مبارک حضرت ولی امرالله را مد
نظر داشته باشد که میفرماید: « رؤسای ادیان
طرفداران عقاید سیاسی و گردانندگان مؤسسات بشری
نباید در ماهیت و منشأ یا اعتبار مؤسساتی که بدست
پیروان امر الهی در سراسر جهان تأسیس میشود شک
کنند یا اضطراب بخود راه دهند. زیرا اساس آن
مؤسسات در نفس تعالیم مبارک مندمج است و
استنباطات نامقبول و تفاسیر غیر مجاز از کلام الهی
خدشه بآنها وارد نساخته و دچار ابهام نخواهد کرد.»

(ترجمه)

در دیانت بهائی بین تبیین و تفسیری که توسط مراجع منصوص صورت میگیرد با تفسیرات و استنباطات فردی که ضمن مطالعه تعالیم و آثار الهی حاصل میشود فرق بارزی وجود دارد در حالیکه مورد اول مختص ولی امرالله میباشد از مورد دوم که استنباطات شخصی باشد بفرموده شخص حضرت ولی امرالله بهیچ عنوان نباید ممانعت شود زیرا فی الحقیقه این قبیل تفسیرات فردی ثمره قوه عقلانی انسان بوده موجب درک بیشتر و بهتری از تعالیم الهیه است مشروط بر آنکه از این رهگذر هیچوقت اختلاف و مناقشه ای بین یاران حاصل نشود و هرکس بفهمد و بالصراحه روشن سازد که نظرات و عقایدش صرفاً جنبه شخصی دارد. همانطور که بر میزان درک انسان از تعالیم الهیه افزوده میشود بهمان نسبت استنباطات فردی وی نیز دائم‌التغییر میابد و بطوری که حضرت ولی امرالله میفرمایند "عمیق شدن در امر یعنی آنکه انسان آثار حضرت بهاءالله و حضرت مولی الوری را چنان دقیق و کامل مطالعه کند تا

بتواند امرالله را بصورت واقعی بدیگران معرفی نماید. بسیار از افراد دارای نظرات و عقاید سطحی نسبت بمنظور و مقصد امر الهی میباشند و لذا این نفوس آئین الهی را توأم با افکار و تصورات شخصی خود به سایرین معرفی میکنند. چون امرالله هنوز مراحل اولیه را طی میکند باید نهایت دقت کنیم مبادا مرتکب چنین خطائی شویم باین نهضت مقدس که تا این پایه مورد علاقه و پرستش ماست لطمه وارد سازیم. برای مطالعه امر الهی حد و حصری وجود ندارد هر چه آیات را بیشتر بخوانیم بحقایق بیشتری پی میبریم و باین حقیقت واقف میشویم که افکار و تصورات قبلی ما آمیخته با خبط و خطا بوده است." (ترجمه)

بنا براین اگر چه بصیرت انسانی ممکن است به روشن ساختن برخی مسائل و مشکلات کمک کند همچنین امکان دارد موجب ضلالت و گمراهی گردد لهذا یاران باید طرز استماع نظرات و عقاید دیگران را بیاموزند بنوعی که بیش از حد تحت تأثیر آن واقع نشوند و در ایمانشان تزلزلی حاصل نگردد و نیز

بدانند چگونه اظهار نظر نمایند که بر دیگران تحمیل نشود. امر الهی وجود زنده ای است مثل تمام موجودات حیّه رشد و نموّ کرده و رو به تکامل می‌رود. این امر بارها با بحرانهای رو برو شده است که یاران را مشوش و مضطرب ساخته ولی هر هنگام که باراده الهیه بامخاطره ای مواجه شده است بر آن غالب گشته و مالاً عظمت و اعلاّی بیشتری یافته است هر قدر عدم توانائی ما در درک اسرار و رموز مربوط به صعود حضرت شوقی افندی زیاد باشد بر این حقیقت واقفیم که حبل المتین ما همانا میثاق الهی است که باید با اطمینان بان تمسک و تشبث جویم. بیان محکم و مؤکد حضرت مولی الوری در الواح وصایای مبارکه در این امر همانند ایام پس از صعود هیکل مبارک ضامن و کافل امر الهی است که می‌فرمایند: مرجع کل کتاب اقدس و هر مسئله غیر منصوص راجع به بیت العدل عمومی. بیت العدل آنچه بالاتفاق و یا باکثرت آراء تحقق یابد همان حق و مراد الله است من تجاوز عنه فهو ممن احب الشقاق و اظهار النفاق و اعرض ربّ الميثاق.

و همچنین میفرمایند: « کل اقتباس از مرکز امر بیت
عدل نمایند و ماعدهما کلّ مخالف فی ضلال مبین.»
بیت العدل اعظم که بفرموده هیکل مبارک حضرت
ولی امرالله در آینده ایام بعنوان آخرین ملجأ و پناه
مدنیت متزلزل و پر آشوب محسوب در حال حاضر
در غیبت ولی امر تنها مؤسسه ایست در عالم که تحت
هدایت مصون از خطای الهی قرار داشته و همه باید
بآن ناظر باشند. این مؤسسه مسؤلیت تضمین وحدت و
پیشرفت امر الهی را بر حسب نصوص مبارکه بر
عهده دارد از حضرت مولی الوری و حضرت ولی
امرالله بیانی موجود است مشعر بر آنکه بیت العدل
اعظم علاوه بر آنکه عالیترین هیئت تقنینیه امر است
مرجع کل و رأس نظم اداری بهائی و نیز عالیترین
مقام در نظم جهانی بهائی میباشد .

حضرت ولی امرالله ضمن توقیعات مبارک برای بیت
العدل اعظم چند وظیفه اصلی و مهم از قبیل ایجاد
نقشه های تبلیغی جهانی آینده، مباشرات اموراداری
،هدایت و تنظیم و توصیه امور امری را در سراسر
جهان تصریح فرموده اند . بعلاوه در کتاب مستطاب

گاد پاسزبای باین بیانات مبارکه ناطق: کتاب مستطاب اقدس نه تنها برای نسلهای آینده احکام و اوامری وضع کرده که مؤسسات نظم بدیع جهان آرای حضرت بهاءالله در مستقبل ایام بر آن استوار خواهد شد بلکه علاوه بر وظیفه تبیین و تفسیر آیات که بجا نشین منصوص خود محول کرده مؤسسات ضروریه را تعیین و تنصیص فرموده که بوسیله آنها اصالت و وحدت امر الهی محافظت و صیانت خواهد شد « و همچنین در کتاب دور بهائی چنین فرموده اند که فقط بیت العدل اعظم مهابط هدایت و الهامات الهیه اند نه هیئت منتخبین که رأساً و یا بطور غیر مستقیم ایشان را انتخاب مینمایند و این الهام همانا روح حیات و حافظ نهائی این ظهور اعظم است. (ترجمه) همانطور که بیت العدل اعظم قبلاً نیز اعلام داشته است این هیئت نمیتواند قانونی وضع کند که بموجب آن انتخاب جانشین را برای حضرت شوقی افندی ممکن سازد و یا مبادرت بانخاب ایادی امر جدیدی نماید ولی باید در حدّ قدرت خود یکوشد که اجرای جمیع وظایفی را که بر عهده آن هیئت و این دو مؤسسه جلیل مشترکاً نهاده

شده تأمین و تضمین نماید . این هیئت باید مبادرت بوضع مقرراتی نماید تا وظائف مربوطه به صیانت و تبلیغ امرالله که تشکیلات اداری بهائی با مقام ولایت و حضرات ایادی امرالله در اجرای آن سهیم و شریکند در آینده بنحوی صحیح مجری گردد.

بیت العدل اعظم باید در غیاب ولی امر نسبت بوصول و مصرف حقوق الله بر حسب بیان ذیل که از حضرت عبدالبهاء است اقدام کند.

« تصرف در حقوق جزئی و کلی جائز ولی باذن و اجازه مرجع امر» این هیئت باید در نظامنامه خود برای انفصال هر یک از اعضاء که مرتکب گناهی شود که ضرش بعموم رسد تدابیری اتخاذ نماید بخصوص این هیئت باید با ایمان کامل بحضرت بهاءالله امر مبارکش را اعلان و شریعتش را تنفیذ نماید بنحویکه صلح اعظم در نهایت اتقان در این عالم متحکم گردد و ملکوت الله در روی زمین استقرار یابد.

با عرض تحیات بهائی – بیت العدل اعظم

و در باره همین موضوع بیت العدل اعظم در توقیع مورخ ۷ دسامبر ۱۹۶۹ می فرمایند :

دوست عزیز بهائی نامه اخیر شما راجع بسؤالاتی که در موقع مطالعه کتاب دور بهائی برای بعضی از جوانان پیش آمده واصل و بکمال دقت مورد ملاحظه و توجه واقع گردید . این هیئت مایل است در باره عبارت مخصوصی که در نامه متذکر شده اید و همچنین عبارت دیگری که در همان کتاب مذکور و مربوط باین موضوع میباشد نظرات خود را اظهار نماید زیرا هر دودر خصوص رابطه مقام ولایت امرالله و بیت العدل اعظم گفتگو مینمایند

عبارت اول راجع به وظیفه ولی امرالله است که بیت العدل اعظم وضع هر قانونی را که مخالف مفهوم حقیقی آثار مقدسه و مباین با روح تعالیم الهیه تشخیص دهد میتواند از اعضاء و همکاران خویش بخواهد در آن تجدید نظر نمایند. عبارت ثانی مربوط بجنبه عصمت بیت العدل اعظم بدون حضور ولی امرالله است یعنی ناظر باین بیان حضرت شوقی افندی است که میفرماید «بدون این مؤسسه (یعنی ولایت

امر) ... هدایتی که تعیین حدود عمل قانون گذاری
نمایندگان منتخبه ضروری است کاملاً سلب می‌گردد .
بقرار مرقومه بعضی از جوانان در این خصوص
دچار حیرت و شگفتی گردیده اند که چگونه ممکن
است عبارت اول را با بیاناتی نظیر این بیان مبارک
حضرت عبد البهاء که در الواح وصایا صریحاً
میفرمایند: « بیت العدل الذی جعله الله مصدر کل خیر
و مصوناً من کل خطا » تطبیق داد» در این خصوص
متذکر میشود همان نوع که الواح وصایای حضرت
عبدالبها بهیچوجه من الوجود با مندرجات کتاب اقدس
مباینیت ندارد بلکه طبق بیان حضرت ولی امرالله مؤید
و مکمل و شارح احکام کتاب اقدس است. بهمان قسم
بین آثار حضرت ولی امرالله و آیات منزله از قلم
اعلی تبیینات و توضیحات صادره از یراعه میثاق
بهیچوجه مغایرت و بینونیت وجود ندارد . بنا براین
برای درک معانی آثار مبارکه باید ابتدا به این حقیقت
پی برد که فی الواقع در کلمات الهیه اختلاف و
تضادی نیست و نمیتواند وجود داشته باشد و سپس در
پرتو این امر میتوان با کمال اطمینان در صدد تجسس

وحدت معانی متضمنه در آنها بر آمد ولی امرالله و بیت العدل پاره ای وظایف و تکالیف مشترک دارند ولی در عین حال هر یک در دایره مشخص و جداگانه عمل میکنند حضرت ولی امر الله در این باره میفرماید: « کاملاً واضح و روشن است که ولی امر مبین آیات الله و بیت العدل اعظم واضع احکام غیر منصوصه است. تفسیر و تبیین ولایت امر در دایره خویش همانقدر مورد تمکین و انقیاد است که قوانین موضوعه بیت العدل که حقوق و امتیازاتش وضع قوانین و احکام غیر منصوصه حضرت بهاءالله است ». و سپس اضافه میفرماید که « هیچیک از این دو نمیتواند بحدود مقدسه دیگری تجاوز نماید و هرگز نیز تعدی نخواهد نمود. هیچیک در صدد تزئیف سلطه و اختیارات مخصوصه و مسلمه دیگری که از طرف خداوند عنایت گشته است بر نخواهد آمد »

فی الحقیقه نمیتوان تصور نمود که دو مرکز که دارای قدرت و اختیارند و حضرت عبدالبها در باره آنها میفرماید: « هر دو تحت حفظ و صیانت جمال ابهی و حراست و عصمت فائز از حضرت اعلی است ، با

یکدیگر معارض باشند زیرا هر دو واسطه فیض الهی و حامل هدایت ربانی میباشند. بیت العدل اعظم علاوه بر وظیفه وضع قوانین و وظائف عمومی تری نیز از قبیل صیانت و اداره امور امریه و حل مسائل مبهمه و اتخاذ تصمیم نسبت بمواضیع مورد اختلاف بر عهده دارد و در هیچ جا ذکر نشده که عصمت بیت العدل اعظم ملازم عضویت ولی امرالله یا حضور ایشان در آن هیئت است بلکه در حقیقت هم در الواح وصایای حضرت عبدالبهاء و هم در بیانات حضرت شوقی افندی مندرج در کتاب «دور بهائی» این مسئله بصریح بیان مذکور گردیده که اعضاء منتخب بیت العدل اعظم در حال شور و مشورت از حفظ و هدایت الهی بر خور دارند. بعلاوه حضرت ولی امرالله بنفسه در کتاب نظم جهانی حضرت بهاءالله میفرمایند: این مسئله باید بر فرد فرد یاران روشن و متحقق گردد که مؤسسه ولایت امر بهیچوجه اختیاراتی را که از طرف حضرت بهاءالله در کتاب اقدس به بیت العدل اعظم تفویض گشته و حضرت عبدالبهاء صریحاً و اکیداً در الواح وصایا تأیید فرموده اند نسخ

نموده و بقدر خردلی از مقام آن نمیکاهد . این مؤسسه با آثار و الواح حضرت بهاءالله مابینتی نداشته و هیچیک از احکام و تعالیم منزله از قلم اعلی را ملغی نمیسازد».

با اینکه وظیفه و مسئولیت خاص ولی امرالله تبیین آیات الهی است در عین حال قدرت و اختیارات لازم جهت اجرای وظیفه مقدسه ولایت امر و صیانت عالیه و قیادت امرالله را بنحو اکمل دارا میباشد بعلاوه ولی امرالله رئیس مقدس و عضو لا ینعزل هیئت عالیه تقنینیه این آئین یزدانی است . دخالت و شرکت ایشان در وضع قوانین بعنوان رئیس مقدس بیت العدل اعظم و عضو این هیئت صورت میگیرد و چون بیان ذیل که موجب طرح سؤال و پرسش شما گردیده با توجه برابطه فوق الذکر در نظر گرفته شود معلوم خواهد شد که هیچگونه تناقضی بین آن و نصوص دیگری موجود نیست و آن این است که میفرمایند:

« هر چند ولی امرالله رئیس لاینعزل این هیئت عالیه است معهذا نمیتواند ولو بطور موقت حق وضع قوانین را شخصاً بعهدہ بگیرد و یا تصمیمات اکثریت اعضا

را الغاء نماید ولیکن هر گاه تصمیمی را وجداناً مابین
با مفهوم و روح آیات منزله حضرت بهاءالله تشخیص
دهد موظف است مؤکداً تجدید نظر در آنرا بخواهد»
با آنکه ولی امرالله از لحاظ رابطه خویش با سایر
اعضای بیت العدل نمیتواند تصمیم اکثریت را ملغی
سازد معذالک این امر قابل تصور نیست که سایر
اعضاء ایرادات و اشکالاتی را که ولی امرالله در طی
مشورت متذکر میگردد از نظر دور داشته و یا بوضع
قانونی مبادرت نمایند که حضرت ولی امرالله آنرا
مغایر با روح امر الهی تشخیص دهند. بطور خلاصه
آنچه محفوظ از خطا و مشمول صیانت الهیه است
همانا قضاوت و تصمیم نهائی است که توسط بیت
العدل اعظم اتخاذ و ابلاغ میگردد نه نظرات و
آرائیکه طی مذاکره و تعاطی افکار در جریان اخذ
تصمیم و وضع قانون ابراز میشود بنا بر این ملاحظه
میشود که هیچگونه تناقض و اختلافی بین بیانات
حضرت عبدالبهاء راجع بعصمت و هدایت محتومه
الهیه که به بیت العدل عنایت شده و عبارات فوق که
از کتاب دور بهائی اقتباس گردیده موجود نمیشود.

توجه و آگاهی یاران نسبت بطرز عمل بیت العدل اعظم در جریان وضع قوانین ممکن است یاران را به درک این رابطه کمک نماید. در مقام اول مسلماً نهایت دقت و مراقبت در مطالعه نصوص مقدسه و تبیینات ولی مقدس امرالله بعمل میاید و همچنین نظرات جمیع اعضاء مورد توجه دقیق قرار میگیرد. آنگاه پس از مشورت کامل موضوع تنظیم رای متخذه بمیان میاید. در این مرحله نیز ممکن است موضوع بطور کلی مجدداً مورد مطالعه دقیق قرار گیرد و چه بسا اتفاق میافتد که قضاوت نهائی در نتیجه غور و تجدید نظر ثانوی بنحو قابل ملاحظه ای با نتیجه ای که قبلاً بدست آمده متفاوت باشد و حتی ممکن است بالاخره رأی هیئت بر آن تعلق گیرد که در حال حاضر در باره موضوع مطروحه وضع قرار و قانونی ضرورت داشته باشد. در اینجا میتوان دریافت که آراء و نظرات حضرت ولی امرالله هر گاه حیات داشتند در جریان طرح این مسائل تا چه حد طرف توجه و احترام قرار میگرفت.

اما راجع بعبارت ثانی که در فوق ذکر گردید باید بار

دیگر باین اصل مسلم تمسک جسته بیقین بدانیم که تعالیم الهی هرگز مباین و معارض یکدیگر نبوده و نیستند . هر چند در توقیعات مبارکه بنحو صریح در باره ولی امرهای آینده مطالبی پیش بینی شده و مذکور است لیکن در هیچ جا وعده و تضمین صریحی که حکایت از استمرار مقام ولایت برای ابد نماید موجود نیست بلکه بالعکس قرائن و امارات واضحه در دست است که بر انقطاع سلسله ولایت دلالت مینماید و در مقابل در آثار مقدس تائید گردیده که در این یوم عظیم عهد و میثاق الهی غیر قابل انفصام و اراده ربانی غیر قابل تغییر و تبدیل است. یکی از بارز ترین شواهدی که امکان چنین انقطاعی را در سلسله ولی امرالله پیش بینی مینماید در نفس کتاب اقدس است که میفرماید
قوله اهلی:

« قد رجعت الاوقاف المختصه للخیرات الی الله مظهر
الایات لیس لا حد ان یتصرف فیها الابد اذن مطلع
الوحی و من بعده یرجع الحکم الی الاغصان من بعدهم
الی بیت العدل ان یتحقق امره فی البلاد لیصرفوها فی
البقاع المرتفعة فی هذا الامر و فیما امر و به من لدن

مقتدر قدیر و الا ترجع الی اهل البهائ الذین لا
یتکلمون الا بعد اذنه و لایحکمون الا بما حکم الله فی
هذا اللوح اولئک اولیاء النصر بین اسموات و الارضین
لیصرفوها فیما حدّد فی الكتاب من لدن عزیز کریم.»
صعود حضرت شوقی افندی در سال ۱۹۵۷ وضعی
را که در آیه فوق بدان اشاره شده زودتر از آنچه
انتظار میرفت تحقق بخشود بدین معنی که سلسله
اغصان قبل از تشکیل بیت العدل اعظم خاتمه پذیرفت
هر چند بطوریکه ملاحظه میشود اختتام سلسله
اغصان در مرحله ای از مراحل پیش بینی گردیده بود
ولی هرگز فقدان عظیم صعود ولی امرالله و ضربه ای
که بر امر الهی وارد آمد از نظر اهل بها دور نمانده و
نخواهد ماند معهذا تقدیر الهی برای نوع انسان لایتغیر
است و میثاق عظیم حضرت بهاءالله بکمال صراحت
و اتقان تأکید فرموده اند که « دست قدرت الهی امر
خویش را بر اساس متین و بنیان رصین بنا
نهاده» (ترجمه)

و همچنین در بیانات حضرت عبدالبهاء مشاهده شده
که میفرمایند : فی الحقیقه خداوند آنچه را اراده نماید

مجری سازد و احدی قادر بر انعدام میثاق او نیست و
نفسی بر منع عنایات و یا مخالفت با امرش مقتدر نه.
(ترجمه)

همچنین «همه چیز در معرض فساد است جز میثاق
الهی که دائم و مستمر است و جمیع آفاق را فرا
خواهد گرفت.» (ترجمه) و «امتحانات در هر دور و
عصری با عظمت ظهور متناسب است و چون تا این
زمان چنین عهد صریحی که بقلم اعلی مرقوم باشد
اخذ نگردیده امتحانات این دور بهمان نسبت شدید و
عظیم است ... این کفهای دریا بقائی ندارد عنقریب
محو و نابود گردد ولی دریای میثاق الی الابد پر موج
است و پر جوش و خروش» حضرت ولی امرالله
بصریح بیان میفرمایند: « صخره ای که این نظم
اداری بر آن استوار است مشیت ثابتة الهیه برای
عالم انسانی در عصر حاضر است.» و همچنین «
گوهر گرانبهای امر الهی که اکنون در حال جنین
است در صدف شرع مقدس نشو و نما نماید و بدون
انقسام و انشقاق تقدم و تعالی جوید تا آنکه عالم
انسانی را فرا گیرد. (ترجمه)

امر بهائی دو مرکز قویم مقرر گردیده که کافه اختیارات در دست آنان است و احبای الهی بایستی به آن دو مرکز توجه نمایند زیرا در حقیقت مبیین کلمه الله تجلی آن مرکز است که نفس کلمه الله باشد کتاب مخزن بیانات حضرت بهاءالله است در حالی که مبیین کتاب که ملهم بالهام ربانی است لسان گویا وزنده کتاب الله است و تنها مبیین کتاب است که میتواند با قدرت و اختیاراتام معانی آیات منزله در کتاب را توضیح و تشریح نمایند و بدین قرار ملاحظه میشود که یک عبارت است از کتاب و مبیین آن مرکز دیگری بیت العدل اعظم است که بهدایت ربانیه مهتدی است و میتواند نسبت بهر مسئله و موضوع که صریحاً در کتاب مذکور نه اتخاذ تصمیم نماید. کیفیت این دو مرکز منصوص و روابط آنان بنحو یکه مذکور شد در هر مرحله از مراحل توسعه و ترقی امر الله ظاهر و مشهود و حضرت بهاءالله در کتاب اقدس خطاب بیاران میفرماید: پس از غیبت آن مظهر مقدس الهی به کتاب و من اراده الله الذی آنشخص هذا الاصل القديم توجه نمایند و در کتاب

عهدی توضیح میفرمایند که « مقصود از این آیه مبارکه غصن اعظم بوده » همچنین در کتاب مستطاب اقدس مؤسسه ولایت امر که بفرموده حضرت ولی امرالله در آیات کتاب اقدس بنحو روشنی بدان اشاره شده صریحاً تاسیس و وظایف و اختیارات بیت العدل اعظم را تعیین و تبیین میفرمایند و بار دیگر احبا را بر رجوع بکتاب اقدس دلالت میفرمایند. بقوله العزیز « مرجع کل کتاب اقدس و هر مسئله غیر منصوصه راجع به بیت العدل عمومی و در پایان آن الواح مقدسه میفرمایند «باید کل اقتباس از مرکز عدل نمایند و ماعداهما کل مخالف فی ضلال مبین.» این حقیقت که ولی امرالله اختیار دارد حدود عمل قانون گذاری بیت العدل اعظم را نقض نماید مستلزم این نتیجه نیست که بیت العدل اعظم بدون چنین هدایت ممکن است از حدود اختیارات مخصوصه خویش عدول کرده سرگردان بماند. چنین استنتاج باجمیع نصوص مبارکه راجع بعصمت بیت العدل اعظم و خصوصاً با بیان صریح و روشن ولی مقدس امرالله که میفرمایند : بیت العدل اعظم هرگز بحدود مقدسه

مخصوصه ولایت امر تجاوز نخواهد نمود منافات خواهد داشت. علی ای حال باید متذکر بود هر چند محافل روحانیه محلّیه و ملیه مادام که موجب موازین مقررّه از طرف حضرت عبدالبهاء تشکیل بشود و به تبادل افکار پردازند از هدایت الهیه بر خوردار خواهند بود. معذک از تضمین صریحی که در حق بیت العدل اعظم در باره معصومیت از خطا عنایت شده بر خوردار نخواهد بود هر نفس بصیر که با توجه تام حقایق امریه را مطالعه نماید بخوبی در خواهد یافت که حضرت ولی امرالله با چه توجه و دقت خاص پس از صعود حضرت عبدالبهاء نمایندگان منتخب یاران را در ارتفاع نظم اداری امرالله و تنظیم مقررات و خط مشی محافل ملی و محلی راهنمایی فرمودند. امیدواریم که توضیحات فوق دوستان را در درک این روابط بنحو روشنتری کمک نماید ولی باید متذکر باشیم که همه ما نسبت به مراحل مقدماتی نظم ابداعی حضرت بهاءالله چنان نزدیکیم که هنوز نمیتوانیم بقوای مکنونه و اجزای مرکبه روابط ضروریه آن پی بریم و این همان مطلبی است که

منشی حضرت ولی امرالله در تاریخ ۲۵ مارچ ۱۹۳۰ از طرف هیکل مبارک بیکی از احبا مرقوم داشته است که میفرماید : «مندرجات الواح وصایای حضرت عبدالبهاء بدرجه ای عمیق است که فهم آن برای نسل حاضر کما هو حقه متصوّر نیست لا محاله یک قرن عمل و فعالیت لازم تا آنکه مخازن حکمت مستوره در آن ظاهر و نمایان گردد.

با تحیات مشتاقانه بیت العدل اعظم

دو جانشین توامان حضرت عبدالبهاء

حضرت ولی امرالله به پیروان امر بهائی تاکید فرمود که دو جانشین توامان حضرت عبدالبهاء یعنی ولی امرالله و بیت العدل اعظم در اجراء وظایفی که هر یک بر عهده دارد " جدائی ناپذیر" و مکمل" یکدیگرند . با وجود این حضرت شوقی افندی این واقعیت را قبول فرمود که بیت العدل اعظم را تشکیل نتوان داد مگر آن که سیر طولانی تشکیل محافل روحانی ملی و محلی که ظهیر و پشتیبان آنند طی شده باشد . لهذا به جامعه بهائی صریحا تفهیم فرمود که ناچار فعلا به تنهائی در غیاب بیت العدل اعظم باید به اجرا وظایف محوله اش پردازد :

" چنانچه بیت عدل اعظم که اساسا اهمیتش از ولایت امر کمتر نیست از آن منتزع گردد ، نظم بدیع حضرت بهاءالله از جریان بازمانده و دیگر نمی تواند حدود و احکام غیر منصوصه تشریعی و اداری امرالله را که شارع اعظم متعمدا در کتاب اقدس نازل نفرموده تکمیل نماید ."

حضرت ولی امرالله با آگاهی از این حقیقت که بیت العدل اعظم هنوز تشکیل نشده به تنهایی امور محوله را تحت قیود و محدودیت های موجود با دقت و درستی ایفاء می فرمود و در این امر چنان وفائی را نمایان ساخت که موجب عبرت و افتخار پیروان حضرت بهاءالله طی قرون و اعصار آینده خواهد بود . کارنامه خدمات سی و شش ساله اش که به مانند روش جد بزرگوارش برای بررسی و ارزیابی در دسترس آیندگان است اثبات می نماید که حضرت شوقی افندی چنان که خود اهل بهاء را مطمئن ساخت هرگز قدمی برنداشت که سر موئی به " حریم مقدس و اختیارات منصوص " بیت العدل اعظم تجاوز نماید و نه تنها از تشریح قوانین امتناع ورزید بلکه حتی دستورهای موقت صادره اش را موکول به تصویب و تصمیم بیت العدل اعظم می فرمود . این انضباط شخصی ایشان از همه بیشتر در موضوع اساسی جانشینی ولی امرالله نمایان می گردد. حضرت ولی امرالله فرزندی از خود نداشت و سایر اغصان عائله مقدس نقض عهد میثاق نموده بودند. در آیات و

نصوص مقدسه موردی که چنین مطلبی را تشریح و حل نماید موجود نبود ، اما در الواح وصایا مصرح است که چون نصی نباشد چگونه این معضلات را باید حل نمود : " أن اعضا (بیت العدل اعظم) در محلی اجتماع کنند و در آن چه اختلاف واقع یا مسائل مبهمه و یا مسائل غیر منصوصه مذاکره نمایند و هر چه تقرر یابد همان مانند نص است "

لذا با پیروی از این هدایت که از قلم مرکز میثاق نازل شده حضرت ولی امرالله در این موضع سکوت اختیار فرمود و حل مشکل جانشین یا جانشینان ولی امرالله را به عهده هیاتی وا گذاشت که طبق نصوص مبارکه منحصرأ اختیار تصمیم در این مورد را به عهده دارد . در ۶ اکتبر ۱۹۶۳ بیت العدل اعظم پنج ماه پس از تشکیلش به تمام محافل روحانیه ملیه ابلاغیه ذیل را صادر فرمود : " بیت العدل اعظم متوجها مبتهلا بعد از غور و تمعن دقیق در نصوص مقدسه مبارکه راجع به تعیین وصی حضرت شوقی افندی ربانی ولی امرالله و بعد از مشاورات مفصل ... به این نتیجه رسید که طریق تعیین ولی

ثانی امر بهائی وصی حضرت شوقی افندی ربانی به کلی مسدود و امکان تشریح قوانینی که تعیین من هو بعده را میسر سازد بالمره مفقود است ."

مؤسسه ولایت امرالله بهیچوجه اختیاراتی را که حضرت بهاءالله در کتاب اقدس و حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا به بیت العدل اعظم تفویض فرموده اند سلب نمی نماید و بهیچ منوال با مندرجات الواح وصایا و الواح حضرت بهاءالله تضادی را بوجود نمی آورد و هرگز دستورات منزله مبارکه اش را باطل نمیسازد بلکه بر عکس مؤسسه ولایت امرالله بر وقر و اعتبار بیت العدل اعظم میافزاید و بدون آنکه سر موئی به حریم حکومت و وظائفش که در نصوص مبارکه مصرح گشته تجاوز نماید به مقام منیعش ثبات میبخشد و وحدتش را حفاظت میکند و مجهودانش را مداومت می دهد. همچنین در معرفی این نظم نوین که کافل سعادت بشری است میفرماید : ای دوستان عزیز و ارجمند این نظم بدیع جهانی که تحققش در آیات نازله از قلم حضرت بهاءالله موعود بوده و اصول اساسیه اش درآثار مرکز میثاقش مصرح گشته

مقصودی جز ایجاد اتحاد کامل نوع انسان ندارد و این وحدت و اتحاد ایجاد نگردد مگر آنکه موافق و مطابق با اصول و هماهنگ با قوه محرکه و قوانین حاکمه بر مؤسساتی باشد که اینک اساس بنیاد نظم اداری بهائی را تشکیل میدهند.

و در جواب پرسش یکی از احبا می فرمایند :

همان طور که بیت العدل اعظم تاکنون اعلان فرموده ، این هیات قادر به وضع قوانینی که تعیین جانشینی برای شوقی افندی را ممکن سازد نمی باشد و نیز توانایی وضع قوانینی که انتخاب ایادیانبیشتری برای امرالله را میسر نماید ، ندارد . اما باید ، به هر اقدام مقتضی و ممکن دست زند که انجام کلیه وظائفی را که توامان با این دو موسسه فخریه مقتدره ، به عهده دارد ، تضمین نماید . این هیات باید جهت انجام صحیح وظائف صیانت و ترویج در آینده ، که موسسات اداری مشترکا با موسسه ولایت امر و نیز با موسسه ایادیان امرالله ، به عهده دارند ، تمهیدات و ترتیبات مقتضی آماده نماید . همچنین باید ، در غیاب ولی امر ، بر طبق بیان مبارک ذیل از حضرت عبدالبهاء ، مقادیر حقوق الله را دریافت و به طور مقتضی مصرف نماید . می فرمایند : " صرف حقوق الله ، کلا یا جزئا، مجاز است اما این کار با اجازه مرجعی در امرالله صورت گیرد که کل باید بدان رجوع نمایند." این هیات همچنین باید در قانون

اساسی خود ، جهت دفع و طرد هر عضوی که مرتکب گناهی " مضر به مصالح عمومی" می شود ، ترتیب مقتضی اتخاذ نماید . بالاتر از همه این ها ، باید با ایمان کامل به حضرت بهاء الله ، امر عظیمش را اعلام و قوانین متینش را اجرا نماید ، به طوریکه صلح اعظم به صورتی مستحکم در این عالم بر پا گردد و اساس ملکوت الله بر بسط غیرا استقرار پذیرد . " (دستخط مورخ ۲۷ می ۱۹۶۶ معهد اعلی خطاب به یکی از احباء)

اقدامات مهم در دوران ولایت

در آخر این مقال خلاصه ای از اقدامات حضرتش را فهرست وار مرور می نمایم

توسعه و پیشرفت امر الهی در دوران سی و شش ساله ولایت حضرت شوقی ربانی ارواحنا فدا

مقدر است که مظاهر مقدسه الهیه و مهابط رحمانیه در هر دور و زمان گرفتار مصیبات لاتحصی باشند و از دشمنان داخل و خارج رنج ببرند و از خویش و بیگانه مخالفت و معاندت مشاهده کنند . حضرت امه البهائم روحیه خانم در رساله شرح صعود میفرمایند :

شما که امروز ملاحظه می فرمائید امرالله تا این درجه نفوذ کرده و جهانگیر گشته همانا این پیشرفت و نفوذ مرهون زحمات و فداکاری و استمرار فعالیت هیکل مبارک ولی امرالله در دوران عمر اوست و اینکه قلب مقدس هیکل مبارک در آغاز سن ۶۱ سالگی از حرکت باز ماند علتش بیماری نبود کسالت نبود کارهای شبانه روزی مستمر و مداوم هیکل مبارک نبود که سبب ایستادن قلب مقدس شد بلکه شدت غم و اندوهی بود که از ناحیه بی وفایان و ناقضین قدیم و

جدید بر هیکل مبارک مستولی شد.

بلی، تنها رنج و اندوه مولای بیهمتا از عناد و مخالفت ناقضین و آزار منتسبین بی وفا نبود بلکه وصول مستمر اخبار آزار و اذیت احبای مهد امرالله و خصومت دشمنان دین الله در نقاط دیگر تا آخر حیات مقدسش ادامه داشت و همیشه هیکل مبارک را اندوهگین و مغموم ساخته بود ولی با این همه وی از خدمت به امرالله آنی غافل نبود و دمی نیا سود از وصول خبر تشکیل یک محفل روحانی و انجام یک مشروع مهم امری بقدری مسرور میشدند که حد ندارد. حضرت ولی امرالله همه وجود خود را وقف پیشرفت امرالله در شرق و غرب عالم فرمود و شریعت مقدس جمال قدم در دوران ولایت حضرتش پیشرفت و توسعه فوق العاده و صیت نباء عظیم شرق و غرب را احاطه نمود و این آمار نمونه بارزی از زحمات آن مولای توانا در اعتلاء و اشتهار امر جمال ابهی در سراسر عالم است.

در دوران ولایت و آغاز عصر تکوین محفل روحانی وجود نداشت ولی هنگام صعود مولای اهل بهاء ۲۶

محفل روحان ملی در دنیا قائم به خدمت بودند. در اول دوره ولایت حضرت ولی امرالله تعداد محافل روحانی محلی در دنیا ۲۰۰ بود و هنگام صعود ایشان به ۱۰۰۰ بالغ گردیده بود.

در دوره اول ولایت حضرت ولی امرالله تعداد مراکز امری دنیا ۵۰۰ بود و هنگام صعود به ۴۵۰۰ بالغ گردیده بود.

در دوره ولایت حضرت ولی امرالله ممالکی که در ظل امرالله وارد شده بود ۳۵ بود و هنگام صعود ممالک غیر مستقل به ۲۵۴ بالغ گردیده بود.

در دوره ولایت حضرت ولی امرالله آثار مبارکه که به زبانهای مختلف ترجمه شده بود ۱۴ زبان بود و هنگام صعود به ۳۳۷ بالغ گردیده بود. افزون بر توسعه تشکیلات امری مهمه دیگری باراده هیکل مبارک و تحت نظارت مستمر ایشان تاسیس شد که از آن جمله: اتمام بنای مشرق الاذکار امریکا ام المعابد غرب بنای گنبد ذهبی و تکمیل مقام اعلی، تعمیر و نوسازی قصر بهجی در ارض اقدس، خرید و تملک اراضی مشرق

الانکار حيفا ، طراحی حدائق حول روضه مبارکه و
مقام اعلی، ایجاد بنای دارالاثار بین المللی و صدها از
این نوع مشروعات جلیله بهیه است که ذکر آنها در
این خلاصه نگنجد. از همه مهمتر بیش از ۲۶۰۰
توقیع و رساله و کتاب به زبانهای انگلیسی ، فارسی و
عربی جهت ارشاد و دلالت و هدایت جامعه و سوق
دادن یاران در جهت فکری بسوی نظم بدیع الهی و
تخلق به حیات بهائی شرف صدور یافته که عالم بهائی
بتأثیر این آثار گرانبها بوظائف اصلیه روحانیه آشنا و
باصول و فروع نظم جهان آرای بهائی مأنوس
گردیدند اهم این آثار بزبان انگلیسی :

ظهور عدل الهی - قد ظهر یوم المیعاد - گاد پاسز
بای - عصر مذهبی حضرت بهاءالله - هدف نظم
بدیع جهان آرای الهی و صدها توقیع خطاب به محافل
مقدسه ملیه در غرب میباشد که در جمیع آنها نکات
تاریخی و اصول دیانت مقدس بهائی و نظم اداری را
تشریح فرموده اند:

آثار نازله بزبان فارسی:

توقیعات ۸۸ و ۸۹ و ۹۵ و ۱۰۰ و ۱۰۵ و ۱۰۸ و ۱۱۰ و

۱۱۳ و ۱۱۴ و صدها توفیق بافتخار محافل روحانیه ملیه که در پنج جلد توفیعات مبارکه مدون گردیده است. علاوه بر آن ترجمه بسیاری از آثار قلم اعلی از قبیل کتاب مستطاب ایقان ، اقدس، کلمات مکنونه، ادعیه و مناجاتها و صلوة ، منتخباتی از الواح مبارکه حضرت بهاءالله، لوح شیخ (ابن ذنب) و الواح وصایای حضرت عبدالبهاء و ترجمه تاریخ نبیل است که همه از نظر اسلوب ترجمه در عالی ترین و فصیح ترین سطح قرار دارد و بطور خلاصه جوهر تعالیم جمال قدم را در دسترس احبای غرب قرار دادند.

حضرت شوقی ربانی دارای عصمت موهوبی بودند، قدرت فکر و نبوغ عجیب داشتند قوای روحانیه شدیدی همواره از هیکل اطهر منبعث و منتشر بود که گویی انسان با کارخانه و موتور عظیم تماس دارد . دکتر مارکوس باخ دکتر در فلسفه علوم دینی از دانشگاه شهر آیوا و محقق مشهور که در ۱۹۵۴ بملاقات حضرت ولی امرالله فائز شده در کتاب دائره ایمان مینویسد:

"مرا با یک حرکت سر بطرف صندلی راحتی هدایت کردند و خود در کنار صُفه ای نشستند. سپس افکاری را که در خاطر میگذشت با لبخندی که حکایت از درک آن میکردند بر لب آوردند. وقتی که علاقه مندی خود را به مسائل دینی عرض کردم سری بعنوان درک مقصد تکان دادند و این درست شبیه به آن بود که من یک جریان الکتریسیته را وصل کرده باشم، چشمانشان درخشید، بله او میدانست من چه میخواهم بگویم..."

امه البهاء روحیه خانم در کتابشان گوهر یکتا درباره
حضرت ولی امرالله می نویسد :

حضرت شوقی افندی ، در طی اولین سال های قیادت
خود ، با توجه به حملاتی که از طرف ناقضین میثاق
صورت می گرفت ، می بایستی مقام و موقف خود را
در دنیای خارج و نزد اولیا حکومت در ارض اقدس ،
تشبیت می فرمودند . ناقضین میثاق امیدوار بودند بعد
از صعود حضرت عبدالبهاء ، مدعی تولیت اماکن
مقدس بهائی شوند . حضرت ولی امرالله می بایستی
حق قانونی بهائیان نسبت به مالکیت و تولیت بیت
مقدس اعظم در بغداد را نیز در نظر حکومت آن
ارض و مالا در سطح بین المللی ، تحت نظارت دقیق
مجمع اتفاق ملل ، تثبیت می فرمودند . بلا تردید ایشان
بر این نکته نیز واقف بودند که باید ترجمه های
معتبری از چندین جلد از آثار حضرت بهاءالله ، و نیز
میزان کافی از محتوای تاریخ نبیل را به انگلیسی
برای دنیای غرب فراهم آورند . به علاوه ، در بهجی
، اراضی حول روضه مبارکه می بایستی از وجود
ناقضین میثاق تطهیر می شد ، و در حیفا ایشان

اراضی مجاور مقام مقدس حضرت رب اعلی را ،
قطعه ای بعد از قطعه دیگر ، می بایستی با زحمت
بسیار خریداری می فرمودند . در جای دیگر در شرق
، باید اطمینان می یافتند که اماکن مقدسه اصلی در
ایران و ترکیه ، و نقاط تاریخی در این کشورها ، که
به وقایع دوران عصر رسولی امر مبارک مربوط می
شد . در تملک امر در می آمد . هیکل مبارک می
بایستی با بیان منظر و دیدگاه حضرت بهاءالله برای
تولد مدنیت بهائی (که هنوز پای به جهان ننهاده بود)
و با جواب به نیازهای احبا و عامه ناس به تاریخ
معتبر تحلیلی و تامل انگیز وقایع عصر رسولی و
ارتباط آنها با تکامل عصر انتقال ، ادبیات امر را از
غناى بیشتری برخوردار می ساختند .

جناب لروی آیواس در جمع احباء افریقای جنوبی

در تاریخ ۳۱ اکتبر ۱۹۵۸ طی نطقی در باره هیکل مبارک چنین فرمودند :

بنده و همسرمد مدت شش سال در ارض اقدس افتخار خدمت در حضور حضرت ولی امرالله را داشتیم و آنجا بود که کمی معنای ارتباط مستقیم با روح القدس را درک کردیم زیرا در حضور حضرت ولی امرالله بودیم و حضرتشان مانند یک نیروگاه عظیم روحانی بودند . تنها یک ملاقات با حضرت ولی امرالله کافی بود که انسان بتواند به قوای روحانی سرشار و نیرومندی که در وجودشان نهفته بود پی ببرد زیرا این قوا در اعماق وجود انسان اثر مینمود ، و این را بگویم که در مجاورت این قوه عظیم بودن و در کنار آن کار کردن آسان نبود . ما که افتخار خدمت در حضورشان داشتیم می دیدیم که قدرتی روحانی و تایید و رهنمودی الهی همواره با حضرت شوقی ربانی بود و شخص این نیروی روحانی را در همه اقداماتشان در سخنانشان ، در رفتارشان که شبانه روز منحصر در امور امری بود به وضوح می دید .

حضرت ولی امرالله زندگانی خود را به کلی فدای امر الهی فرموده بودند . نه تنها ساعات طولانی کار روزانه ایشان بلکه اوقات خواب و استراحت و خوراک نیز وقف امر و در جهت خدمت بیشتر و موثرتر به آستان الهی بود . حضرتشان به هیچ چیز جز به امر نمی اندیشیدند ، هیچ چیز دیگری مورد توجه و علاقه شان قرار نمی گرفت ، و در مورد هیچ مطلب دیگری جز امر الهی سخن نمی گفتند . سخنانشان با ما و اطرافیانمان فقط در باره احباء در کشورهای مختلف ، چگونگی پیشرفت امر و خدمات احباء بود ، در این زمینه نیز به آسانی می شد انعکاس احساسات قلب حساس و لطیف حضرتشان را دید . مثلا اگر اخبار خوش موفقیت های یاران از اطراف جهان می رسید ، اگر مژده پیشرفت برنامه های تبلیغی از گوشه و کنار میآمد ، ایشان خوشحال و شاد بودند ، اما بر عکس وقتی اخبار در باره مشکلات جامعه ای ، و یا تضییقات و آزار احباء در محلی ، و یا گرفتاریهای مهاجری و رنج و ناراحتی بهائی دور افتاده ای بود به شدت متاثر

می شدند . قلبشان مانند آئینه ای بود که گوئی همه جهان در آن منعکس بود . به هر کجا که توجه قلبشان معطوف می شد می توانستند ضعف آنجا را به دقت مجسم سازند ، به وضع احباء به طور دقیق پی برند ، و با زبان قلب با آنان در ارتباط بوده برای موفقیت یاران دعا کنند ... بنابراین همه شما ، بخصوص مهاجران بخصوص کسانی که برای خدمت امر قدم برداشته و در سرزمین ها و کشورهای گوناگون به خدمت مشغول هستند این بیان مبارک را به خاطر بیاورند که می فرمایند مبادا حتی یک لحظه احساس تنهائی نمائید ، مطمئن باشید خداوند با شماست ، روح القدس شما را در حفظ خود دارد و تایید می نماید ، و این نیروی سرشار روحانی در تمام مدت ، در تمام ساعات و دقائق شب و روز شما را حمایت می نماید

...

اجازه بدهید فقط برنامه یک روز کار حضرت ولی امرالله را برای شما بگویم تا ذره ای به انبوه مشکلاتی که حضرتشان به عنوان ولی دیانت بهائی با آن مواجه بودند پی ببرند . حضرت ولی امرالله معمولا

ساعت ۵/۵ صبح از خواب بر می خواستند و روز را با نماز و مناجات آغاز می نمودند . سپس در حالی که از دیروز و روزهای قبل هنوز نامه هائی روی میزشان بود که باید ملاحظه می فرمودند انبوه نامه های آن روز وارد می شد . این نامه ها از سراسر عالم بهائی بود و حضرت شوقی ربانی روی هر نامه مرقوم می فرمودند که در آن مورد چه اقدامی بشود ... حضرت ولی امرالله همه نامه هائی را که به نام خودشان بود شخصا باز می فرمودند . هر کس از هر جا نامه ای به نام حضرت شوقی ربانی می فرستاد مطمئن بود که نامه با دست حضرت ولی امرالله باز می شد ، مندرجاتش به دقت از نظر بصیر حضرتشان می گذشت و بر قلب و ضمیر منیرشان می نشست .

پس از آنکه ساعتها صرف مطالعه نامه ها و رسیدگی به مکاتبات می فرمودند بعد از ظهر به مسافرخانه در جوار مقام اعلی تشریف می بردند . با زائرین شرقی ملاقات می فرمودند . با آنان در باغها قدم می زدند ، با هر یک گفتگو می فرمودند در جمعشان جای میل

می کردند و به سئوالشان پاسخ می گفتند ، در مورد امر الهی در سراسر جهان مخصوصا در شرق بیاناتی ایراد می فرمودند و راه حل مشکلاتی را که مطرح می گردید بیان میداشتند ، سپس همراه آنان به زیارت مقام اعلی مشرف می گردیدند و معمولا زیارت نامه را تلاوت می کردند ، پس از پایان زیارت به منزلشان مراجعت می نمودند و رسیدگی به بقیه کارها از جمله پاسخ به نامه ها و تلگرافهائی را که در مدت روز رسیده بود از سر می گرفتند . هنگام غروب به مسافر خانه زائرین غربی تشریف می آوردند و شام را با آنها و با اعضاء شورای بین المللی بهائی صرف می کردند . با زائرین در باره امر الهی و پیشرفت های آن در غرب سخن می گفتند و گاه به زائر یک کشور اطلاعاتی از پیشرفت های امر در آنجا می دادند که خود او از آنها بی خبر بود . مثلا بارها شاهد بودیم که ز ائری مثلا از کانادا حضور داشت . هیکل مبارک می پرسیدند وضع امر در کانادا چگونه است ؟ چند مرکز بهائی دارید ؟ چند محفل و چند جمعیت بهائی دارید ؟ معمولا شخص مورد

خطاب میگفت : " متاسفانه نمیدانم ". آنگاه حضرت ولی امرالله با شفقت و لطف فراوان اطلاعات دقیق از آمار مختلف در مورد پیشرفت امر در آن کشور در اختیار زائر مزبور و سایر حاضران قرار می دادند . مهم نبود که کدام کشور مطرح می گردید ، سوازیلند یا افریقای جنوبی ، فرقی نمی کرد که کشور مزبور در اروپا باشد یا آسیا ، حضرت ولی امرالله همواره آمار دقیق محافل و جمعیت ها و مراکز هر کشور و وضع کلی امر را در حافظه قوی خود داشتند و به دقت بیان می فرمودند و سپس در مورد وضع کلی و اجتماعی آن مملکت ، مشکلاتی که احباء و جامعه بهائی با آنها مواجهند ، و سایر مسائل بیاناتی همراه با تشویق و راهنمایی و امید ایراد می داشتند ... از ساعت ۵/۵ تا ۱۱/۵ شب همه مشکلات عالم بهائی بر دوش حضرتشان بود . احباء تا این سالهای آخر هرگز به این نکته توجه نکردند که یکبار نیز خبر خوش و مثبتی برای حضرت ولی امرالله ارسال دارند . آنچه نامه و تلگراف میآمد همه در باره مشکلات و مصائب و تضییقات بود و حضرت ولی امرالله می بایست به

هر کدام پاسخی عنایت نموده و راهنمایی بفرمایند .
بدینترتیب همواره و در تمام اوقات شب و روز تحت
فشار کار بودند .

...حضرت ولی امرالله وجودی حساس و دارای قلبی
بی نهایت لطیف و رقیق بودند . جثه حضرتشان
کوچک ولی در نهایت ظرافت و تناسب بود .
بینی ، چشمان ، دستها و اجزاء صورت مبارک
ظریف و در نهایت تکامل بود .

آنقدر کامل بود که شخص می توانست نیروی عظیم
روحانی که هنگام ادای بیانات از ایشان ساطع میشد به
وضوح ببیند و به آسانی تشخیص دهد که خداوند آن
وجود آسمانی را برای بروز و ظهور قدرت روحانی
در روی زمین برگزیده است .

یکی دیگر از خصائص حضرت ولی امرالله که باز به
آسانی قابل ملاحظه بود و بارها مرا به تعجب واداشت
افتادگی و فروتنی بی حد و اندازه ایشان بود . من در
آیات الهی بسیار در مورد فروتنی خوانده ام و آثار
سایر ادیان را در این مورد مطالعه نموده ام و تصور
می کردم کمی در باره افتادگی و فروتنی می دانم ،

اما به شما بگویم تا کسی حضرت شوقی افندی را ندیده باشد هیچ چیز در باره فروتنی و تواضع نمی داند . حضرت ولی امرالله هیچگاه در باره خودشان صحبت نمی کردند ، شما تا کنون هیچ عکسی از ایشان ندیده اید . اجازه نمی دادند که عکسی از ایشان بردارید و یا عکس هائی که گرفته شده بود نشان داده شود . همواره می فرمودند میخواهم احباء مرا از طریق خدماتم به آستان الهی بشناسند و نه این که شکل من چگونه است .

حضرت ولی امرالله هیچگاه از خودشان و اموری که بدست ایشان انجام گرفته بود صحبت نمی کردند . ایشان در باره وضع امر در زمان حضرت باب ، گسترش امر در زمان حضرت بهاءالله و توسعه و بسط نفوذ امر الهی در زمان حضرت عبدالبهاء سخن میگفتند اما در مورد پیشرفت های دوران ولایت سخن از دوران خودشان نمی گفتند .

عشقی که به دیگران داشتند قابل تصور نیست . همه مردم را قلبا دوست داشتند و در هریک آیتی از خدا می دیدند . به دستاوردها و موفقیت های افراد می

نگریستند و هیچگاه به قصور یا گناهان کسی توجه نمی فرمودند . قلب پر مهرشان همواره آماده عفو و کمک بود ... و این عشق ایشان ، همراه با ظرافت و لطافت روحشان ، چیزی بود که به وصف نمی آید . کسی نیز نیست که بتواند عظمت رنجهایی را که حضرت ولی امرالله می کشیدند دریابد ، رنجهایی که هیچگاه در باره آن هیچ چیز به هیچ کس اظهار نمی داشتند . اما معلوم بود که با آن همه محبت و عشق و با آن عطوفت و لطافت قلب از دست نزدیکانشان که رو از امر بر می گرداندند و سالها صبر و تحمل ایشان را نادیده می گرفتند چه رنجهایی در دل می بردند . اما تحمل ایشان نیز بسان عشقشان بزرگ و فراوان بود .

حالا می خواهم برایتان واقعه ای را تعریف کنم که در قلب من بسیار اثر گذارد . یک وقت یکی از اعضاء محفل ملی کانادا به زیارت آمده بود و در ضمن گفتگو با حضرت شوقی افندی از مشکلات ترجمه آثار بهائی به زبان اسکیمو ها صحبت کرد . شما می دانید که در مناطق قطبی اسکیمو ها هوا همیشه سرد است و

وضع رستن نباتات و نوع مرغان و حیوانات بکلی با مناطق معتدله یا گرمسیر متفاوت است . وی به حضور مبارک عرض کرد : " در آثار مقدسه حضرت بهاءالله بسیار از " بلبل " و " گل سرخ " صحبت می شود و در مناطق اسکیمو چنین چیزهایی وجود ندارد آیا ما می توانیم بجای بلبل نام یکی از مرغان دریائی قطبی و بجای گل نام گیاه یا گلی که آنجا می روید ترجمه کنیم ؟ حضرت ولی امرالله فرمودند وقتی شما از آثار حضرت باب یا حضرت بهاءالله یا حضرت عبدالبهاء ترجمه می کنید باید دقت کنید که عینا همان کلماتی که بکار برده شده ترجمه نمایند ، اما در ترجمه از آثار دیگران می توانید کلمات دیگری جانشین لغات ناشناس و مهجور بنمائید . در مورد آثار الهی هیچ چیز را نباید تغییر داد . شب بعد که قرار بود زائرین باهیکل مبارک خداحافظی نمایند ، هنگام وداع با آن بهائی کانادائی حضرت ولی امرالله از جیب خود یک ظرف کوچک استوانه ای شکل که داخل آن شیشه عطر گل ایران بود بیرون آورده به او دادند و فرمودند " حال که به کانادا بر

میگردید احباء را از طرف من با این عطر معطر
نمائید و عشق و محبت مرا به همه ابلاغ دارید "
سپس از جیب دیگر خود یک شیشه دیگر از همان
عطر بیرون آورده فرمودند " این شیشه عطر مال
احبای اسکیموئی است . عشق و محبت مرا به آنان
ابلاغ دارید و از این عطر به هر یک از آنها قدری
بزنید تا بدانند بوی گلهای سرخ ایران یعنی چه " من
این داستان را نقل کردم تا به عشق و محبت حضرت
ولی امرالله نسبت به فرد فرد احباء عالم با خیر شوید .
نکته دیگر که باز شرحش مشکل است دقت نظر و
تندی ذهن و هوشیاری و درایت حضرتشان است . من
در زندگانی تجارتي خودم در آمریکا با صاحبان
صنایع و اقتصاد دانان بزرگی سروکار داشته ام و
افراد برجسته ای که دارای سرعت انتقال فکر
بوده اند دیده ام ، اما به شما بگویم همه آنان در مقابل
حضرت ولی امرالله طفل سبق خوانی بیش نبودند .
برای هیکل مبارک نفس کار و نتیجه مطرح بود و نه
حاشیه و داستان . می خواستند کاری که شروع شده و
طرحی که ریخته شده به سریع ترین و بهترین وجه

انجام پذیرد. این که " من رفتم به فلان اداره که فلان شخص را برای فلان کار ساعت ده به بینم ... " زائد بود می بایست گفته می شد " فلان شخص در مورد آن کار اظهار داشت ... " حالا میتوانید تصور کنید با آن همه اشتغالات ایشان وقتی نامه های طولانی که دو سه صفحه آن بیان احساسات و محبت و عشق افراد بود می آمد ، و در دو سه صفحه بقیه در میان جملات مبهم سئوالات گوناگونی از هیکل مبارک می شد چقدر وقتشان گرفته می شد . حضرت ولی امرالله به جزئیات کار اگر حاشیه بود توجهی نداشتند بلکه می خواستند به لب مطلب پردازند .

اکنون می خواهم در باره موضوع " ولایت امر " با شما صحبت کنم . وقتی که حضرت عبدالبهاء صعود فرمودند حضرت شوقی افندی بسیار جوان بودند . پدر بزرگ خود را تا سر حد پرستش دوست داشتند و با صعودشان دنیا را در برابر چشمان خود تیره و تاریک دیدند .

حضرت ولی امرالله در مورد روزهای بعد از صعود و عزیمتشان به ارض اقدس به ما فرمودند " من

تصور می کردم حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا به من این افتخار را داده اند که مجمعی از احباء دعوت نمایم تا به انتخاب بیت عدل اعظم اقدام نمایند... اما در عوض دریافتیم که مرا به سمت ولایت امر انتخاب فرموده اند... من برای احراز چنین سمتی نه خود را قابل می دانستم و نه اصلاً تصورش را می کردم... فکر احراز چنین مسئولیتی را نمی توانستم بکنم زیرا به مشکلات آن آگاه بودم و خودم را می شناختم و می دانستم با این سمت زندگانی من به عنوان یک شخصیت معمولی پایان پذیرفته است...

همانطور که می دانید ارض اقدس را ترک کردم و به کوههای سویس پناه بردم و با توسل به دعا و مناجات با خودم جنگیدم تا آنکه قادر به بازگشت گردیدم و خود را به خداوند سپردم، مدت اقامت ۸ ماه بوده است.

بعد فرمودند: "... حال هر بهائی در هر جای دنیا، هر شخصی، باید همین کار را بکند. صرفنظر از آنکه شخص ایادی امر باشد یا مهاجر یا تبلیغ یا عضو محفل ملی یا عضو تشکیلات، یا فقط یک بهائی

مؤمن باید چنین کاری بکند یعنی باید بر ناتوانی ها و ضعف های خود چیره شود و بر نفس خود فائق آید و وقتی چنین کرد وی ابزاری در دست خداوند برای خدمت به امر می گردد . تنها آن موقع است که موفقیت کامل رخ می دهد " پس از رسیدن به مقام ولایت ، حضرت ولی امرالله چند کار عمده را وجهه همت خود قرار دادند . یکی به پایان رساندن اموری که حضرت عبدالبهاء آغاز فرموده بودند ، مثل ساختمان مقام اعلی ، تراس های کوه کرمل احداث باغ ها در اراضی کوه کرمل مجاور مقام اعلی ، خریداری زمین چه در اراضی کوه کرمل ، و چه در اطراف حرم اقدس قبله اهل بهاء (در حوالی قصر بهجی) و ایجاد باغ های زیبا در آن اراضی حضرتشان بلافاصله همه این کارها را با هم آغاز فرمودند و به پایان آوردند .

اینک ما در اطراف مقام اعلی اراضی فراوانی داریم که نه تنها با باغ های مجلل و زیبا آن مقام مقدس را احاطه کرده بلکه می تواند در آینده در توسعه ساختمان های تاسیسات اداری مرکز جهانی نیز به

کار آید . اطراف روضه مبارکه مقام مقدسی که قبله
اهل بهاء است و قصر بهجی ، اکنون از وجود
دشمنان امر پاک شده و باغ های زیبا به وجود آمده و
دور آن بیش از آنچه انتظار می رفت اراضی
خریداری گردیده است .

حضرت ولی امرالله به سه اقدام مهم دیگر نیز مبادرت
فرمودند : یکی ، بنا نمودن نظم اداری امر الهی ، دوم
، توسعه دیانت بهائی در سراسر دنیا ، و سوم ایجاد
مرکز جهانی امر الهی در اراضی مقدسه ، این سه
هدف بود که مدار حیات مقدس ایشان قرار گرفت و
تمام کوشش و تلاششان را تا پایان حیات به خود جذب
کرد ... یک شب در ارض اقدس به حضرت شوقی
ربانی عرض کردم " ... در امریکا که نظم اداری
ایجاد شد و رشد یافت ، بخاطر آن بود که شما آن را
با چنین چیرگی و قدرت طرح کرده و ما را در هر
زمینه راهنمایی می فرمودید . " فرمودند : " " لروی
... شما طوری صحبت میکنید که گویی من اینجا در
ارض اقدس نشسته نقشه آماده شده ، نظم جهانی را
جلوی خود داشتم و از احباء خواستم که آن را بنا

نمایند ، و هر وقت آنها را آماده می دیدم می گفتم این دیوار را بسازید ... و کمی بعد آن دیوار را بسازید ... و بعد سقف را بنا کنید ... نه ، اصولا اینطور نبود . وقتی من به مقام ولایت انتخاب شدم اصولا نمی دانستم که در این زمینه ها چه باید بکنم . و در همه احوال به راهنمایی الهی متکی بودم و همواره بر اساس آن تایید و راهنمایی حرکت می کردم ... و بسیار اوقات نمی دانستم که قدم بعدی چه خواهد بود تا آنکه انوار تایید می رسید ... البته عقیده کلی در باره هر کاری که آغاز می شد داشتم اما کیفیت آنرا وقتی می دیدم که بر اثر تاییدات الهی به پایان رسیده بود ... من در همه اوقات متکی به تاییدات الهی هستم و اطمینان دارم که هر جا پای مصالح امر مبارک در میان باشد این تایید و راهنمایی خواهد رسید تا آن چه برای امر ضروری و لازم است انجام شود . احباء جهان نیز باید کاملا همین اطمینان و ایمان را به نیروی تایید الهی داشته باشند . و نیز باید اطمینان داشته باشند که خداوند ولی امر را در هر حال تایید و راهنمایی خواهد فرمود که آنچه برای مصالح امر

در آن لحظه باید انجام شود مجری دارد . بدون چنین ایمانی امر آنطور که باید موفق نخواهد شد ."

و دوستان عزیز این مطلبی است که من می خواهم با شما در میان بگذارم و آن اینکه ، همان اطمینان و ایمانی که حضرت ولی امرالله به تایید بی پایان و دائمی الهی داشتند ما نیز باید در اعماق قلب خود به آن مطمئن و امیدوار باشیم و بدانیم که خداوند حامی و راهنمای این امر خود است و آنچه برای امر صلاح و خیر باشد در وقت خود رخ خواهد داد . تایید و راهنمایی خداوند هیچگاه ما را ترک نکرده و نخواهد کرد . حضرت ولی امرالله از میان ما رفت ولی روح ایشان هنوز ما و امور امر را راهنمایی می فرماید و اگر ما قلوب خود را پاک نگاه داریم و قلب را وسیله ای سازیم که انوار تاییدات قدسی خداوند در آن تجلی نماید ، ما نیز راهنمایی شده و پیروزی های بزرگ برای امر مبارک به دست خواهیم آورد .

در زمان قیادت حضرت ولی امرالله هنوز اکثر نقاط جهان ، آئین بهائی را شعبه ای از اسلام می پنداشتند . چون امر بهائی در بستر کشور اسلامی ایران پیدا شده بود و ناچار اسامی تاریخی بزرگان و پیروان این آئین جدید اسامی اسلامی بود ، این فکر غلط در نزد بسیاری از مردم ، حتی مورخین ، قوت گرفته بود . معلوم است که این تصور نادرست چقدر سبب تالم حضرت شوقی افندی بوده است و از نخستین سال های عصر تکوین به انحای مختلف سعی ایشان در این بود که استقلال امرالله را تثبیت نمایند و آئین جدید را به عنوان شریعتی مستقل و جهانی بر اهل عالم بشناسانند . در آثار خویش به شرق و غرب این موضوع را مکررا ذکر می فرمودند ، زیرا در آن زمان اهل بهاء چه در شرق و چه در غرب هنوز بعضی از سنن و عادات و تقلیدی که میراث اجدادشان بود ، با خود داشتند ، حتی مثلا بهائیان اروپا به عضویت خود در کلیسایی که قبلا عضو آن بودند ، ادامه می دادند ، یا در ایران هنوز بودند بهائینی که در ایام عاشورا روضه خوانی در منزل

خود بر پا می داشتند . این بود که حضرت ولی امرالله به تدریج و با حکمت ، ولیکن در نهایت قدرت ما را از استقلال آئین حضرت بهاءالله آگاه ساختند . مثلاً اصرار فرمودند که ایام محرمه بهائی را مراعات کنند ، حتی به خاطر لزوم رعایت ایام محرمه بهائی ، مدارس بهائی را فرمودند تعطیل شود ، ولی در تمکین به حکم دولت در بازنگاه داشتن مدرسه در ایام مخصوصه امتناع ورزیدند تا مردم ایران بدانند که امر بهائی خود دارای احکام و مناسکی مستقل از اسلام است . تا آن که فرصت مغتنمی به دست آمد و در مصر در قضیه ازدواج بهائی بین دو جوان مصری ، علمای اسلام در آن سامان غوغائی بر پا کردند و هیاهوئی به راه انداختند ، تا اینکه این قضیه به محکمه شرعیه مصر ارجاع شد . محکمه برای آن که امر بهائی را بی اعتبار سازد و پیروان این آئین را مرتد شمارد ، حکم صریح و مفصلی داد و بر انفصال امر بهائی از اسلام تاکید کرد . حضرت ولی امرالله در توقیع شباط (فوریه) ۱۹۲۷ این کوشش علمای اسلام را در مصر که اعلی محکمه شرعیه در اکثر

ممالک مسلمان است ، به عنوان بشارتی به بهائیان شرق و غرب ابلاغ فرمودند و اکثر متن آن را نیز به نقل حکم دادگاه عالی شرع در آن توقیع گنجاندند . می فرمایند :از جمله بشارت اولیه و علائم فرح بخش غلبه و اعلان امرالله و استعلا و استقلال دین الله و استخلاص و انفصال شریعه الله از سنن و شرایع متنوعه سابقه ، قرار نهائی و اعلام صریح رسمی محکه شرعیه قطر مصر است که بعد از تفحص تام و تحری و تجسس کامل و مباحثات و مناقشات و تدقیقات متینه به اطلاع و تصویب حکام و روسای شرع انور صادر گشته و رسماً ابلاغ گردیده و طبع و انتشار یافته . هر چند این حکم محکمه شرعیه ، پیروان شریعت حضرت بهاءالله را از ملحدین و مرتدین شمرده و از کفار انگاشته و خارج از ظل شریعت محمدیه دانسته و حکم فسخ عقد زواج بین طرفین از بهائی و غیر بهائی صادر نموده ، ولی به صریح عبارت و مستند بر استشهدات و استدلالات منصوصه قاطعه مقتبس از کتاب اقدس و کتاب عهد و کتاب ایقان و سوره هیکل و هفت وادی و الواح شتی

که در نصوص آن حکم مسطور و مندرج است ،
شهادت داده و اقرار و اعتراف نموده که آنین بهائی
دینی است جدید و مستقل و دارای احکام و سنن و
قواعد و اصول مخصوصه ..."

توضیحات بیشتر درباره دوران انفصال را در جلد
اول این کتاب از صفحه تا صفحه مفصلا
داده شده و حکم محکمه مصر و دانشگاه الازهر
مصر آورده شده است .

در دوران ولایت و با جلوس حضرت ولی امرالله بر
کرسی ولایت تحولات جدیدی نه تنها در مرکز
جهانی بهائی بلکه در عالم امر بوجود آمد و امر
الهی وارد مرحله و دوران نوینی شد

جناب باهر فرقانی مقاله مفصل مبسوطی از ترقیات
شگرف و اقدامات محیر العقول دوران ولایت در
مجله پیام بهائی شماره ۳۳۶ نوشته اند که خلاصه
ای از اهم مطالب آن را در اینجا نقل می نمائیم .

در حیفا در اجرای آرزوی حضرت عبدالبهاء
افزودن سه حجره دیگر بر حجرات شش گانه ای که
در دوره میثاق بنا شده بود و تکمیل رواق بیرونی و
نصب گنبد طلائی بنام مقدس اعلی در سال های پر
از انقلاب جنگ دوم جهانی و انقلابات داخلی ارض
اقدس آغاز و سر انجام در سال ۱۹۵۳ با موفقیت به
پایان رسید و غرق دریای انوار گردید و بیش از
پیش بر عظمت و جلالت کوه مقدس خدا و شهرت
مرکزی جهانی افزوده شد

خریداری زمین مشرق الانکار حیفا بر فراز کوه
کرمل نیز در دوران ولایت بدست حضرت ولی

امراالله انجام گرفت . بیت مبارک حضرت عبدالبهاء در دوران ولایت نیز مانند دور میثاق برای پذیرائی از مهمانان و زائرین مورد استفاده قرار می گرفت و در سال ۱۹۳۷ پس از ازدواج هیکل مبارک آپارتمانی که در سال های قبل برای سکونت حضرت ولی امرالله ساخته شده بود توسعه داده شد . به ثبت رساندن شعبه های محافل ملی در ارض اقدس نیز یکی دیگر از تحولات مرکز جهانی در این دوره بود .

در دوران ولایت بسط و توسعه شگفت انگیزی در زمینه اماکن متبرکه و مؤسسات و موقوفات ارض اقدس حاصل شد . در این دوره بود که کلیدهای روضه مبارکه که مدتی در اختیار ناقضان بود با اقدامات حضرت ولی امرالله به تصمیم حکومت در سال ۱۹۲۹ به آن حضرت بر گردانده شد . هیکل مبارک در ۱۹۵۲ باغات وسیعی به صورت قوسی در شمال و غرب قصر بهجی احداث فرمودند که مرکز آن روضه مبارکه حضرت بهاءالله بود و آن را حرم اقدس نامیدند حضرت ولی امرالله در

نخستین توفیعات ایران و آمریکا توجه یاران را به تشکیل بیت العدل اعظم معطوف فرمودند و حتی در سال ۱۹۲۲ چند تن از بهائیان کشور های مختلف شرق و غرب را برای گفتگو در باره تشکیل بیت العدل در حيفا جمع کردند ولی هیکل مبارک بزودی دریافتند که برای استقرار این معهد اعلی لازم بود ابتدا محافل ملی بعنوان ستون ها تأسیس شوند تا قُبّه بیت عدل بر آنها استوار گردد. این بود که به ترتیب یاران در راه تأسیس نظم اداری همت گماشتند. اما هیکل مبارک هنوز در پی آن بودند که لا اقل یک هیئت مرکزی به صورت دارالانشاء بین المللی برای معاونت خود در مرکز جهانی بوجود آورند چه که با افزایش مکاتبات شرق و غرب به نفوسی که بتوانند در این کار کمک کنند نیاز شدیدی احساس می شد. وبه این علت بود که شالوده شورای بین المللی ریخته شد که در فصلی جداگانه و تحت عنوان شورای بین المللی تاریخچه آن در پی خواهد آمد.

بطوری که در یاداشت های دوران ولایت از جمله

نوشته های روحیه خانم بر می آید حضرت ولی امرالله از همان ابتدای ولایت در اجرای نیات خود احساس تنهایی میکردند و از یاران خواستار یاری بودند و آرزوی تأسیس بیت عدل را در سر می پروراندند. در سال ۱۹۲۲ هیکل مبارک نه نفر را در حيفا دور هم گرد آوردند و محفلی بنام " محفل روحانی حيفا " تشکیل دادند. این محفل در سال ۱۹۳۸ به دستور هیکل مبارک منحل شد و اعضای آن همراه دیگر جامعه به خارج اعزام گردیدند. هیکل مبارک به این محفل دستور داد بودند نشریه ای به زبان فارسی برای ارسال به کشور های شرقی و نشریه دیگری هم به زبان انگلیسی حاوی اخبار ارض اقدس منتشر کند.

با جلوس حضرت ولی امرالله بر کرسی ولایت ، افراد عائله مبارک اغلب بنای نافرمانی گذاشتند . ناقضین دور میثاق به مخالفت خود ادامه دادند و برادران و خواهران آن حضرت نیز گر چه ابتدا به ظاهر پشتیبانی مینمودند ولی به تدریج به بی وفایی پرداختند و به جمع ناقضین قدیم پیوستند و در سال

۱۹۴۸ هنگام تشکیل دولت اسرائیل و در جریان جنگ بین اعراب و یهودیان ، با اعراب همداستان شدند و به کشور های مجاور فرار نمودند .

به جرأت میتوان گفت که تأسیس مرکز جهانی بهائی در ارض اقدس و شناسائی تدریجی آن به عنوان مرکز بین المللی امر الهی از موفقیت های تاریخی دوران ولایت امرالله شمرده می شود .

حضرت ولی امرالله اهمیت ارض اقدس ، مرکز جهانی بهائی را به روشنی توجیه و آن را " قلب العالم و قیلة الامم " و " مرکز و محوری ... که در حول آن مؤسسات الهیه طائفند " معرفی نمودند و مراحل آینده توسعه و پیشرفت مرکز جهانی را پیش بینی فرمودند . در زمینه موقوفات امری به قرار نوشته حرم مبارک اراضی امری در ایام حضرت عبدالبهاء در حیفا ده هزار متر و در بهجی هزار متر مربع بود و پس از کوشش های سی و شش ساله وجود مبارک به ترتیب به ۲۳۰ هزار و ۲۵۷ هزار متر بالغ گشت " و این املاک و موقوفات با کوشش های پیگیر آن حضرت و با وجود مشکلات

فراوان کلاً از مالیات های دولتی معاف گردید.

جمع آوری و حفظ آثار مبارکه

یکی از اقدامات تاریخی و مهم که در دوران ولایت در مرکز جهانی به انجام رسید جمع آوری آثار مقدسه نازله از اقلام هیاکل مقدسه امر و اشیاء تاریخی باقیمانده از آنان بود. هیکل مبارک برای حفظ این آثار و اشیاء متبرکه که تا آن وقت در بیت مبارک حضرت عبد البهاء نگهداری می شد اقدام به تأسیس محفظه آثار در سه حجره از حجرات مقام اعلی نمودند و ضمناً از یاران الهی خواستند که از آثار مبارکه که در خانواده ها دارند، اصل یا سواد عکسی آنها را به ارض اقدس ارسال نمایند. با استقبال احبا از این امر و در اثر ازدیاد آثار مبارکه، محفظه دیگری در بنای کوچکی در نزدیکی مرقد حضرت ورقه مبارکه علیا ترتیب داده شد و این آثار برای زیارت زائرین در معرض دید آنان قرار گرفت و بدین ترتیب این دو محفظه مقدمه بنای دارالاثار بین المللی در کوه کرمل گردید.

در سال ۱۹۵۵ بنای دارالاثار بین المللی که یکی از

افتخارات دوران ولایت شمرده میشد با طرح
تصویب شده هیکل مبارک آغاز و با نظارت پیوسته
و مستقیم آن حضرت پیشرفت و در سال ۱۹۵۷
اندکی پس از صعود مبارک پایان یافت.

توسعه ارتباط با حکومت و اولیای امور و شناسایی
مرکز

جهانی

حضرت ولی امرالله گر چه در مجامع و مجالس
رسمی و غیر رسمی اولیای محلی شرکت کردند اما
با مقامات عالی دولتی فلسطین در دوران اولیه
ولایت و بعدها با حکومت اسرائیل پس از تاسیس آن
تماس داشتند و با اولیای امور در هر زمان مکاتبه و
ملاقات مینمودند . نکته ای که هیکل مبارک اغلب
در این تماس ها به آنان تصریح می کردند جامعیت
امر الهی و استقلال مرکز جهانی و مقامشان به
عنوان ولی امر بهائی بود. در اثر همین مساعی بود
که مرکز جهانی مورد شناسائی قرار گرفت و هیکل
مبارک علاوه بر موفقیت های دیگر به دریافت کلید
روضه مبارکه که مدت ها در اختیار ناقضین قرار

داشت و شناسائی حق تولیت اماکن مقدسه و رسمیت عقد نامه بهائی و معافیت املاک امری از مالیات توفیق یافتند. در این دوره ارتباط جامعه بین المللی بهائی با سازمان ملل نیز گسترش بیشتر یافت. یکی از نشانه های شناسائی مرکز جهانی و مقام حضرت ولی امرالله نامه ای بود که از طرف جامعه ملل ارسال و در آن نظر آن حضرت را در باره مسئله فلسطین خواسته بودند. هیکل مبارک در پاسخی که صادر فرمودند ضمن توضیح اصول اساسی امر در باره صلح و عدم مداخله در امور سیاسی تصریح فرمودند که " آنچه مربوط به ما است اینست که هر تصمیمی در باره مستقبل این سرزمین اتخاذ گردد و هر کس حاکم بر این کشور شود این نکته را بشناسد که شهر عکا و حیفا مرکز روحانی و اداری شریعت جهانی بهائی است... این سرزمین نه فقط مرکز زیارت بهائیان در جمیع انحاء عالم است بل مرکز دائمی تشکیلات بهائی نیز هست که اینجانب افتخار قیادت آن را دارم " نکته دیگری که به شناسائی مرکز جهانی کمک میکرد شرکت هیکل مبارک به

پیروی از حضرت عبدالبهاء در مشروعات خیریه
محلّی و تقدیم هدایای مالی از طرف مرکز جهانی
در موارد لازمه بود که در هر موردی رسید آن با
ابراز تشکر اعلام می شد. قرائن نشان میدهد که
حضرت ولی امرالله از تشخیص شورای بین المللی
در امور مربوط به مرکز جهانی خود شخصا با
ادارات مربوطه دولتی مکاتبه میکرده اند.

استقرار نظم اداری

از تحولات عظیم دوره ولایت آغاز استقرار
مؤسسات نظم اداری بهائی در مرکز جهانی و
سراسر عالم بهائی بود. آن حضرت از ابتدای دوره
ولایت نه تنها توضیح و تعلیم اصول نظم اداری به
جوامع بهائی پرداختند بلکه با طرح و اجرای نقشه
های تبلیغی موجبات تأسیس محافل روحانی محلّی و
ملی و مقدمات تشکیل بیت العدل اعظم الهی را
فراهم فرمودند.

یکی از تحولات بزرگ و تاریخی این دوره انتصاب
۲۷ نفر از ایادی امرالله بوسیله حضرت ولی امرالله
به عنوان حارسان مدنیت جهانی امر الهی بود که در

۱۹۵۱ آغاز و در ۱۹۵۷ تکمیل گردید. تشکیل شورای بین المللی بهائی در مرکز جهانی امر هم که در سال ۱۹۵۱ به اداره هیکل مبارک تاسیس شد از تحولات مهم این دوره بود.

تکمیل بنای مقام مقدس اعلی ، ساختمان مراقد مقدسه علیا و ابداع قوس کرمل بدست توانای ولی امرالله را نیز باید از تحولات خطیر این دوره شمرد.

با طرح قوس کرمل مقدمات ترتیب طبقات کوه کرمل که آرزوی حضرت عبدالبهاء بود فراهم شد و منظر بدیع و توصیف زیبای حضرت عبدالبهاء در باره آینده کوه کرمل به تدریج وارد مرحله تحقق گردید.

همجواری مرکز روحانی و اداری امر الهی در مقاله پیشین مورد اشاره قرار گرفت. تردیدی نیست که روضه مبارکه حضرت بهاءالله در عکا مرکز روحانی امر الهی است ولی ممکن است این سؤال پیش آید که چگونه مقام مقدس اعلی علاوه بر عظمت روحانی ، مرکز اداری امر شمرده میشود. شاید یاد آوری روحیه خانم به فهم این نکته

کمک کند: " حضرت رب اعلی بودند که بشارت به ظهور نظم بدیع دادند. دیگر چه مناسبتی احسن و اعلی از اینکه ضریح مقدس خودشان مرکز روحانی و سرچشمه تقدیس و تبرک و الهام مؤسسات جهانی امر الهی گردد "

با انتقال اجساد مطهر ورقه مبارکه علیا در جوار آنها به بیان مبارک " قدم اول در سبیل استقرار مرکز اداری جامعه جهانی بهائی... برداشته شد "

بطوری که قبلا ذکر شد متأسفانه مقام منبع هیکل مبارک حضرت ولی امرالله آن طور که باید و شاید و شایسته مقامش هست شناخته نشده . در این قسمت مقاله ای راکه جناب مهرداد بشیری و بهمن نیک اندیش در معرفی شخصیت والای حضرتش نوشته اند و در مجله پیام بهائی شماره ۱۴۴ ص ۵ درج گردید برای حسن ختام قسمتی از آن را نقل میکنیم .

حضرت شوقی ربانی پس از صعود حضرت عبدالبهاء به موجب الواح مقدسه وصایا حضرت شوقی ربانی زمام امر الهی را در دست گرفتند و در پایان حیاتشان(۴نوامبر ۱۹۵۷مدت ۳۶سال جامعه بهائی را هدایت و رهبری فرمودند اما این سوال همواره مطرح است که آیا ما احبا هرگز توانستیم انطور که باید و شاید به مقام حضرت ولی امرالله پی ببریم و وجود مقدسش را بشناسیم؟

درخشش و تابش خیره کننده خورشید وجود حضرت عبدالبهاء آنچنان جامعه یار واغیار را مفتون و مجذوب خود ساخته بود که حتی سالها پس از صعود مبارک نام بهائی با نام عبدالبهاء یکسان و مرادف می

آمد .

تاریخ زندگانی حضرت عبدالبهاء که آغازش با این نهضت عظیم و اعلان امر حضرت اعلی توأم شده و در قهرمانی ها و حوادث گوناگون هفتاد سال اول امر تار و پود یافته بود، هزاران لوح که در سر تاسر عالم به افتخار یاران از قلم حضرتش نازل شده بود سفرهای مبارک به اروپا و آمریکا که جهان آن روز را پر طنین و آوازه ساخته بود ، خطابات و نطق هایشان در مجامع و محافل و انعکاس آن در روزنامه ها داستانهائی که زائرین از حیات آسمانی حضرتش نقل مینمودند همگی آنچنان هاله ای از تقدس و احترام و عشق و عظمت بر گرد شخصیت مبارکش به وجود آورده بود که حتی صعود به عالم بقا و گذشت سالیان طولانی نتوانست چیزی از عظمت و ابهت و زیبائی آن بکاهد . در این میان شوقی ربانی ولی عزیز امرالله چون غنچه ای پاک و معصوم از گلبن الواح مقدسه وصایا سر بر آورد وجود مبارکش در الواح وصایا از طرف حضرت عبدالبهاء " ابداع جوهره فریده عصماء " نام گرفت و بهائیان عالم به اطاعت از

حضرتش دعوت گردیدند این دعوت به قبول جان پذیرفته شد و جز معدودی بی وفایان تمامی احبا در شرق و غرب عالم حضرت شوقی ربانی را یگانه مرجع و مولای امر دانسته و با رهنمود های ایشان که در نقشه های تبلیغی ارائه میشد به تدریج نظم جهانی بهائی را به اینصورت که دیده میشود در چهار گوشه جهان بنا نموده بودند . اما شاید گزاف نباشد که گفته شود که این عشق و اطاعت بیشتر زاده تمسک به میثاق الهی و برآورده آرزوی حضرت عبدالبهاء بودو فقط معدودی توانستند آن طور که باید جوهر وجود شوقی ربانی را بشناسند،حقیقت الهی مکنون در ذات نورانی الهی او را درک نماید و موهبتی که " ثمره دو سدره رحمانیه " به عالم انسان عطا فرمود چنانکه باید در یابند علت این امر را باید در چند چیز جستجو کرد.

یکی این که حضرت ولی امرالله آن طور که در شرح احوالشان می خوانیم بشدت محبوب بودند و با فروتنی عمیق و ذاتی خود از هر نوع عملی که اندک شائبه تظاهر در آن یافت میشد شدیداً دوری می

جستند. دیگر اینکه گروه کثیری از بهائیان امروزی مخصوصا در جهان غرب کسانی هستند که پس از صعود حضرت ولی امرالله تصدیق امر را کرده و یا به دنیا آمده اند ، و یا بهائیان هستند که صعود هیکل مبارک در سنینی که آنان بسیار جوان بودند رخ داده است . تحرک و پویائی و گسترش امر در چند ده اخیر آنقدر شدید بوده که کمتر وقتی برای مطالع عمیق در حیات ایشان باقی گذارده است و میدانیم معمولا در کلاسهای تاریخ و یا مدارس تابستانه به تبعیت از دستورالعملی که حضرت ولی امرالله برای اداره چنین مدارسی صادر فرمودند بحث ها بیشتر به تاریخ حیات هیاکل مقدسه متمرکز است و تاریخ حیات ایشان کمتر مورد بحث قرار می گیرد

نکته سوم که بیشر برای ما بهائیان ایرانی مطرح است آنست که ما به آثار حضرت ولی امرالله آنطور که باید وشاید دسترس نداریم اهمیت و فوریت مطالعه آثار مقدسه نزولی آنقدر همواره شدید بوده است که کمتر کسی مطالعه مرتب و مداوم آثار مبارک حضرت ولی امرالله رامورد نظر قرار داده است.

خاصه آنکه برخی از مهمترین این توقیعات حضرت ولی امرالله به زبان انگلیسی و برای احبا غرب نازل گردیده و برخی از آنها یا هنوز ترجمه نشده و یا آنچه ترجمه شده سالها قبل انجام گرفته و نیازمند مرور و تجدید نظر و روانگردانی است در همین آثار است که عظمت فکر و اندیشه جهانگرا و فراگیر حضرت ولی امرالله که از بطن آیات و الواح الهی سرچشمه میگیرد در خلال مهیج ترین و زیباترین جملات نمایان میگردد در همین آثار است که وضع کنونی عالم به واضح ترین جملات پیش گویی میگردد، سر نوشت تمدن جهانی رقم زده میشود غلبه مادیات و افراط در بی دینی و لا ابالی گری فکری و هرج و مرج اخلاقی تشریح شده و سقوط کمونیسیم و ارتفاع پرچم الهی در مناطق روسیه پیش گویی میشود و سر انجام آینده جهان در ظل نظم جهان آرای انین حضرت بهاءالله ترسیم میگردد کمتر فردی از ما میتوانیم ادعا نمائیم که تمامی آثار و توقیعات حضرت ولی امرالله را از ابتدا تا انتهی مطالعه کرده ایم و اگر واقعا فکر کنیم میبینیم که وجود عزیزش هنوز برای ما ناشناخته مانده

است. این امر امروزه بیش از هر وقت دیگر مطرح است زیرا در هیچ اثر و یا نوشته دینی یا غیر دینی نمی توانیم آثاری مانند توقیعات عمومی مبارک حضرت ولی امرالله پیدا کنیم که توانسته باشد به این وضوح و روشنی وضع کنونی جهان و تحولاتی که در ماه های اخیر رخ داده در حدود نیم قرن قبل پیش بینی و تجزیه و تحلیل نموده باشد .

حضرت ولی امرالله وقتی زمام امر را بدست گرفتند که هنوز انفصال بین امر الهی و شرایع قبلی به وجود نیامده بود، هنوز قصر بهجی و بخشی از اماکن متبرکه در اختیار ناقضین بود ، محافل روحانی اینجا و آنجا تشکیل می شد ولی اساس و تشکیلاتی متین و جهانی وجود نداشت آثار مقدسه به زبان انگلیسی آنچنان که باید ترجمه نشده بود مقلم مقدس اعلی شامل قطعه زمینی کوچک و همان چند اتاقی بود که حضرت عبدالبهاء در زمان حیات علیرغم مخالفت های داخلی و خارجی بنا فرموده اند ، در هیچ کشوری امر رسمیت نیافته و برنامه ای تبلیغی برای توسعه و پیشرفت امر الهی جز الواح مبارکه فرامین تبلیغی

حضرت عبدالبهاء که صورت عام و کلی برای فتح روحانی کره ارض دارد وجود نداشت .

در هنگام صعود حضرت ولی امرالله وضع دیگر گونه بین امر الهی و ادیان قبلی انفصال کامل وجود داشت و کمتر کسی تردیدی در استقلال و جامعیت امر الهی مینمود . اراضی مقدسه به بهترین صورت آراسته و تزئین شده و از وجود ناقضین پاک شده بود ، صدها محافل روحانی محلی و ده ها محفل روحانی ملی در سراسر جهان شبکه ای قوی و منظم را که نظم جهان آرای حضرت بها الله در آن سریان یافته بود تشکیل میداد، آثار مقدسه مهمه توسط هیکل مبارک به زبان انگلیسی ترجمه شده و سوای ترجمه تاریخ نبیل به انگلیسی، کتاب تاریخ قرن بدیع گاد پاسزبای از خامه حضرتش جریان یافت و عالم بهائی به افتخار وصول صدها توقیع نائل شد که هر کدام باید تا قرنها دستور العمل جوامع بهائی در ایجاد نظم جهانی بهائی قرار گیرد مقام مقدس اعلی به زیبا ترین وجه ساخته شد و باغ های وسیع و زیبای اطراف آن بوجود آمد . بنای محفظه آثار به اتمام

رسید در بسیاری از کشورها امر مبارک به رسمیت شناخته شد و برنامه های مختلف تبلیغی هادی راه بهائیان جهان در سراسر جهان برای انتشار امر الهی گردید.

درست است که ساختمانهای مقدس اعلی و دارالانوار را مهندسين معمار طرح کردند اما حضرت ولی امرالله تمام جزئیات کار را زیر نظر داشتند، از سحرگاه همراه با کارگران بر سر بنا حاضر بودند محل آن ساختمان ها را در کوه کرمل به دقت تعیین میفرمودند ارتفاع دیوارها، طرح باغ های اطراف بناها ، نوع سنگ ها و رنگ آنها هیچ چیز از نظرشان دور نمی ماند تا آنکه ساختمان را به نحوی که مطلوبشان بود به پایان می آوردند در همین احوال مذاکره با دولت جدیدالتاسیس اسرائیل برای حفظ مصالح امر وقت زیادی از حضرتشان می گرفت . قصر مزرعه را که دولت تصمیم گرفته بود در آن سازمانی عمومی بسازند با کوشش فراوان به امر ملحق فرموده و تقدس آن ساختمان را که زمانی محل اقامت مظهر ظهور الهی بوده به اثبات رساندند و به

همین کیفیت در موردی که یک اماکن مقدسه در طی جریانی طولانی حاکمیت امر الهی را محرز داشتند ملاقات با زائرین و رسیدگی به پیشرفت های نقشه های مختلف که طرح فرموده بودند یکی دیگر از وظایفشان را تشکیل میداد. به شهادت همه آنها که با حضرتشان همکاری داشتند تنها چیزی که برق شعف در چشمان حضرتش می درخشاند اخبار فتح نقاط و تشکیل محافل بود و بر عکس غم انگیز ترین ایامشان وقتی بوده که خیر انحلال محفلی و یا انجام نشدن نقشه ای را میشنیدند در همه این احوال کار ترجمه و الواح و آثار مقدسه که هر یک شاهکارهایی از کار ترجمه است در کمال زیبایی و اتقان ادامه داشته و سوای آن سیل تلگرافها و توفیعات به سراسر عالم صادر میشده است. بدیهی است که در این مجهودات برخی از یاران در زمینه ها و مراحل گوناگون حضرت ولی امرالله را کمک مساعدت می نمودند. اما دست توانای حقیقی که گره گشا بود و کار از پیش میبرد دست حضرت ولی امرالله بود امروزه وقتی زائری به ارض اقدس میرود و آن همه جلال و شکوه

اراضی مقدسه را که به دست مبارک حضرت ولی امرالله خلق شده و نتیجه ۳۶ سال زحمات شبانه روزی ایشان است مشاهده می کنند در هیچ جا اسمی ، اثری و نشانی از حضرت ولی امرالله نمییابد حتی مرقد مبارکشان هزارها کیلو متر در قاره ای دیگر استقرار دارد در تمام دوران حیات هیچ گاه اجازه نفرمودند که کسی دست آوردهای ایشان را بستاید و یا حتی نام ببرد. اجازه نفرمودند کسی عکسی از ایشان داشته باشد ذیل توقیعات مبارکه و نامه ها را " بنده آستانش شوقی" و "یا " برادر حقیقی شما" امضاء فرمودند و از هر نام نشان دیگری در گذشتند . تأکید فرمودند که روز تولد و یا صعود ایشان مراسمی بر پا نگردد . زندگانی حضرتشان نمونه کامل محویت و فنا و خدمت خالصانه بود و سر مشقی گردیدند برای صد ها عاشقانشان که در میدانهای خدمت و تبلیغ در همان راه پویا رضای او را جویا هستند.

خصوصیات رفتاری حضرت ولی امرالله

- ۱- توجه به اهمیت مشورت
- ۲- محبت شدید نسبت به نفوس مخلصه
- ۳- نظم و ترتیب و انضباط در امور مختلفه
- ۴- صرفه جوئی و قناعت
- ۵- سحر خیزی
- ۶- اهمیت دادن به دعا به منظور کسب فتوحات در امر الهی
- ۷- راز داری
- ۸- عدالت و انصاف
- ۹- عزم و اراده و پشتکار و قاطعیت
- ۱۰- عدم توجه به ثروت عالم
- ۱۱- مساعدت و کمک به فقرا و محتاجین
- ۱۲- تشویق نفوس
- ۱۳- اعتدال
- ۱۴- مهمان نوازی
- ۱۵- وفاداری
- ۱۶- محویت و فنا و فداکاری

۱۷- اعتقاد به تقدیرات الهیه

۱۸- اهمیت دادن به خدمت

۱۹- شکستن سنن دور قبل

۲۰- صراحت

۲۱- استقامت در مقابل مصیبت و بلا

۲۲- گذشت از منافع شخصی و راحت و رفاه

خویش

۲۳- همت والا

۲۴- توجه به مبلغین و خادمین امر

۲۵- احترام به قوانین و رسوم دولتی و ولایه

امور

علاقی خاص هیکل مبارک

۱- مطالعه ۲- مکاتبه ۳- ورزش (کوهنوردی

– تنیس – پیاده روی – اسکی) ۴- گردش

در هوای پاک و محیط آرام ۵- عکاسی ۶-

نور ۷- ترجمه و نشر کتب و آثار امری

۸- اشیاء تزئینی ۹- نقاشی ۱۰- معماری

۱۱- موسیقی ۱۲- جمع آوری و بشارات

امری

خصوصیات هیکل مبارک در انجام امور

- ۱- انتخاب هدف مشخص و توجه تام به آن
- ۲- طرح نقشه و تکمیل آن در فکر
- ۳- حدت بصر و ابتکار عمل و دقت زیاد در امور
- ۴- سرعت در انجام امور
- ۵- قوه خلاقه و فعال
- ۶- بی اعتنائی به تقلید و رسوم منسوخه
- ۷- توجه به کلیه امور از جزئی تا کلی
- ۸- حفظ رابطه با قوای حاکمه کشوری
- ۹- خلاقیت فکری و ادبی
- ۱۰- عدم دخالت در جزئیات غیر لازم
- ۱۱- اطاعت از دولت
- ۱۲- رعایت حکمت
- ۱۳- عدم قبول تبرعات از ناقضین
- ۱۴- دقت در ترجمه آثار امری
- ۱۵- حفظ احصائیه امری

۱۶- توجه بانعقاد کنفرانسها ، مؤتمراتها و
نمایشگاههای خارجی

۱۷- ارتباط با جوامع و مؤسسات بین المللی

۱۸- حفظ و نگهداری مقامات متبرکه و توسیع و
تنظیم حدائق

۱۹- نحوه تصمیم گیری در امور مختلفه

۲۰- مدت زمان کار و نحوه انجام امور در شبانه
روز

۲۱- نحوه ارتباط با زائرین

در اوائل تابستان ۱۹۲۳ حضرت شوقی افندی از
حیفا هجرت اختیار فرمودند و برای حفظ صحت
خود و تسلی قلب یاران بکوههای سوئیس پناه
بردند و در حال تنهائی و انزوا در روح مبارک
خود تفحص نموده و با خالق یکتا مناجات
میفرمودند و در مضامین الواح وصایا و
دستورهای مبارک حضرت عبدالبهاء تعمق و دقت
مینمودند و بالاخره در ماه نوامبر همان سال
مراجعه فرمودند و در چهاردهم همان ماه در

توقیعی باحباب آمریکا سفر خود را غیبت اجباری
می نامند .

از شیم طلعات مقدسه در هر دوره ای این بوده
است که ایامی از حیات عنصری خویش را در
تجرد بسر می بردند . توقف حضرت موسی در
کوه طور ، حضرت محمد در غار حراء ،
حضرت رب اعلی در بوشهر و جمال اقدس ابھی
در کوههای سلیمانیه نمونه هایی از این تجرد و
انزوا بوده است .

برای اطلاع از شرح حال و خدمات هیكل مبارك
حضرت ولی امرالله به منابع زیر مراجعه شود

محاضرات جلد ۲ ص ۱۰۲۷

بهاءالله و عصر جدید ص ۳۸۶

نظر اجمالی در دیانت بهائی ص ۶۵-۱۸

بیان حقیقت ص ۲۱۹

اقلیم نور ص ۲۴۹

نورین نیرین ص ۲۶

گوهر یکتا

به یاد محبوب

اخبار امری سال ۳۸ شماره ۵ ص ۱۰

اخبار امری سال ۳۸ شماره ۱ ص ۳۵

اخبار امری سال ۳۸ شماره ۴ ص ۱۰۲

اخبار امری سال ۳۸ شماره ۹ ص ۲۶۹

اخبار امری سال ۳۸ شماره ۱۱ ص ۴۳۵

اخبار امری سال ۳۹ شماره ۱ ص ۵۰

آهنگ بدیع سال ۵ شماره ۱۴ ص ۳۰۱ و شماره ۲
ص ۴ و ۷

اسرار ربانی جلد ۱ ص ۲۷۹

خاطرات نه ساله عکا

آهنگ بدیع سال ۱ شماره ۱۳ ص ۳ و شماره ۱۴ ص
۷

آهنگ بدیع سال ۱۵ شماره ۸ صفحات ۲۸۴-۲۳۷-
۳۱۹

آهنگ بدیع سال ۴ شماره ۱ ص ۴

آهنگ بدیع سال ۱۸ شماره ۳ ص ۲۴

پیام بهائی شماره ۲۶۴ ص ۲۲ ص ۲۰

پیام بهائی شماره ۲۳۵ ص ۲۶ ص ۲۸

پیام بهائی شماره ۲۳۴ ص ۳۰

پیام بدیع سال ۲۱ شماره ۲۴۱ ص ۱۶

پیام بهائی شماره ۲۲۹ ص ۹

پیام بهائی شماره ۱۴۴ ص ۵

پیام بهائی شماره ۲۱۱ ص ۱۶

پیام بهائی شماره ۲۰۸ ص ۵

پیام بهائی شماره ۲۱۲ ص ۲۴

عندلیب سال ۳ شماره ۱۲ ص ۲۳ ص ۲۷ ص ۴۳

عندلیب سال ۱۸ شماره ۶۹ ص ۱۵

پیام بهائی شماره ۲۴۰ صفحات ۷-۱۲-۱۶

عندلیب سال ۹ شماره ۳۳ ص ۳۵

پیام بهائی شماره ۲۵۲ ص ۱۸

خاطرات حبیب جلد ۱ ص ۴۶۹

آهنگ بدیع سال ۲۹ شماره ۳۲۶ ص ۵۰

پیام بهائی شماره ۱۵۶

ایام تسعه ص ۴۵۰

آل الله ص ۲۳۶

نظر اجمالی در دیانت بهائی ص ۱۸ ص ۶۵

پیام بهائی شماره ۲۲۰ ص ۷

شرح صعود

شوقی افندی تالیف یوگوجیاگری

ولی امر محبوب تالیف جانسون

موسسه ایادی امرانه

چون اسامی شد عیان در دفتر اسماء حق

زین ایادی می توان امید بی مرداشتن

واجب آمد لاجرم بر جمله بهائیان

این ایادی را بجان سالار و سرورداشتن

دکتر امین الله مصباح

موسسه ایادی امرالله

نظم بدیع جهان آرای الهی که با تشکیلات وسیع و نظم خود پایه و اساس وحدت عالم انسانی را پی ریزی میکند روی اساس صحیح متینی بنا نهاده شده که سر مشق جوامع مختلف جهانی بوده و پیروان آن در امتثال احکام و اجرای اوامر نازل از سماء مشیت الهی مشارالبنان میباشد. یکی از ارکان دیانت مقدسه بهائی که در دیگر ادیان نبوده و ضمن ابتکاری بودن آن رل مهمی در تحقق آمال مقدسه جامعه اهل بها دارد تاسیس موسسه هیات ایادی است که بفرموده هیکل مبارک حارسان مدنیت جهانی بهائی که در مرحله جنینی است میباشد. در باره وجه تسمیه ایادی و انتخابشان حضرت عبدالبها جل اسمه الا عظم میفرمایند: (ایادی امر دستهای حقدن پس هر که ناصر و خادم کلمه الله است اوست دست حق)

و در لوح خطاب به محمد علی کاشانی میفرمایند: (از ایادی سوال نموده بودید ایادی نفوسی هستند که از قلم اعلی تعینشان صادر و یا از قلم عبدالبها باین

خطاب مخاطب و باین عنوان مشرف گشتند هر یک بر میثاق الهی ثابت این عنوان در حق او صادق (حضرت ولی امر الله ارواحنا فدا ه نیز در لوحی میفرمایند (علماء در این کور مقدس در یک مقام ایادی امر الله هستند.) در باره اهمیت مقام هیات مجلله ایادی همین بس که حضرت عبداللها در الواح وصایای مبارکه وظایف آنان را تعیین و ارزش وجودی آنان را ستوده اند . فرموده اند که (ایادی امر را باید ولی امر انتخاب نماید) با وضع حاضر که راه انتخاب ولی امر ثانی مسدود است در نتیجه انتخاب ایادی نیز غیر ممکن می باشد و این نفوس مقدسه ای که بعنوان ایادی امر انتخاب شده اند اولین و آخرین نفوس مبارکه ای هستند که باین عنوان پر افتخار متباهی شده اند. قبل از اینکه بتشریح وظایف این نفوس مقدسه پرداخته شود لازم به ذکر است که کلمه ایادی از ید بمعنی دست گرفته شده که ایدی جمع آن و ایادی جمع الجموع آنست و اینکه گاهی دیده میشود که ایادی را با (الف) و (نون) جمع بسته و ایادیان ذکر میکنند صحیح نیست زیرا کلمه ایادی

که خود جمع الجموع است دیگر نباید جمع بسته شود. باتوجه به بیان مبارک حضرت عبدالبهاء در مورد اینکه ایادی امرالله را باید ولی امرالله تسمیه نماید بالا خره در دسامبر ۱۹۵۱ بشارت تاسیس موسسه ایادی امرالله در عالم بهائی بشرح ذیل انتشار یافت (..... اکنون وقت آن رسیده که موضوعی که اضطرارا مدتی بتعویق افتاده بود بمرحله عمل درآید و ان تعیین ایادی امرالله بر طبق نصوص الواح وصایای حضرت عبدالبهاء است این مشروع جدید التاسیس حلقه اتصال دیگری برای تحکیم روابط مرکز دائم الا تساع بین المللی امرالله با جامعه پیروان اسم اعظم در سراسر عالم بهائی است و راه را برای مبادرت به اقدامات دیگر بمنظور تقویت اساس نظم اداری بهائی هموار میسازد.)

و در تلگراف مبارک مورخ ۵ آوریل ۱۹۵۴ در تبیین عظمت و اهمیت این مشروع عظیم چنین میفرماید "

(ظهور و پیشرفت موسسه ایادی امرالله در

سالهای اولیه عهد ثانی عصر تکوین دور بهائی
مایه شکرانه و سرور است این موسسه از طرف
شارع آئین الهی بدان اشاره شده و مرکز میثاق در
الواح وصایا آنرا رسماً تاسیس فرموده اند و بر
طبق نصوص مندرجه در الواح وصایا مذکور ارتباط
کامل با موسسه ولایت امرالله دارد و باید در میقات
معین تحت توجه و هدایت ولی امرالله دو وظیفه
مقدسه صیانت و انتشار امر حضرت بهاءالله را ایفا
نمایند خدماتی که حضرات ایادی امرالله مجتمعاً و یا
بالانفراد در مرکز جهانی امرالله و در اقالیم سائره
انجام داده اند مورد تمجید و تقدیر قلبی است کمک
و مساعدت ایادی امرالله در ارتفاع مقام مقدس
اعلی در جبل کرمل و تحکیم روابط با دولت جدید
التاسیس اسرائیل و توسعه موقوفات بین المللی در
ارض اقدس و اتخاذ تمهیدات اولیه برای تاسیس
مرکز جهانی بهائی و همچنین شرکت ایشان در
چهار کنفرانس متوالی بین القارات و مسافرتها
ممتده در اقالیم آفریقا در آمریکای شمالی و
مرکزی و جنوبی و قطعات اروپا آسیا و استرالیا

گزارشها و مورد تحسین موفور است. این هیات جدید التاسیس که در چنین موقعیت مبارکی بانجام وظیفه مبادرت نموده است اکنون وارد مرحله دوم تکامل و پیشرفت خود می‌گردد و با ایجاد روابط محکم با محافل ملیه در سراسر عالم آن محافل را در وصول باهدف نقشه دهساله کمک و مساعدت مینمایند..... ایادی امرالله در هر قاره نیز بنوبه خود موظفند با محافل روحانیه ملیه قاره تماس نزدیک داشته نتیجه انتخابات و پیشرفت خدمات هیاتهای معاونت را بااطلاع محافل مذکوره و همچنین چهار ایادی که در ارض اقدس مقیم و رابط بین ایادی و ولی امرالله میباشند برسانند.)

حضرت ولی محبوب امرالله در تلگراف مورخ اکتبر ۱۹۵۷ چنین میفرمایند: " مؤسسه ایادی امرالله که به اراده قاطعه الهیه تاسیس گردیده بموجب اختیارات منصوصه در الواح وصایای حضرت عبدالبهاء دارای دو وظیفه اصلی صیانت و ترویج امرالله میباشد سپس دایره خدمات وظایف مقدسه این مؤسسه فحیمه را منبسط ساخته و میفرمایند: وظیفه مهم و

اساسی مراقبت و صیانت جامعه بهائی با همکاری و اشتراک مساعی نزدیک با همان محافل روحانیه ملیه من باب سابقه آن هیئت اضافه میگردد." بیت العدل اعظم الهی در خصوص وظیفه حیاتی مؤسسه ایادی امرالله چنین میفرمایند:

" مؤسسه فخیمه ایادی امرالله که طبق نصوص مقدسه وظایف معینه صیانت و ترویج امرالله بعهده آن عصبه جلیله تفویض گشته دارای مسئولیت حیاتی مخصوصه ای است که باید ایفا نماید.

حضرت ولی محبوب امرالله در تاریخ ۴ نوامبر ۱۹۳۱ چنین فرموده اند: در این دور مقدس علما از یک جهت ایادیان امرالله و از جهت دیگر مبلغان و ناشران تعالیم الهیه هستند کسانی که همطراز ایادیان نبوده اما در میادین تبلیغ امرالله مقام و مرتبتی عالی و برجسته کسب کرده اند.

" ایادیان امرالله در این دور مبارک وراثت اسم و لقبی نیستند بلکه نفوس مقدسه ای هستند که اشعه تقدیس و روحانیتشان اذهان خلق را منور میسازد قلوب به جمال اخلاق و خلوص نیات و حس عدالت

و انصاف آنان مجذوب است و نفوس به اخلاق
ممدوحه و خصائص مقبوله اشان محسور و وجوه
خود بخود به سمت آثار باهره و علائم ظاهره شان
متوجه . این لقبی نیست که برای خشنودی کسی به
او اعطا گردد بلکه سند افتخاری است که بر روی
آن هر کسی بخواهد جلوس مینماید. ایادیان امر
ایادیان رحمن هستند لهذا هر کسی که بنده کلمه الله و
رافع آن است او ایادی خداوند است مقصد روح کلمه
است و نه حروف و شکل آن هر چند نفسی در امر
الهی محویت و فنا ی بیشتری حاصل کند تایید و
توفیق بیشتری نصیبش خواهد شد و هر چقدر
خضوع و خشوع افزونتری کسب کند به خداوند
بزرگ نزدیکتر خواهد گشت.

ایادی انتخاباتی زمان حضرت ولی امرالله ۳۲ نفر
میباشند همچنین عده ای از دانشمندان و مبلغین و
مهاجرین نیز در نتیجه فعالیت‌های تبلیغی و خدمات
ارزنده ایکه در ایام حیات از خود بروز داده اند پس
از صعودشان مشمول فضل و عنایت حضرت ولی
امرالله شده به لقب پر افتخار ایادی مفتخر شده اند
لازم شد که نام آنان نیز برای ضبط در تاریخ در این
کتاب ثبت شود تا آنجا که این عبد تحقیق نموده است
تعداد حضرات ایادی ۴۹ نفر است

ایادی زمان حضرت بهاءالله چهار نفر است :

۱- ملا علی اکبر شهمیرزادی (حاجی آخوند)

۲- میرزا محمد علی بن اصدق خراسانی

(ابن اصدق)

۳- میرزا محمد تقی ابهری (ابن ابهر)

۴- میرزا حسن طالقانی (ادیب العلماء)

در زمان حضرت عبداله‌بهاء کسی رسماً بعنوان
ایادی تعیین نشد ولی چهار نفر باین لقب مفتخر
شده اند

- ۱- آقا محمد قائمی ملقب به (نبیل اکبر)
 - ۲- ملا صادق مقدس خراسانی ملقب به (اسم الله
اصدق)
 - ۳- شیخ محمد رضا یزدی
 - ۴- آقا میرزا علی محمد ورقای شهید
- در زمان حضرت ولی امرالله ضمن صدور تلگراف
منبع مورخ ۲۴ دسامبر ۱۹۵۱ دوازده نفر نفوس
مقدسه از شرق و غرب عالم بشرح ذیل انتخاب
گردیدند

۱-جناب ویلیام سادرلند ماکسول

۲- چارلز میسن ریمی

۳- امة الله املیا کالینز

۴- جناب ولی الله ورقا

۵- جناب علی اکبر فروتن

۶- جناب لروی ایواس از امریکا

۷- جناب طراز الله سمندری

۸- جناب هوراس هولی

۹- امة الله دروتی بیکر

۱۰- جناب یوگو جیا گری

۱۱- جناب جرج تاونزند

۱۲- دکتور هرمان گروسمن

در فوریه سال ۱۹۵۲ هفت نفر دیگر بشرح ذیل باین
سمت برگزیده شدند

۱- جناب فرد شافلاخر

۲- امة الله کورین ترو

۳- جناب ذکرالله خادم

۴- جناب شعاع الله علانی

۵- جناب ادلبر مولشگل

۶- جناب موسی بنانی

۷- امة الله کلارا دان

وبالآخره در اکتبر سال ۱۹۵۷ ضمن تفویض وظیفه
خطیره حفظ وصیانت جامعه به هیات مجله ایادی
۸ نفر دیگر را به این شرح انتخاب فرمودند

۱- جناب ایناک اولینگا

۲- جناب ویلیام سیرز

۳- جناب جان ربارتس

۴- جناب حسن موقرافنان بالیوزی

۵- جناب جان فرابی

۶- جناب کالیس فدرستون

۷- جناب دکتر رحمت الله مهاجر

۸- جناب ابو القاسم فیضی

از این ۲۷ نفر ایادی ۵ نفر از آنان در زمان حیات
هیکل مبارک صعود فرمودند که عبارتند از :

۱- جناب ماکسول

۲- جناب جرج تاونزند

۳- جناب ولی الله ورقا

۴- امة الله دروتی بیکر

۵- جناب فرد شافلا خر

هیكل مبارك بعد از صعود این ۵ نفر ۵ نفر دیگر را
بجای آنها بدین ترتیب انتخاب فرمودند:

۱- امة الیها حضرت روحیه خانم

۲- جناب دکتر علی محمد ورقا

۳- جناب سرهنگ جلال خاضع

۴- جناب پل هنی

۵- امة الله اگنس الکساندر

از ۲۷ نفر ایادی فوق ۴ نفر آنان پس از صعود هیكل
مبارک و پس از انجام خدمات پر ارج در ایام حیات
خود بملکوت ابهی صعود فرمودند که عبارتند از:

۱- جناب هوراس هولی

۲- جناب لروی ایواس

۳- امة الله كلارا دان

۴- امة الله امليا كالينز

و یکی از آنها (چارلز مسین ریمی) نیز بواسطه انحراف و بیوفائی نسبت به نصوص و اظهار ادعاهای بی اساس و واهی از جمع ایادی و جامعه امر طرد شدطبق بیان مبارک حضرت ولی عزیز امرالله این حضرات ایادی از ۵ قاره عالم و از نژاد سیاه و سفید هر دو انتخاب شده اند و نسبت آنان به سه دین بزرگ عالم یعنی یهودی و مسیحی و اسلام میرسد و این خود رمزی از وحدت اصلیه ایست که در جامعه بین المللی بهائی موجود میباشد.

اما گذشته از نفوس مقدسه ایکه ذکر شدند عده ای هم بعد از صعودشان بواسطه خدمات درخشانی که انجام داده باین لقب پر افتخار ملقب گردیده اند و حضرت ولی امرالله در تلگرافاتی که بعد از صعود آنان مخابره فرمود و بصرف فضل آنها را در زمره ایادی امرالله محسوب فرمودند که عبارتند از:

۱- جناب سید مصطفی رومی

۲- جناب میرزا عبد الله مطلق

۳- جناب محمد تقی اصفهانی

۴- دکتر جان ابنزر اسلومنت

۵- امة الله میس مارثاروت

۶- امة الله میس کهلر

۷- جناب لوئی گریگوری

۸- جناب روی . نی ویلهم

۹- عبدالجلیل بیگ سعد

۱۰- میرزا آقا افنان

۱۲- ابو الحسن اردکانی

۱۳- هانری دون

۱۴- کلارا دان

شرح حال تعدادی از حضرات ایادی در اخبار امری
و آهنگ بدیع و مصابیح هدایت و تذکره الوفا آمده و

درباره بعضی کتب مستقلی تدوین و تالیف گشته مانند
شرح حال دکتر مهاجر و طراز الهی و موسسه ایادی
و میس مارثاروت و خانم ملکوت و خاطرات جناب
فیضی به نام فاتح دلها و چند کتاب دیگر .

لوح مبارک جمال قدم جل اسمہ اعظم در بارہ ایادی
امرالله

" قَدْ بَنَى بِمَشِيَّتِهِ النَّاظِرَةَ بِبَيْتِ امْرِئِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي تَالِبٍ وَ
اسْطَقَسَ التَّبْيَانَ خَلَقَ لَهُ حِفَافًا وَ حِرَاسًا لِيَحْفَظُوهُ مِنْ
كُلِّ خَائِنٍ غَافِلٍ وَ مُتَكَلِّمٍ جَاهِلٍ وَ هُمُ الَّذِينَ لَا يَتَجَاوَزُونَ
عَمَّا أَنْزَلَهُ اللَّهُ فِي الْكِتَابِ وَ لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا بِمَا أُذِنَ لَهُمْ
فِي الْمَأْتَبِ وَ شَهِدَ أَنَّهُمْ أَيَادِي امْرِئِ فِي الْوَرَى وَ
مَصَابِيحَ هِدَايَتِهِ بَيْنَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ وَ هُمُ الْقَائِمُونَ
لَدَى بَابِهِوَ يُطْرَدُونَ لَمْ يَكُنْ أَهْلًا لِلدُّخُولِ إِلَى فَنَائِهِ لَا
إِلَّا إِلَى هُوَ الْحَاكِمُ الْمُرَّ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ."

مضمون بیان مبارک به فارسی چنین است : خداوند
به مشیت نافذ خود خانه امرش را بر اساس بیان و
جوهر تبیان بنا فرموده و حافظین و حارسین و
نگهبانانی خلق کرده تا آن خانه را از هر خائن غافل
و از گوینده جاهل حفظ کنند و آن حراس و نگهبانان
کسانی هستند که از آنچه خداوند در کتاب خود نازل
فرموده تجاوز نمیکنند و حرفی نمی زنند مگر آنچه
خداوند اذن داده است و خداوند شهادت داده است که
آنان ایادی امر او هستند در میان مردم و چراغهای

هدایت او هستند میان زمین و آسمان و آنان در آستانه
او ایستاده اند و کسی را لایق دخول به آستانه او نباشد
طرد میکنند . نیست خدائی مگر او که حاکم است و
امر و دانا و آگاه "

ارکان نظم بدیع - صفحه ۸۶

(استخراج از کتاب راهنمای محافل روحانیه)

نصوص مبارکه در اهمیت مقام حضرات ایادی
حضرت بهاءالله در لوح دنیا میفرمایند :

(النور والبهاء و تكبير و الثناء على ايدى امرهالذين
بهم اشرق نورالضطبار و ثبت حكم الخيار لله امقتدر
العزیزالمختار و بهم ماج بحرالعطا و هاج عرف
عنايته الله مولى الورى نسءله تعالى ان يحفظهو
بجنوده و يحرسهم يسلطانه و ينصرهم بقدرته التى
غلبت الاشياء الملك لله فاطر السماء و مالك ملكوت
الاسماء....)

در کتاب اشراقات میفرماید (البهاء و التكبير على
ايادى امره بين عبادى الذين جعلتهم تراجمه و حيه و
ما انزله فى الكتاب و بهم ماج بحرالعرفان بين الديان

و اشرق نیرالعلم من افق لامکان و اضانت بنوره
آفاق و اهتزت به افنده العشاق فی یوم میثاق)

هو الله

(ایادی امرالله که ثابت بر عهد و میثاقند سرج آفاقند
چون امری را قرار دهند اطاعت و انقیاد فرض است
و اطاعت آنان موجب اتحاد و الفت و یگانگی دوستان
زنهار مخالفت و مابینت ننمائید. ع ع) (این
بیان مبارک از اخبار امری سال ۴۲ شماره ۱۲۰ نقل
شده است)

حضرت عبدالبهاء در لوحی که در مکاتیب عبدالبهاء
جلد ۴ صفحه ۱۰ مندرج است میفرمایند (ایادی
امرالله چون سراج نورانیه در هر امری قراری دهند
و اتفاق نمایند یا اکثریت حاصل گردد کل باید اطاعت
و انقیاد کنند..... ع ع)

در لوح ادیب ایادی (میرزا حسن طالقانی ملقب به
ادیب العلماء که در مائده آسمانی جلد نهم صفحه ۳۹
مندرج است) میفرمایند:

(وظائف اصلیه ایادی امرالله تأ لیف کتب مفیده و

رسائل بدیعه در اثبات الوهیت و وحدانیت و حقیقت
مظاهر مقدسه است علی الخصوص در این ایام بقواعد
فلسفی و طبیعی و دلائل عقلی و براهین منطقی زیرا
اکثر اهل عالم از منقول دور و بمعقول متشبث و مقتنع
و مسرور باری تا توانید براهین قاطعه و دلائل
واضح عقلی و نقلی بر اثبات الوهیت و وحدانیت
الهی و حقیقت مظاهر مقدسه سبحانی نمائید..... ع ع
در کتاب بدایع الآثار جلد اول میفرمایند:

یکی از خدام در باره رؤسا و ایادی پرسید فرمودند
(جمالبارک ریشه اوهام را کند ایادی امر در این
ظهور باسم و لقب وارث نیستند بلکه نفوس مقدسه ای
هستند که آثار تقدیس و روحانیتشان در قلوب نفوس
ظاهر شود و دلها بحسن و نیت و عدالت و انصافشان
مجنوب گردد نفوس خود شیفته اخلاق ممدوحه و
صفات مرضیه آنها شود وجود خود متوجه شیم و آثار
باهر ایشان گردد نه لقبی است که بهر که خواهد
بدهند نه سندی است که هر که بخواهد وارث شود
ایادی امر دستهای حقتد پس هرکه ناصر و خادم کلمه
الله است او دست حق است مراد این معنی است نه

لفظ و عبارت هر کس فانی تر است در امرالله مؤید
تر است و هر کس خاضع تر مقربتر..... ع ع (ع
حضرات ولی امرالله جل سلطانه در لوح جناب بدیع
الله آگاه مورخ ۴ نوامبر ۱۹۳۱ راجع به تبیین کلمه
علماء فی البها در الواح نازله میفرمایند قوله الاحلی :
(علماء در این کور مقدس در یک مقام ایادی امرالله و
در مقام دیگر مبلغین و ناشرین امر که در سلک ایادی
نباشند ولی رتبه اولی را در تبلیغ حائز....) (این
توقیع مبارک در گنجینه حدود و احکام صفحه ۲۵۳
نقل شده)

بیت العدل اعظم در پیام مورخ اکتبر ۱۹۶۳
میفرمایند: علمدار جهاد نه ساله آینده ،حضرات ایادی
امرالله اند و مسئول اداره و اجرایش محافل ملیه .

بیت العدل اعظم در این باره می فرمایند:

" از عموم ایادی امرالله و محافل ملیه در هر یک از قارات خمه عالم رجا دارد که از این تاریخ تماس مستقیم بین خویش بر قرار و در هر موقع که ممکن شود و از هر فرصت که بدست آید استفاده نموده بمبادله راپورتهای واصله از طرف هیئت های معاونت و لجنه های ملیه پردازند و یا مراقبت و هشیاری تام وظائف مقدسه حتمیه خویش را بکمال همت و فداکاری انجام دهند صیانت امر عزیز الهی و حفاظ صحت روحانی جامعه و قدرت ایمان و ایقان افراد انجام صحیح وظائف مؤسسات امریه که بکمال متانت تأسیس یافته و حصول نتیجه و ثمر نهائی مجهودات و مشروعات جهانی و وصول امرالله بذروه اعتلا و ترقی که در الواح الهی مقدور و مقرر گشته کل بنحو مستقیم موکول و منوط بانست که مسئولیت های سنگینی که حال بهمه اعضای این دو مؤسسه که بعد از مؤسسه ولایت امرالله اعلی و اشرف مقامات روحانیه را در سلسله مراتب اداری نظم جهان آرای حضرت بهاءالله حائز میباشد بنحو احسن انجام گردد..

بیت العدل در پیام نوروز ۱۳۱ بدیع در اهمیت و استمرار خدمات این عصبه جلیله میفرمایند :

مؤسسه فخریه ایادی امرالله علی الخصوص حال که با تأسیس دارا لتبلیغ بین المللی قوت بیشتری یافته مشوق و هادی و معین یاران الهی در جمیع مراتب فردی و محلی و ملی خواهند بود . تأسیس این مرکز عظیم سبب تحقق هدفی شد که تقریباً دهسال قبل بعالم اعلان گردید و تدابیری اتخاذ شد که اجراء دو وظیفه منصوصه صیانت و تبلیغ امرالله که از وظایف خاصه حضرات ایادی امرالله است به آینده انتقال یابد و بدین ترتیب روح محبت و هدایت و معاضدت حضرات ایادی امرالله از طریق دارا لتبلیغ بین المللی که عهده دار نظارت و ارتباط خدمات حضرات مشاورین در سراسر عالمند بوسیله مشاورین و معاونین و مساعدین در هیکل جامعه بهائی نافذ گردد و این عصبه جلیله که حارسین جامعه بهائی جنین حضرت بهاءالله هستند جامعه دائم الاتساع بهائی را اطمینان بخشیده اند که همواره طالب سعادت حقیقیه یاران و در فکر اکمال فضائل معنویه و مشوق روحانی ایشانند که یکی از

وظائف ان عصبه جلیله محسوب است.

اختیار طرد و عفو ، توسط ایادیان امرالله اعمال و در هر مورد به تصویب نهائی بیت العدل اعظم احاله میگردد. هنگامیکه یکی از اعضاء هیأت مشاورین قاره ای اولین علائم نقض میثاق را احصاء نمایند. مسئله باید بدون درنگ گزارش گردد. یک نسخه از گزارش باید به ایادیان مقیم ارض اقدس و نیز سایر اعضاء هیأت مشاورین ارسال گردد. اگر کسی از ایادیان امرالله در منطقه حضور نداشته باشد گزارش باید برای ایادیان مقیم ارض اقدس ارسال شود یک نسخه نیز باید به جهت سایر اعضاء هیأت ارسال گردد در هر دو مورد ایادیان مقیم ارض اقدس مسئله را مورد رسیدگی قرار خواهند داد چنین گزارشهایی باید محتوی جزئیات کامل اقدامات معموله تا آن لحظه باشد. عفو و اعاده ناقضین میثاق نیز باید مراحل را طی نماید.

" ایادیان امرالله دارای این تعهد و امتیاز هستند که با هیأتهای مشاورین قاره ای و محافل روحانی ملی راجع به هر موضوعی که بنظرشان مصالح و منافع

امراالله را تحت تأثیر قرار میدهد مشورت نمایند.
بیت العدل اعظم از آنان تقاضا خواهد کرد ماموریت
های مخصوصی را از جانب این هیأت تقبل نمایند و
به نمایندگی آن در مسائل دنیای بهائی و غیر آن اقدام
کنند و این هیأت را از مصالح خیریه امراالله مطلع
سازند ... آنان بطور افزاینده ای در سطحی جهانی
عمل خواهند کرد عاملی که نیروی محرکه عظیمه ای
از الهامات روحانیه جا ریه در این نفوس مقدسه
،حراس اتحادیه جهانی حضرت بهاءالله در دنیای
بهائی افاضه و آزاد خواهد کرد."

" مقام و منزلت متعالی و وظائف و مسئولیتهای
مخصوص ایادیان امراالله این امر را برای آنان
نامتناسب و ناهمگون میسازد که بعنوان عضو
مؤسسات اداری انتخاب و یا انتصاب شوند و یا بنام
نماینده برای شرکت در کانونشنهای ملی تعیین گردند
. این تقاضای آنان و نیز خواهش بیت العدل اعظم
است که این نفوس مقدسه آزاد باشند تا کلیه توانائیهای
خود را به وظائف حیاتییه مهمه محول به آنان در آثار
الهییه و نصوص مبارکه اختصاص دهند.)

مقام و منزلت ایادیان امرالله فوق مقامات محافل روحانیه ملیه است ، لهذا در مکاتبات راجع به ایادیان وقتیکه اشاراتی به مؤسسات امرالله میشود ، بعد از ذکر ولایت امرالله و بیت العدل اعظم الهی، باید ایادیان و بعد از آن محافل و تشکیلات ملی ذکر گردد.

" اکنون زمان برای تأسیس دارالتبلیغ بین المللی بسیار مساعد و مناسب است اقدام و توسعه ای که همزمان ، هم کار و فعالیت ایادیان مقیم ارض اقدس را به ثمر و نتیجه خواهد رساند و هم امکان توسعه و گسترش آن را به آینده فراهم خواهد آورد . همچنین مؤسسه مشاورین قاره ای را نزدیکتر و صمیمانه تر با ایادیان امرالله مرتبط و متصل کرده و انجام مسئولیتهای سریع التزاید بیت العدل اعظم را نیز قدرتمندانه تقویت مینماید.

یکی از اقدامات تاریخی حارسان مدنیت الهی ، حضرات ایادی امرالله مبارزه با ناقضین عهد و میثاق و مخالفین امرالله و تحصیل فتح و ظفر نمایان بود. زیرا به مناسبت صعود مولای اهل بهاء حضرت ولی امرالله مخالفین امر الهی خوشحال شده به جنب

وجوش آمدند و به زعم باطل خود گمان کردند که بهائیان پیشوای پیشوای عظیم الشان خود را از دست داده و بدون سرپرست مانده اند، حال نوبت ایشان است قیام کرده امر الهی را ریشه کن کنند ولی خُدام برگزیده جامعه جهانی بهائی و حارسان مدنیت الهی یعنی حضرات ایادی با از خود گذشتگی بی نظیر و در پشت سر آنان ، محافل مقدسه ملّیه و محلّیه و کلیه تشکیلات و تأسیسات امریه و جمیع افراد اهل بها از مهاجر و مقیم در سراسر عالم با ایمان راسخ شجاعانه و عاشقانه برای محافظت امرالله و اجرای کلیه اهداف نقشه بدیعه دهساله جهاد کبیر اکبر قیام نمودند و بر خلاف نظر ناقضین در باقیمانده مدت نقشه ده ساله ، کلیه اهداف نقشه جهاد کبیر اکبر را بموقع اجرا گذاشتند و حارسان مدنیت الهی در رضوان ۱۹۶۳ - اختتام مدت نقشه دهساله- از اعضاء ۵۶ محفل مقدس روحانیه ملّیه دعوت کردند که در ارض اقدس اجتماع کرده طبق نصوص مبارکه به انتخاب اولین بیت العدل اعظم اقدام کنند.

نعمتی که نصیب جامعه بهائی شده و در ادیان گذشته سابقه ندارد وجود همین وجودات مقدسه ، حضرت ایادی امرالله است که هستی و وجود و اراده خود را در پیشگاه امر الهی فراموش و محو کرده ، فقط و فقط مصالح امرالله را نصب العین خود قرار دادند و به همین قصد و نیت مقدس، مقارن انتخاب بیت العدل اعظم از نمایندگان جامعه بهائی خواهش کردند که آنان را از انتخاب عضویت بیت العدل اعظم معاف دارند و بگذارند ایشان پس از انتخاب بیت العدل اعظم با هدایت آن مقام معصوم به انجام همان وظایف مقدسه صیانت امرالله و نشر نفحات الله که حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا و حضرت ولی امرالله در توفیعات مبارکه اش تعیین فرموده اند، ادامه دهند.

در باره اهمیت هیات ایادی ووظایف خطیره شان در الواح مبارکه وصایای حضرت عبدالبها در چند جا اشاره شده است از جمله در اول الواح وصایا پس از ذکر مصائب حاصله از اعمال ناقضین و تبیین مقام ولایت امر در باره ایادی امر چنین میفرمایند قوله احلی (و علی ایادی امر الله الذی نشروا نفحات الله ونطقوا بحجج الله و بلغوا دین الله و روجوا شریعت الله وانقطوا عن غیر الله و زهدوا فی الدنیا واجبوا نیران محبة الله بین الظلوع و الاحشأ من عباد الله) و در جای دیگر آنها را بنشر نفحات الله و تبلیغ امرالله وصیت مینماید و توجه ایشان را به بفرع دو سدره که از دو شجره مقدسه رحمانیه انبات شده و از اقتران دو فرع دوحه رحمانیه بو جود آمده یعنی شوقی افندی جلب مینمایند و حضرت ایشان را مرجع جمیع افنان و اغصان و ایادی و احباً الله معرفی مینمایند و کمال اطاعت و تمکین و انقیاد و توجه و خضوع و خشوع را نسبت بشخص ایشان خواهانند و در اهمیت وظایف آنان همین بس که می فرمایند ((مقصود اینستکه ایادی امرالله باید بیدار باشند بمحض آنکه نفسی بنای

اعتراض و مخالفت با ولی امرالله گذاشت فوراً آن شخص را اخراج از جمع اهل بها نمایند و ابداً بهانه ای از او قبول ننمایند)) و در جای دیگر تصدیق من هو بعده را نیز به هیأتی از ایادی و امی گذارند و ایادی امر باید ولی امر بعد را تصدیق نماید چنانچه می فرمایند: ((ایادی امرالله از نفس جمعیت خویش ۹ نفر را انتخاب و همیشه بخدمات مهمه ولی امرالله مشغول باشند و انتخاب این ۹ نفر یا باید باتفاق مجمع ایادی و یا باکثرت آراء تحقق یابد و این ۹ نفر باتفاق و یا باکثرت یابد غصن منتخب را که ولی امرالله تعیین بعد از خود نماید تصدیق نمایند.)

هیأت ایادی در تحت توجهات مستقیم ولی امرالله باجرای وظایف خطیره خود میپردازند حضرت عبدالبها در این باره در الواح مبارکه وصایا چنین میفرمایند: (و این مجمع ایادی در تحت اداره ولی امرالله است که باید آنان را دایماً بسعی و کوشش و جهد در نشر نفعات و هدایت من علی الارض بگمارد.) حضرت ولی امرالله در باره اهمیت موسسه ایادی در پیام مورخ ۴ جون ۱۹۵۷ چنین میفرمایند:»

موسسه ایادی امرالله که تاسیسی الهی و بموجب الواح وصایای مرکز عهد و پیمان رحمانی دو وظیفه خطیر و مهم صیانت و تبلیغ امر حضرت بهاءالله را عهده دار میباشد اکنون در سبیل انجام وظایف مقدسه خویش وارد مرحله جدیدی گردیده و علاوه بر مسؤلیت قطعی و مسلمی که اخیرا نسبت بمعاضدت و مساعدت محافل روحانیه ملیه عالم بهایی در اجرای سریع سه جهاد روحانی به آن موسسه محول شده از این سه وظیفه حفظ و صیانت جامعه بهائی عالم را نیز با همکاری نزدیک و مستمر همان محافل ملیه عهده دار خواهد بود در چنین موقعیت خطیر و حساس باید ایادی امرالله در قارات خمرسه و نمایندگان منتخب جامعه های ملی بهائی در سراسر عالم ارتباط و همکاری نزدیکتر مبذول دارند و با اقدامات حکیمانه و موثر خویش نقشه های خائنانه اعدا را بر هم زده و جامعه پیروان امر را از مکائد این قوم پر لوم صیانت و از بسط و انتشار مقاصد سوء آنان جلو گیری نمایند. و در پیام اکتبر ۱۹۵۷ یعنی فقط ۳۰ روز قبل از واقعه هائله صعود جانگدازشان

میفرمایند: پیشرفتی چنین حیرت انگیز در میدانی چنین وسیع که در مدتی کوتاه بدست عده ای قلیل از نفوس دلیر بحصول پیوسته سزاوار و در واقع مستلزم آنستکه در این مرحله از تکامل جهاد دهساله با اعلان قدم دیگری در توسعه تدریجی یکی از موسسات اصلی و مرکزی که منصوص قلم اعلی و با الواح مقدسه وصایای حضرت عبدالیه است تجلیل گردد بدین معنی که با تعیین عده دیگری از ایادیان امرالله عدد حارسان مدنیت جهانی حضرت بهاءالله که در مرحله جنین است و بنص کلک اطهر مرکز میثاق وظایف دو گانه صیانت امرالله و تأمین و نشر و تبلیغ دین الله بآنان محول گشته به سه دفعه ۹ افزایش یابد....) در ضمن همین پیام منیع مهیمن بود که هیکل مبارک ۸ نفر بر تعداد ایادی امرالله افزوده و چنین میفرمایند. " (اضافه شدن این عده بجمع صاحب منصبان عالی رتبه نظم سریع التکامل اداری جهانی که در عین حال متضمن توسعه بیشتر موسسه عظیم الشان ایادی امرالله است و نظر باینکه ایادی امرالله اخیرا عهده دار مسئولیت مقدس صیانت امرالله نیز

گشته اند مستلزم آنستکه ایادی جداگانه در هر قاره یک هیات معاونت که عده اعضاء آن برابر با عده اعضای هیات معاونت کنونی باشد تعیین نماید. این هیات که عده دار وظیفه خاص مراقبت در حفظ و صیانت امر الهی خواهد بود مکمل هیات اولی است که وظیفه آن از این پس منحصرا موقوف به معاونت و بمعاضدت در اجرای نقشه دهساله است.)

نحوه بیان در این پیام ژوئن ۱۹۵۷ آنچنان موکد و پرشور است که نفوسی که پیام را در آن زمان زیارت کردند احساس نمودند که گویی حضرت ولی امرالله با جمیع ما وداع می کنند ، زیرا زمانی فرا رسیده بود که دو موسسه مزبور با یکدیگر فعالیت کنند ، زیرا سرنوشت غایی امر مبارک اکنون در دست آنان بود . بیت العدل اعظم الهی نیز در پیام منیع مورخ اکتبر ۱۹۶۳ حضرات ایادی را علمداران جهاد نقشه عظیمه ۹ساله دانسته و وظایف آنان را چنین تشریح نموده اند...حضرات ایادی امرالله در دائره محافظه امرالله حسب الوظيفه امر طرد و رد ناقضین و نیز قبول مطرود ینی که قلبا نادم و تائب شده اند اقدام مینمایند

و نتیجه اقداماتشان در هر مورد مشروط بتصویب
بیت العدل اعظم است همچنین ایادی امرالله در دائره
تبلیغ بوظائفی که در زمان حیات مبارک حضرت ولی
امرالله داشته اند مداومت خواهند داد یعنی با محافل
ملیه مشاوره کرده آنها را در اجرای وظائفشان
تشویق و معاضدت میفرمایند و در این سبیل اعضا
هیات معاونت ایادی امرالله آن عصبه جلیله را بر
وفق وظایفی که در زمان حیات مبارک جهت معاونین
ایادی تعیین شده مساعد خواهند نمود.))

بیت العدل اعظم در اهمیت و لزوم تشکیل موسسه
ایادی می فرمایند :

حضرات ایادی امرالله یکی از پر ازج ترین سرمایه
ای هستند که جامعه بهائی دارا است با فراغت از
اداره هیئت های معاونت اینک می توانند قوای خود
را در جهت اجراء مسئولیت های اساسی خود یعنی
صیانت و تبلیغ امرالله حفظ سلامت روحانی جوامع
بهائی و تقویت بنیه ایمانی یاران در سراسر عالم
مصروف دارند . بیت العدل اعظم از آنان خواهد
خواست تا بالنیابه ماموریت هائی را به عهده گیرند و
در انجمن ها و کنفرانسها و سایر موارد به نمایندگی
شرکت کنند و نیز بیت العدل اعظم را جهت بهبود
اوضاع امریه مطلع سازند . حضرات ایادی امرالله در
حالیکه طبیعتا به امور امریه مناطقی که در آن مقیمند
توجه دارند ولی به طور روز افزون انجام وظایف
خود را به یک سطح جهانی بسط خواهند داد زیرا این
عاملی خواهد بود تا الهامات روحانیه از حارسان
مدنیت جهانی حضرت بهاءالله با شدتی بیشتر در
سراسر عالم بهائی انتشار یابد .

موسسه ایادی امرالله در ایام جمال قدم جل اسمه
الاعظم به وجود آمد و زمانیکه نظم اداری در الواح
وصایای حضرت عبدالبهاء رسماً تاسیس و اعلان
گردید به صورت موسسه معاونتی برای ولایت امرالله
در آمد پس از صعود حضرت ولی امرالله هنگامیکه
بیت العدل اعظم مقرر داشت نمی تواند جهت امکان
تعیین و انتصاب ایادی جدید امرالله قانونی وضع نماید
این قرار ایجاب نمود بیت العدل اعظم موسسه جدیدی
را به وجود آورد که بتواند اعضای آن را راساً تعیین
و تسمیه نماید و بدین ترتیب دو وظیفه صیانت و
ترویج امرالله که به عهده ایادی امرالله است در
مستقبل ایام استمرار یابد و موسسه ایادی امرالله را به
نحوی تحول بخشد که بتواند موسسه جدید الولاده را
پرورش دهد و تا زمانیکه میسر است با آن همکاری
و معاضدت صمیمانه و نزدیک داشته باشد همچنین
لازم و ضروری بود ترتیبی اتخاذ شود تا به نحوی
موثر از خدمات بی نظیری که ایادی امرالله شخصا
انجام می دهند . حداکثر استفاده شود .

اولین قدم در سبیل بسط و تحول در نوامبر ۱۹۶۴ برداشته شد و بیت العدل اعظم موسسه ایادی امرالله را رسماً به بیت العدل مرتبط ساخت و اعلام داشت مسئولیت اخذ تصمیم درباره مسائل مربوط به سیاست امرالله که به اراده و مشیت حضرت ولی محبوب امرالله موکول بود از این به بعد به بیت العدل اعظم الهی که معهد و مرکز اعلی و مرجع کل امور و جمیع اهل بهاست راجع می گردد . ملاحظه شده است در بعضی موارد احبای الهی ایادی امرالله و مشاورین و هیئت های معاونت را " جناح انتصابی " نظم اداری تلقی نموده آن را مقابل با " جناح انتخابی " که از بیت العدل اعظم و محافل ملی و محلی تشکیل می شود محسوب می دارند هر چند این طرز توصیف و تلقی حقیقتی از نحوه ایجاد این موسسات را بیان می کند یاران باید بدانند که اصل انتصاب تنها وجه تمایز موسسات ایادی امرالله و مشاورین و هیئت های معاونت نیست فی المثل تعداد افرادی که به عضویت در لجنه های تابعه جناح انتخابی " منصوب شده اند به مراتب افزونتر از تعداد نفوسی است که در جناح

انتصابی قائم بر خدمتند و وجه تمایز بارزتر آنکه " امراء " در امر الهی بالاجتماع انجام وظیفه می کنند و حال آنکه " علما " هر یک اصولا بالانفراد به خدمت قائم اند . نقل از پیام مورخ بیت العدل اعظم

در اهمیت خدمات ایادی امرالله بیت العدل اعظم در
پیام رضوان ۱۲۸ می فرمایند:

اسفار و خدمات ایادی امرالله علیهم بهاءالله مستمرا
باعث شکر و امتنان و سرور دل و جان بل حیرت
فراوان بوده و هست. فی الحقیقه اقدامات و مجهودات
آن عصبه جلیله اعمال حواریون سلف را تحت الشعاع
قرار داده و این مرحله از عصر تکوین را به فروع و
لمعانی بدیع مُخَلَّد ساخته لهذا از قِبَلِ جمیع یاران
مراتب محبت و امتنان خویش را به آن نفوس نفیسه
جلیله ابلاغ میداریم.

همچنین در پیام رضوان ۱۹۷۳ می فرمایند :

" ایادی محبوب عزیز امرالله در تمام مدت نقشه
نهساله به بذل فداکاریها و خدماتی ممتاز قائم و در
جمیع نقاط عالم به تشویق و ترغیب یاران، مساعدت
به محافل روحانیه ملیه و ترویج امر تبلیغ مألوف و
در موفقیت نقشه سهیم و حصّه ای شایان داشته اند .
سرنوشت نهائی نقشه که در بعضی ممالک مبهم و
موفقیتش به علت کندی پیشرفت کار مورد تردید بود

به مجرد مسافرت یک نفس از حضرات ایادی امرالله
به کلی دگرگون گردید .

اقدامات پر شور و وجدانه ای که ملهم از مسافرت
ایادی امرالله بود منجر به اخذ ثمرات حیرت انگیز شد
و به کلی وضع آن جوامع را تغییر داد. حضرت ایادی
امرالله همچنین تألیفات برجسته ای به آثار امری
افزوده اند.

ابلاغیه های حضرات ایادی امرالله

ترجمه ابلاغیه مجمع حضرات ایادی که بعد از صعود مولای حنون اهل بها ولی محبوب امرالله خطاب به احبای شرق و غرب در تاریخ ۲۵ نوامبر ۱۹۵۷ منتشر شده : یاران عزیز :

هنوز نه روز از استقرار عرش اطهر ولی امرالله حضرت شوقی افندی در لندن نگذشته بود که ما بیست و شش نفر از ایادی امرالله با سمت (حارسان مدنیت جهانی حضرت بهاءالله که در مرحله جنین است) در مرکز جهانی امرالله اجتماع نمودیم تا درباره اسف انگیزترین وضعی که از حین صعود حضرت عبدالبهاء اهل بها بدان مواجه گشته اند به مشاوره پرداخته و برای حفظ مصالح عالیه امرالله کلیه تدابیر لازم و مناسب را اتخاذ نمائیم در هیجدهم نوامبر ایادی امرالله در بهجی محفلی در حرم اقدس در حول مقدسترین مقام عالم بهائی به نام مبارک منعقد ساخته و سپس به روضه مبارکه داخل و در نهایت خضوع و انکسار به آستان مقدس ساجد گشتیم . در صبح یوم بعد یعنی نوزدهم نوامبر نه نفر از ایادی امرالله

منتخب از ایادی مقیم ارض اقدس و چند قاره از قارات شرق و غرب در معیت حضرت امه البهائم روحیه خانم مهرهای صندوق آهنین و میز تحریر حضرت ولی محبوب امرالله را برداشته و محتویات ثمینه آنها را به کمال دقت رسیدگی کردند و سپس این عده به سایر ایادی مجتمعه در روضه مبارکه در بهجی ملحق گردیده و متفقا تصدیق نمودند که حضرت شوقی افندی وصیت نامه ای از خود به جای نگذاشته اند و همچنین تصدیق نمودند که حضرت ولی امرالله اولادی از خود باقی نگذاشته اند اغصان عموما با فوت نموده و یا به علت بی وفائی و عدم اعتقاد به الواح وصایای حضرت مولی الوری و ابراز کینه و عداوت نسبت به شخصی که به عنوان اولین ولی امرالله در آن سند مقدس تعیین و تسمیه گردیده از طرف حضرت ولی امرالله ناقضین عهد و میثاق معرفی شده اند . اولین اثر درک این حقیقت که تعیین جانشین برای حضرت شوقی افندی مقدور نبوده است ایادی امر را به ورطه ناامیدی افکند حال که راهنما و الهام دهنده و طراح مجهودات احبای الهی در جمیع

اقالیم و جزایر پراکنده در دریاها دیگر قادر به انجام ماموریت ممتاز خود نخواهد بود بر جامعه پیروان جان نثارش چه خواهد گذشت . با این وصف چون از این ورطه تاریک به حیات حضرت ولی امرالله که به تمامه مصروف فداکاری و خدمات بی نظیر گشته تمعن نمودیم رفته رفته قلب حزین ما تسلی یافت و خود می دانستیم که حضرت شوقی افندی اولین شخصی بودند که ایادی و جمیع احبای متفرق در عالم را متذکر می داشتند که ظهور حضرت بهاءالله قوا و ذخائر ایمانی نوع بشر را چنان به حرکت آورده که بالمآل وحدت ملل و اقوام و نصرت نظم جهان آرای الهیش را متحقق خواهد ساخت در پرتو این استنباط جمع ایادی باکمال امتنان و شکرانه به مواهب لاتحصائی که حضرت شوقی افندی به اهل بها ارزانی داشته و چه میراث مرغوب جهت آنان باقی گذاشته اند متوجه گردیدند .

آیا مرکز جهانی امرالله با اعتبار مقدسه و موسساتش به کمال رزانت تاسیس نگردیده ؟ آیا امر الهی در ۲۵۴ مملکت از ممالک مستقله و اقالیم تابعه مستقر

نگشته ؟ و آیا محافل ملیه و ناحیه ای که طلایه بیت العدل عمومی محسوبند در بیست و شش منطقه از مناطق عظیمه قارات عالم بر اساس متین استوار نگردیده ؟ آیا حضرت ولی امرالله قطع نظر از ترجمه های بی نظیری که از آثار مقدسه امریه برای یاران انگلیسی دان باقی گذاشته اند شاهکارهای گرانبهائی در تبیین و تشریح آیات الهی که معرف بنای رفیع البنیان نظم سریع التکامل الهی و جامعه جهانی بهائیت به جهت ما به ودیعه نگذاشته اند ؟ و آیا حضرت ولی امرالله بر اساس رزین الواح مبارکه حضرت مولی الوری معروف به نقشه ملکوتی نقشه جهاد جهانی را برای ما طرح فرمودند ؟ که مساعی و مجهودات ما را تا سال ۱۹۶۳ رهبری و هدایت نماید ؟ و به علاوه آیا حضرت ولی امرالله با بصیرت معنوی که به حوائج حال و استقبال جامعه جهانی داشته اند هیئت بین المللی بهائی و جمع بیست و هفت نفری ایادی با هیئتهای معاونت آنان را به وجود نیاورده اند ؟ و در آخرین ابلاغیه مبارک خطاب به اهل بها ایادی را (حارسان مدنیت جهانی حضرت بهاءالله که در مرحله

جنین است) معین فرموده اند؟

اینگونه افکار با توجه به پیش آمد جانگداز عمومی که در طی این ماه اهل بها به آن مبتلی گشته اند این موضوع را آشکار ساخته است که حضرت شوقی افندی با تعیین ایادی امرالله و همچنین انتصاب هیئت بین المللی بهائی یعنی موسسه ای که باید مآلا به بیت العدل عمومی تبدیل یابد اساس نظم جهان آرای حضرت بهاءالله را به کمال اتقان پایه گذاری نموده اند ما ایادی امرالله به عنوان حارسان مدنیت جهانی حضرت بهاءالله که در مرحله جنین است یک هیئت نه نفری از ایادی را تعیین نموده ایم که در مرکز جهانی امرالله به انجام خدمت مشغول باشند این هیئت نه نفری ایادی موظف اند که از هر نقطه که امرالله مورد حمله اعدای داخل و خارج جامعه جهانی بهائی واقع شود و ایادی امرالله در ناحیه مربوطه به خود و یا محافل ملی و ناحیه ای را پورت نمایند و یا اینکه وقوع آن در ارض اقدس باشد به کمال قدرت و جدیت به حمایت و حراست امرالله قیام نمایند همین هیئت در مورد مسائل مربوطه به اجرای اهداف

نقشه دهساله نیز با محافل ملیه مکاتبه خواهند نمود و نسبت به موضوعات مربوطه به مسائل اداری با استناد به نصوص مقدسه در آثار امری که هادی محافل دریافتن راه حل صحیح است محافل ملیه را مساعدت و معاضدت خواهد کرد . ایادی امرالله با نهایت خضوع و تذکر به وظیفه اصلیه حفظ امرالله و تبلیغ و انتشار دین الله که به موجب الواح مبارکه وصایا به آنان محول گشته متوجه و نیز به مسئولیت عظیم حراست نظم جنینی حضرت بهاءالله که بر طبق پیام حضرت ولی امرالله بر عهده آنان گذارده شده متذکر می باشند .

برای نیل به این اهداف عالییه و فوز و فلاح در سبیل تحقق این تکالیف الهیه مقرر داشته اند که عده ای از ایادی امرالله در سنه آتیه به مسافرتهاى متعددی مبادرت نمایند و روح عشق و محبت حضرت ولی امرالله را در مجامع یاران بدمند و برکات فائضه از قلب العالم و قبله الامم را به فرد فرد احبای حضرت رحمن و نمایندگان آنان برسانند و چون در اقطار شاسعه آمریکا لاتین و قاره اروپا بایستی اعتمده جدیده

برای بیت العدل اعظم بر پا گردد لذا اول متوجه این دیار خواهند شد که به توفیقات الهیه قسمتی از نوایای متعالیه حضرت ولی امرالله تحقق یابد .

ایادی امرالله همچنین مصمم اند بقدر مقدور به کلیه محافل ملیه مساعدت نمایند تا این هیئت های عالییه به تاسیس محافل روحانیه محلیه و جمعیت های بهائی و مراکز منفرد طبق نقشه دهساله توفیق حاصل نمایند و این مساعدت به طور اخص متوجه جوامع ممتحن و قدیمی ایران ، امریکا ، هند ، کانادا ، انگلستان ، آلمان ، و استرالیا خواهد بود . در این هنگام که ایادی امرالله با عزم متین خویش را اشد از قبل برای شرکت با سایر احبای الهی در حمل ثقل عظیم وظائف خطیره آماده نموده اند از محافل ملی و ناحیه ئی رجا دارند با ایادی ارض اقدس که به حکم ضرورت مامور تولید هم آهنگی در کلیه امور جهانی امر بهائی شده اند تماسی نزدیکتر و وحدت عملی قویتر برقرار نمایند تا این هیات بتوانند وظیفه عظیمه ئی را که مولای قدیر بنفسه الفرید بر عهده گرفته بودند و بدون ادنی توجهی به صحت و سلامت هیکل اطهر تا آخرین دقایق حیات

به نهایت دقت به آن توجه می فرمودند به خوبی ایفا
نمایند .

جریان انحراف میسن ریمی

میسن ریمی یکی از قدمای احباب بود که در زمان حضرت عبدالبهاء سفری طولانی به دور دنیا برای تبلیغ امر مبارک نموده بود و به علت سابقه طولانی و بعضی خدماتش در زمان قیادت حضرت ولی امرالله به سمت عضوی از شورای بین المللی و بعد به عنوان ایادی امر انتخاب گردید و مدتی ریاست شورای بین المللی انتصابی زمان حضرت ولی امرالله را داشت که تعدادی از اعضا آن از طبقه نسوان بودند . چون حضرت ولی امرالله فرموده بودند که شورای بین المللی نطفه جنینی بیت العدل اعظم است و چون ولی امرالله رئیس بیت العدل است ایشان بعد از صعود هیکل مبارک حضرت ولی امرالله ادعا نمود که چون شورای بین المللی تبدیل به بیت العدل می شود و رئیس بیت العدل هم ولی امر است پس من که رئیس شورای بین المللی هستم ولی امر ثانی می باشم که البته بر این ادعا چنانکه در صفحات آتی در ضمن ابلاغیه های حضرات ایادی و پیام های بیت العدل شرح خواهیم داد چندین ایراد وارد است .

۱- ولی امر باید اغصان باشد و ایشان غصن که هیچ حتی یک چوب خشک هم نبودند .

۲- ولی امر را باید ۹ نفر از ایادی تأیید نمایند همه ایادی او را تکذیب نمودند .

۳- چند نفر از اعضا شورای بین المللی از نسوان بودند در حالیکه طبق نصوص مبارکه اعضای بیت العدل اعظم باید از رجال باشند

در حقیقت ادعای سخیف ایشان و طردش از هیات ایادی و جامعه امر تحقق پیشگویی حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکه وصایا بود زیرا در آن لوح مبارک می فرمایند: " اگر نفسی از ایادی و غیر ایادی تمرد نمود و انشقاق خواست علیه غضب الله و قهره زیرا سبب تفریق دین الله گردد "

هیات مجلله ایادی امرالله که بعد از صعود هیکل مبارک حضرت ولی امرالله تا تشکیل بیت العدل اعظم قیادت و سرپرستی و راهنمایی اهل بهاء را به عهده داشتند و انصافا به نحو اکمل و اتم از انجام این وظیفه مهم به خوبی بر آمدند در تلگراف مورخ ۲۸ آپریل ۱۹۶۰ می فرمایند :

با کمال تأسف لازم می‌دانیم به استحضار عالم بهائی
برسانیم که میسن ریمی ایادی امرالله اکنون خود را
ولی امر اعلان داشته است این ادعای سخیف را که
صریحا مباین نصوص مبارکه است جز به وجود
اختلال شدید روحی به چیز دیگری نمی‌توان منسوب
داشت . از احبای الهی در جمیع نقاط دعوت می‌شود
که به اتفاق ایادی امرالله در ارض اقدس این عمل
انحراف آمیز را کاملا مردود شمارند . این پیام را به
اطلاع احبای الهی برسانند .

طی مرقومه مورخ ۱۳۳۹/۲/۱۵ خطاب به محفل
روحانی ملی ایران می‌نویسد

هیئت مجله ایادی امرالله در آسیا

محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران شیدالله ارکانه
نظر به وصول تلگراف حضرات ایادی امرالله در
ارض اقدس علیهم بهاءالله راجع به اختلال شدید
روحی که برای ریمی حاصل شده و ادعای ولایت
نموده است برای مزید استحضار آن هیئت مجله و
عموم دوستان عزیز الهی اعلام می‌دارد :

وضع این شخص که در سنین کهولت (متجاوز از

۸۵ سال) و مبتلا به ثقل سامعه شدید و هیجانات روحی می باشد در سنوات اخیره طوری بوده که غالباً تراوشات نامطلوبی از او ظاهر می گردید . لذا در جلسه عمومی اخیر مجمع ایادی در قصر مبارک بهجی و جوار روضه مقدسه مبارکه با حضور خود او تصمیم گرفته شد ریمی از عضویت هیئت ایادی ارض اقدس برکنار و بقیه عمر خود را به زادگاه خویش در آمریکا برای استراحت برود .

حال معلوم می شود هیجان روحی او شدت یافته و منجر به وضعی شده است که اظهاراتی مباین نصوص صریحه آثار مقدسه و الواح مبارکه وصایای حضرت عبدالبهاء ارواحنالمسه لاطهر فدا می نماید . این هیئت به محض وصول این خبر تلگراف ذیل را به هیئت مجلله محترمه ایادی ارض اقدس مخابره نمود :

" بی نهایت از رفتار سغیهانه ریمی و عملی که بر خلاف عهد و میثاق الهی و مباین الواح مبارکه وصایا نموده و خود را به خسران ابدی مبتلا و از عنایات و فیوضات جمال اقدس ابهی در این عالم و جمیع عوالم

الهیة محروم کرده است متاسفیم . ایادی آسیا " یقین است یاران ممتحن عزیز ایران با توجهی که به نصوص مقدسه الهیه و منشور آسمانی الواح مبارکه وصایا دارند . و در سراسر تاریخ امر ابداء به این مسائل وقعی نگذاشته اند به این قبیل اراجیف اعتنائی ننموده و نخواهند نمود .

با تحیات ادبع ابهی - ایادی امرالله در آسیا

و در جواب آن تلگراف زیر

را محفل روحانی ملی بهائیان ایران به ارض اقدس

مخابره نمود

تلگراف راجع به میسن واصل این محفل در نهایت خلوص و توجه تمسک خود را بمبادی سامیه امر عظیم و منشور آسمانی الواح مبارکه وصایای حضرت مولی الوری ارواحنا لرمسه الاطهر فداه و وفا داری بامر مطاع مبارک حضرت ولی محبوب امر حضرت رب العالمین اعلام و از اینکه آن هیئت مجلله حامیان امر حضرت رب البریه و حارسان مدنیت جهان آرای نظم بدیع الهیه بموقع خود امرالله را

از هجوم نفوس غیر مخلصه محافظه میفرمایند نهایت
تشکر حاصل و بدین وسیله اطاعت و انقیاد خود را
در قبال تصمیمات متحده آن هیئت مجلله اعلام میدارد

با عرض تحیت ابدع ابهی/ منشی
ممتنی است مقرر فرمائید مراتب فوق را باستحضار
عموم یاران عزیز و ثابت و ممتحن و بندگان مخلص
وفادار جمال رحمن در آن سامان برسانند.
با رجای تایید، منشی محفل

و در همان زمان حضرات ایادی امرالله مراتب زیر
را به اطلاع جامعه جهانی رساندند تلگراف مورخه
۲۷ جولای هیئت مجله ایادی امرالله در ارض اقدس
علیهم بهاءالله :

" مجمع ایادی امرالله با اطاعت از نصوص الواح
وصایای مرکز عهد و پیمان الهی و توقیعات ولی
محبوب امرالله که ضمن آنها ایادی امرالله را به حفظ
و صیانت امر مقدس الهی در مقابل حملات اعدای
داخل و خارج موظف می فرمایند بدین وسیله به عالم
بهائی اعلام می دارد میسن ریمی ناقض عهد و میثاق
الهی از جامعه امر طرد گردیده است . این اقدام به
دنبال مدتی صبر و مدارا و اعطای فرصت بمشارالیه
به عمل آمد تا از دعوت شرم آور خویش نسبت به
مقام ولایت مقدس امر که به منزله ادعائی ضلالت
آمیز و بر خلاف نصوص صریحه وصایای حضرت
مولی الوری است انصراف حاصل نماید . با وجود رد
و تقبیح ریمی از طرف عموم ایادی و شورای بین
المللی و کلیه محافل ملیه نامبرده همچنان در ادعای
بی اساس خویش پافشاری نموده و به جد تمام می

کوشد تا در صفوف یاران رخنه کند . و در قلوب
مومنین القای شبهات نماید و مجهودات موسسه ایادی
حارسان امر الهی را که وقف اجرای نقشه دهساله
حضرت ولی محبوب امرالله است باطل و بی اثر
سازد .

طبق نص صریح الواح وصایای حضرت عبدالبهاء از
یاران در جمیع جهان تقاضا می شود که از ریمی و
هر نفسی که با او معاشرت و موانست نماید و یا ادعا
ی او را عملا تائید کند احتراز و اجتناب نمایند
اطمینان داریم که جامعه پیروان اسم اعظم که از
صمیم قلب متحدا متفقا ادعای مشنوم اخیر وی را که
به منظور ایجاد انشقاق در امر مقدس الهی است
محکوم می شمارند و مظفرا منصورا و با نیروئی
جدید و شوق و شوری زائد الوصف به اکمال اهداف
باقیمانده این جهاد عظیم جهانی قیام خواهند نمود

بعد از صعود حضرت شوقی افندی (۱۹۵۷) مهمترین واقعه انشعابی بعد از صعود حضرت شوقی افندی ادعای یکی از ادیان امرالله ، چارلز میسن ریمی بود که مدعی شد ولی امر ثانی است . اگر چه او اعلامیه ۱۹۵۷ ایادیان امرالله را که حضرت شوقی افندی وصیت نامه ای از خود به جای نگذاشته اند و دارای جانشین نیستند امضا نمود . معهذا در آوریل ۱۹۶۰ ادعای خود مبنی بر ولی امر ثانی بودنش را مطرح ساخت . او ادعای خویش را مبتنی بر این نکته ساخت که حضرت ولی امرالله ، طبق الواح وصایا حضرت عبدالبهاء می بایست رئیس بیت العدل اعظم باشند و ریمی توسط آن حضرت به عنوان ریاست شورای بین المللی بهائی ، هیاتی که مقرر بود در آتیه ایام به بیت العدل عمومی تبدیل گردد ، تعیین شده بود . این ادعا توسط اکثر بهائیان عالم رد شد زیرا همان الواح وصایا این نکته را روشن کرده بود که تمامی ولاء امرالله باید از اخلاف حضرت بهاءالله باشند . ریمی موفق به جذب پیروان و حامیان چند شد که عمده از ایالات متحده، فرانسه و پاکستان بودند اما اکثریت

قاطع بهائیان در کنار ادیان امرالله که ریمی را به عنوان ناقض عهد از جامعه بهائی اخراج کردند ، ایستادند .

پیروان ریمی در طول سالها ، بالاخص با انقسام به گروه های متخاصم ، از اهمیت افتادند . یک فرقه از آنها در ظل یک " ولی امر سوم گبه ام دونالد هاروی که توسط ریمی منصوب شده بود ، منشعب گشت . بعد از مرگ او در سال ۱۹۹۱ ، رهبری این گروه به ژاک سوغومونیان ، از ساکنین ماریسی سپرده شد . در ایالات متحده ، انجمن ریمی که توسط فرانسیس اسپاتارو تاسیس شد از هاروی حمایت می کند . یک گروه دیگر تحت هدایت جوئل مارانجلا ، قرار دارد . او اعلام کرد که ریمی ابتدا او را به عنوان " ولی امر سوم " منصوب کرد و سپس به خرفتی ناشی از کهولت سن مبتلا شد و هاروی را منصوب کرد . این گروه خود را امر بهائی ارتودوکس می خوانند و مرکز آنها در روز ول واقع در نیومکزیکو است . تعداد آنها (طبق نوشته شیکاگو تریبیون ، مورخ ۱۰ ژوئن ۱۹۸۸) بیش از صد نفر نیست . فرقه دیگری تمامی ادعاهای

ولایت بعد از حضرت شوقی افندی ، از جمله ریمی ،
را رد می کند اما اظهار می دارد رکس کینگ تا
زمان ظهور ولی امر ثانی مقام نایب الولاية را دارد)
و لذا این گروه خود را امر بهائی ارتودوکس در ظل
نیابت ولایت می خواند (کینگدر سال ۱۹۷۷ مرد و
چهار نفر از اعضا خانواده اش را به عنوان شورای
نواب ولایت منصوب کرد . بالاخره،لاند جنسن (که
گروهش خود را " بهائیان مقید به میثاق " می خوانند
) ، وقتی که مدعی شد دنیا در سال ۱۹۸۰ متحمل
مصیبت اتمی خواهد شد ، رسوائی و بدنامی عمومی
کوتاه مدتی را برای خود به ارمغان آورد .

و بالاخره در عاقبت پروبال او بیت العدل اعظم در
تلگرام مورخ آپریل ۱۹۷۴ مراتب ذیل را به اطلاع
جامعه جهانی رسانیدند . با کمال تاسف به عالم بهائی
اطلاع داده می شود که ایادی امرالله میسون ریمی در
حال حاضر ادعا می کند که ولی امرالله است . این
ادعا نامعقول را که صریحا با نصوص مبارکه مابینت
دارد فقط می توان نشانه اختلالات شدید عاطفی
دانست . از یاران الهی در جمیع نقاط دعوت می شود

با ایادی امرالله مقیم ارض اقدس در رد قاطع این اقدام
مضالنه شرکت جویند . این پیام را به اطلاع یاران
برسانید (قسمتی از ترجمه پیام هیئت ایادی ارض اقدس
خطاب به عموم حضرات ایادی امرالله و محافل ملیه عالم
مورخ ۲۸ آپریل ۱۹۶۰)

و در پیام مورخ ۱۵ اکتبر ۱۹۶۰ می فرمایند :
حارسان امر الهی با توجه به مسئولیت خطیری که
برای صیانت احباء دارند ، میسون ریمی و
طرفدارانش را به علت اعمالشان در نقض عهد و
میثاق الهی از امر بهائی طرد نموده اند . هر گونه
ارتباط و معاشرت با آنان ممنوع است .

همچنین ضمن تلگراف مورخ آپریل ۱۹۷۴ به اطلاع
جامعه جهانی بهائی رسانیدند

چارلز میسون ریمی که به علت مساعی متکبرانه اش
در غضب ولایت عظمی پس از عروج حضرت
شوقی ربانی به رفر ف ملکوت اسمی منجر به طرد
روحانی و انفصال از صفوف یاران با وفای جمال
ابهی گردید در سن یکصد سالگی در فلورانس (ایتالیا)
از این عالم برفت و بدون هیچ مراسم مذهبی به خاک

راجع گشت در حالیکه اعوان و اتباع گذشته اش او را به کلی ترک نموده بودند . انحراف رقت بار تاریخی نفسیکه مشمول عنایات و الطاف عظیمه مرکز عهد و پیمان حضرت کبریا و حضرت ولی عزیز امرالله بوده شاهد دیگری بر آن است که هر سعی و اهتمامی در ایجاد رخنه در ارکان لن یتزعزع عهد و میثاق حضرت بهاءالله محکوم به نیستی و فناست .

اهم موارد قابل ملاحظه نقض عهد در این سنوات و بعد از صعود حضرت ولی امرالله اعراض رقت انگیز و تاسف آمیز میسن ریمی Mason Remey که مقام ایادی امرالله را احراز نموده بود و ادعا و قصد غصب مقام ولایت امر اقدس افخم جمال قدم را داشت . این ادعای سخیف و بی جا با وجودی که حضرت عبدالبهاء در الواح مبارکه وصایا صریحا ذکر و معین می فرمایند : " ای احبای الهی باید ولی امرالله در زمان خویش من هو بعده را تعیین نماید تا بعد از صعودش اختلاف حاصل نگردد و شخص معین باید مظهر تقدیس و تنزیه و تقوای الهی و علم و فضل و کمال باشد لهذا اگر ولد بکر ولی امرالله مظهر الولد

سرابیه نباشد یعنی از عنصر روحانی او نه و شرف
اعراق باحسن اخلاق مجتمع نیست باید " غصن دیگر
را انتخاب نماید "

حضرات ایادی محترم امرالله مقیم ارض اقدس معنی
و مقصود اصطلاح (غصن) را توضیح داده و بیان
نموده اند . کلمه غصن که (جمعش اغصان است)
یک لغت عربی است و به معنای فرع و شاخه است و
برای اولاد و احفاد از نسل و ذریه ذکور خویش بکار
برده اند این است که به هیچ یک از طبقات دیگر
مردم اطلاق نمی گردد . جمال اقدس ابهی به حضرت
عبدالبهاء عنوان و لقب " غصن الله الاعظم " را اعطا
فرمودند پسر دوم به نام میرزا محمد علی به " غصن
اکبر " و پسر سوم مبارک میرزا مهدی به " غصن
اطهر " ملقب شده بودند . در الواح مبارکه وصایای
حضرت مولی الوری حضرت ولی محبوب امرالله به
" غصن ممتاز " موصوف و معروف گشته اند . جمیع
منتسبین ذکور حضرت اعلی مطلقا " به عنوان " افنان
سدره منتهی " که معنایش شاخه های کوچک است
ملقب و مذکورند . این دو لقب مشخصه و عناوین

سامیه ممتازه غیر قابل تعویض بوده و اصطلاحات اغصان و افنان در الواح مبارکه متعدده حضرت بهاءالله به ویژه و صریحا و دقیقا به همین معنی مذکور و استعمال و مسطور گردیده فی المثل در "سوره الغصن" کلمه اصلی "غصن" است (یعنی شاخه) که اشاره به حضرت عبدالبهاء است. در انگلیسی رسمی و معمولی استعمال واژه " شاخه " موجب اشتباهات زیادی گشته در صورتیکه در نصوص مبارکه فارسی و عربی جزئی نشانه و اثری از ابهام نیست ...

همچنین باید متذکر شد و خاطر نشان ساخت نظر به اینکه السنه فارسی و عربی هرگز هیچگونه حروف الفبای درشت مثل آنچه در اول جملات انگلیسی مستعمل و متداول است ندارد لذا ممکن نیست از درشت نویسی حروف یا عدم آن مثل متون به خصوص انگلیسی استنباطات اغواگرانه و مباحثه آمیز و مناظره انگیز به عمل آید .

و در ادامه موسسه محترم ایادی امرالله به این شرح
جامعه جهانی بهائی را در جریان امور می گذارند
در پی صعود حضرت شوقی افندی ربانی در ۴
نوامبر ۱۹۵۷ میلادی مطابق ۱۳ آبانماه ۱۳۳۶
شمسی جلسه عمومی ایادی امرالله در هجدهم نوامبر
در ارض اقدس منعقد گردید . در این احتفال مهم
تاریخی ابلاغیه ای به تاریخ ۲۵ نوامبر ۱۹۵۷ صادر
نمودند که به شرح ذیل به جمیع یاران راستان
حضرت رحمن در سراسر جهان ابلاغ و اعلان گشت
:حضرت شوقی افندی وصیت نامه ای از خود به جای
نگذاشته اند و همچنین تصدیق نمودند که حضرت ولی
امرالله اولادی از خود باقی نگذاشته اند اغصان یا
عموما فوت نموده و یا به علت بی وفائی و عدم اعتقاد
به الواح وصایا حضرت مولی الوری و ابراز کینه و
عداوت نسبت به شخصی که به عنوان اولین ولی امر
الله در آن سنه مقدس تعیین و تسمیه گردیده از طرف
حضرت ولی امرالله ناقضین عهد و میثاق معرفی شده
اند . اولین اثر درک این حقیقت آنکه تعیین جانشین
برای حضرت شوقی افندی مقدور نبوده است "

بیت العدل اعظم الهی در ابلاغیه ۶ اکتبر ۱۹۶۳ می
فرمایند: " طریق تعیین ولی ثانی امر بهائی وصی
حضرت شوقی افندی ربانی به کلی مسدود و امکان
تشریح قوانینی که تعیین من هو بعده را میسر سازد
بالمرة مفقود است .

این ابلاغیه به امضای بیست و شش نفر از حضرات
ایادی محترم امرالله با سمت (حارسین مدنیت جهانی
حضرت بهاءالله که در مرحله جنین است) از آن
جمله میسن ریمی نیز رسیده بود با وجود این در سال
۱۹۶۰ مسیحی مطابق ۱۳۳۹ شمسی میسن ریمی
ادعا کرد که او ولی امرالله است . بحثی را که پیش
آورد این بود که حضرت شوقی افندی مشارالیه را به
سمت رئیس یک هیئت انتصابی به نام شورای بین
المللی بهائی تعیین و انتخاب فرموده بودند . همچنین
حضرت ولی امرالله معین فرموده بودند که شورای
بین المللی بهائی انتصابی بعدا به یک شورای انتخابی
مبدل و سپس بیت العدل اعظم الهی جایگزین آن
خواهد گشت و طبق مندرجات الواح مبارکه وصیای
حضرت عبدالبهاء ولی امرالله " رئیس مقدس " بیت

العدل اعظم الهی است . میسن ریمی ادعا کرد که معنی و مفهوم ریاست شورای بین المللی بهائی آن است که او " رئیس " بیت العدل اعظم نیز خواهد شد و بالنتیجه این خود ، مشارالیه خود را ولی امرالله می داند . حضرات ایادی امرالله این ادعای کذب جعلی و سخیف باطله را که میان نصوص مبارکه است به طور خیلی واضح و صریح ، رد و سحق نموده اظهار داشتند :

بدون اینکه حضرت ولی امرالله حتی یک کلمه مرقوم فرموده باشند ، میسن ریمی مدعی است به علت آنکه او رئیس شورای بین المللی بهائی بوده و به خاطر اینکه این هیئت موسسه بین المللی جنینی است خود به خود مشارالیه رئیس هیئت آینده و در نتیجه ولی امر دیانت بهائی می باشد . اگر به رئیس شورای بین المللی بهائی منصوب شدن عامل اصلی و بینه و دلیل قاطع ولی امرالله بودن شریعه مقدسه بهائی است پس در این صورت حضرت شوقی افندی ربانی ولی محبوب امرالله بایستی خویش را به سمت ریاست این اولین شورای بین المللی بهائی بر می گزیند .

اگر چنانچه مقام ریاست نخستین شورای بین المللی بهائی که یک هیئت انتخابی نبود بلکه توسط حضرت شوقی افندی منصوب گشته بود یک مشروع و رتبت دائمی بود پس چگونه مولای محبوب شخصا لزوم تشکیل یک شورای بین المللی انتخابی را در مستقبل ایام متذکر و می فرمایند که آن شورای انتخابی جز و بخش و نقشی از مرحله سیر تکامل تدریجی این موسسه است که سرانجام و بالمال شکوفائیش موجب تاسیس بیت العدل اعظم الهی می گردد؟

ما حتی هیچگونه اشاره کتبی از حضرت شوقی افندی دال بر اینکه اعضا عالی مقام اولین شورای انتصابی بین المللی بهائی به شورای بین المللی انتخابی انتقال خواهند یافت نداریم . در هیچ کجا از تعالیم مبارکه چیزی که مبین آن باشد که اعضا مفخم شورای انتخابی بین المللی بهائی طبق اصول و مبانی و موازین و نظامات انتخابات هر هیئت منتخبه بهائی دیگر انتخاب خواهند شد وجود ندارد .

طرز انتخابات بیت العدل اعظم الهی را نیز حضرت عبدالبهاء شخصا تعلیم فرموده اند . هیچگونه دلیل و

علت احتمالی جهت استنتاج اینکه میسن ریمی یا هر عضو دیگر شورا خود به خود به آن هیئت مجله نورا منتقل و به عضویت معهد اعلى در خواهد آمد در دست نیست . اگر ریاست یکی از شوراهای بین المللی بهائی خواه انتصابی یا انتخابی مترادف و به معنای ریاست بیت العدل اعظم بود ، پس مستلزم آن است که حضرت ولی امرالله خود شخصا این مقام را به عهده مبارک گرفته بودند .

نفوسیکه در اثر ادعای باطله ذاهله مشنوم میسن ریمی اغفال شدند و مشارالیه را در نقض میثاق الهی و طرد روحانی از آئین مبین یزدانی متابعت نمودند و در صحراهای مهلك متلف حرمان پریشان و سرگردان شدند تعدادی اندک و بیش از یک مشت بهائی نبودند که در سنوات متعاقب آن نتوانستند تاثیر پایدار و مداومی در وحدت جامعه بهائی به وجود آوردند و کل مواجهه با شکست و خذلان و خسران فراوان گشتند . در اثر فتوحات جلیله و انتصارات باهره بدیعه پی در پی و اکمال نقشه منیعه ده ساله جهاد کبیر اکبر روحانی که منجر به تاسیس بیت العدل اعظم الهی و

مبادرت آن معهد اعلی به طرح نقشه نه ساله و تسجیل جماعات بسیار از متحریان بی شمار در تمام نقاط جهان شد پیروان غیر متشکل و فاقد سازمان میسن ریمی در اثر اختلافات شدید و نفاق و شقاق سخت داخلی منقطع و منحدر و منخفص و منقرض گشتند ، هیئت حامیان ریمی که از روح امرالله محروم و مشوش و مسموم بودند متشتت و متفرق شدند و تشکیلاتشان از هم پاشید و به انحلال و اضمحلال گرائید و بالمال میسن ریمی که نیت غصب مقام با جلالت ولایت امرالله را داشت با نهایت انفعال و خبیثت آمال در گذشت و آرزوهای سقیمش کلا عقیم ماند . در گذشتت وی را بیت العدل اعظم الهی طی تلگرافی خطاب به عموم محافل مقدسه روحانیه ملیه اعلام فرمودند :

چارلز میسن ریمی که به سبب قیام موهومش در ادعای مقام ولایت پس از صعود حضرت شوقی افندی منجر به طرد او از جامعه پیروان امرالله گردید در فلورانس ایتالیا در سن صد سالگی بدون مراسم مذهبی و در حالی که پیروان سابقش او را رها کرده بودند از

دنیا رفت " داستان چنین انحراف تاسف آمیز از طرف
شخصی که مورد افتخارات بزرگ از طرف حضرت
عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله بوده نمونه دیگری از
عبث بودن هر اقدامی که عهد و میثاق مبرم حضرت
بهاءالله را تخفیف نماید مجسم می سازد ، با تحیات
ابدع ابھی - بیت العدل اعظم .

درباره اهمیت موسسه ایادی امرالله به منابع زیر
مراجعه فرمائید

پیام بدیع سال ۶ شماره ۶۴ ص ۲۴

پیام بهائی شماره ۲۶۹ ص ۲۰ و ۳۱

کتاب موسسه ایادی امرالله تألیف عبدالعلی علانی

هیات معاونت

در زمان حیات هیکل مبارک حضرت ولی امرالله به علت تراکم امور و وسعت دامنه فعالیت حضرات ایادی هیکل مبارک اجازه فرمودند که حضرات ایادی معاونینی انتخاب نمایند که هسته مرکزی هیات معاونت کنونی گردید و از این به بعد تحت اشراف هیات مشاورین به خدمات باهره خود ادامه خواهند داد . هیات های معاونت از ابداعات حضرت ولی امرالله می باشد و برای اولین بار در توفیق آپریل ۱۹۵۴ به حضرات ایادی دستور می فرمایند که هیات معاونت برای خود انتخاب نمایند و سپس هیاتهای معاونت را به دو وظیفه جداگانه صیانت و تبلیغ مامور می فرمایند . این هیاتها زیر نظر حضرات ایادی انجام وظیفه می کردند و توسط ایشان هدایت و سرپرستی می شدند و پس از به وجود آمدن هیاتهای مشاورین تحت هدایت ایشان به فعالیت خود ادامه می دهند و گزارش اقدامات خود را به هیاتهای مشاورین تسلیم می نمایند .

که در جلد سوم این کتاب که در معرفی مقام منیع بیت
العدل اعظم و موسسات زیر بنای آن از جمله هیات
مشاورین که جانشین موسسه ایادی امرالله گردیده می
باشد مفصلا معرفی و شرح و وظایف و حدود
اختیارات آنان نگاشته خواهد شد .

شورای بین المللی بهایی

در سال ۱۹۲۹ اراده مبارک بر این بود که یک کنفرانس بین المللی تشکیل دهند تا یاران من غیر رسم احتفال نموده در باره وسایل تحکیم محافل ملیه شرق مذاکره و در موضوع تشکیلات امریه بحث نمایند تا بیت العدل اعظم که منظور نظر مرکز میثاق بوده زودتر و سریعتر تشکیل شود. برخی از احباء قدیم فکر دیگر داشتند و خیال میکردند که هیأتی را موقتاً انتخاب نمایند و چون وجود مبارک ملتفت این افکار شدند فوراً در تاریخ ۱۲ دسامبر سال ۱۹۲۹ به دو نفر که بیشتر پیشرو این فکر بودند تلگراف فرمودند که اگر چنین امری صورت گیرد سر چشمه تشویش افکار و سوء تفاهم و اختلافات خواهد شد و بعد از آن تمام قوای خود را جمع فرمودند که مبدا چنین اندیشه نارسی عالم بهائی را فرا بگیرد و احبا را در خطر بیندازد زیرا اگر این فکر عملی میشد خطر عظیمی داشت که نفوسی انتخاب شوند که در اصول تعالیم تجبری نیافته و مبادی سامیه امر را ندانسته و اساس تشکیلات را نفهمیده اند چنین اعضائی البته از ادای

واجبات خود عاجز میماندند لذا بیست سال تمام از ذکر بیت العدل خود داری فرمودند تا هنگامی که شورای بین المللی روی کار آمد و اعضاء آن را خود شان یک یک منصوب فرمودند.

در نهم ژانویه ۱۹۵۱ طی تلگرافی که تصمیم خطیر و تاریخی تأسیس اولین شورای بین المللی بهائی را به عالم بهائی ابلاغ فرمودند این تصمیم را بزرگترین قدم در سبیل پیشرفت نظم اداری حضرت بهاءالله در سی سال اخیر محسوب داشتند و ضمن بر شمردن وظائف سه گانه آن یعنی

۱- ایجاد روابط با امنای حکومت،

۲- مساعدت در تشیید و تکمیل ساختمان مقام اعلی
۳- مذاکره با اولیای امور در باب مسائل مربوط به احوال شخصیه و فرمودند (مضمون بیان مبارک)
... و چون این شورا که نخستین مؤسسه بین المللی و اکنون در حال جنین است توسعه یابد عهده دار وظایف دیگری خواهد گردید و به مرور ایام به عنوان محکمه رسمی بهائی شناخته شده سپس به هیأتی مبدل میگردد که اعضایش از طریق انتخاب

معین میشوند و موسم گل و شکوفه آن هنگامی است که به بیت عدل عمومی تبدیل و ظهور کامل ثمرات آن وقتی است که مؤسسات متفرقه عدیده آن تشکیل گشته و به صورت مرکز اداری بین المللی بهائی در جوار روضه مبارکه و مقام اعلی که مقرر دائمی آن خواهد بود انجام وظیفه نمایند . با قلبی مملو از شکرانه و سرور تشکیل این شورای بین المللی را که پس از مدتها انتظار بوجود می آید تهنیت می گوئیم . این تأسیس در صفحات تاریخ به منزله بزرگترین اقدامی است که مایه افتخار عهد دوم عصر تکوین دور بهائی محسوب خواهد شد بطوری که هیچ یک از مشروعاتی که از آغاز نظم اداری امرالله از حین صعود حضرت عبدالبهاء تا بحال به انجام آن مبادرت گشته بالقوه به این درجه از اهمیت نبوده است و صرف نظر از اقدامات باهره جاودانی در دوره مبشر و شارع و مرکز میثاق یعنی در عصر اول از دور مشعشع کور پانصد هزار ساله بهائی این تأسیس رتبه اول را حائز است .

ایادی امرالله در ابلاغیه مورخ ۲۵ نوامبر ۱۹۵۷
فرمودند :

حضرت شوقی افندی با تعیین ایادی امرالله و همچنین
انتصاب هیأت بین المللی بهائی یعنی مؤسسه ای که
باید مآلاً به بیت العدل عمومی تبدیل یابد اساس نظم
جهان آرای حضرت بهاءالله را بکمال اتقان پایه
گذاری نموده اند .

اما ایادی امرالله بعنوان حارسان مدنیت جهانی
حضرت بهاءالله که در مرحله جنینی است یک هیات
نه نفری از ایادی را تعیین نموده ایم که در مرکز
جهانی امرالله بانجام خدمات مشغول باشند... ضمناً
بدعوت نه نفر ایادی مقیم مرکز جهانی امر الهی کلیه
ایادی امرالله مجتمع گشته و تصمیم خواهند گرفت که
چه موقع و به چه کیفیت هیات بین المللی بهائی مدارج
تکامل خود را که از طرف حضرت ولی امرالله
مشخص گردیده طی نموده و منجر به دعوت برای
انتخاب بیت العدل عمومی بوسیله کلیه محافل روحانیه
ملیه گردد.

از آنجا که تاسیس بیت العدل اعظم به علت آنکه
اعمه و ستونهای آن که محافل ملیه باشند به حد
نصاب نرسیده و احبا و اعضای محافل روحانیه نیز
آن طور که باید و شاید پی به اهمیت این مرجع
مصون از خطا که می بایست تا هزار سال آینده
جوابگوی احتیاجات جامعه بشری بوده و سکان امرالله
را در اختیار داشته باشد نبرده بودند لذا با تمام علاقه
و اشتیاقی که هیکل مبارک به اتمام موارد مصرحه
در لوح مبارکه وصایا که یکی از آن تشکیل بیت
العدل بود داشتند معهذا تشکیل آن رامضر به مصالح
امر دانسته و تا آماده شدن مقدمات و رسیدن محافل به
رشد و تکامل نسبت به تشکیل هیاتی به نام شورای
بین المللی انتصابی که آن را نطفه جنینی بیت العدل
نامیدند اقدام فرمودند در نوامبر ۱۹۵۰ میلادی طی
تلگرافاتی نفوس شایسته ای را که در نظر داشتند
برای حضور در ارض اقدس و تشکیل این شورا
دعوت فرمودند طبق نوشته حضرت روحیه خانم در
کتاب گوهر یکتا اولین فردی که دعوت حضرتش را
لبیک گفته بود لطف الله حکیم و پس از او املیا کالینز

و میس ریمی بود و در نهم ژانویه ۱۹۵۱ این بشارت را به عالم بهائی اعلام فرمودند .
شورای بین المللی که در حقیقت دارالانشا بود سه وظیفه مهم بر عهده داشت .

۱- ارتباط با اولیای امور

۲- کمک در اتمام ساختمان مقام اعلی

۳- مذاکره با اولیای امور درباره احوال شخصیه

در اهمیت تشکیل این شورا همین بس که فرموده اند هیچکدام از مشروعاتی که از بعد از صعود حضرت عبدالبهاء تاکنون انجام شده است اهمیتش به پای تاسیس شورای بین المللی نمی رسد . همچنین شورای بین المللی بهائی را نطفه جنینی بیت العدل نامیده اند و در پیام سنه ۱۱۸ بدیع حضرات ایادی شورای بین المللی انتصابی را به انتخابی به اطلاع احبای الهی در جهان رسانیدند .

مژده تاسیس شورای بین المللی در توفیق نوروز ۱۰۸
به محافل روحانی ملی ابلاغ شد :

مولای توانا حضرت ولی امرالله در آن تلگراف
می فرمایند : ۱- "...به محافل ملیه در شرق و غرب
تصمیم خطیر تاریخی تاسیس اولین شورای بین المللی
بهائی را ابلاغ نمایند. شورا طلیعه موسسه کبری
اداری است که در نقاط معین در جوار مقامات علیا
در ظل مرکز روحانی جهانی امرالله که در دو شهر
حیفا و عکا استقرار دارد تشکیل خواهد گردید. تحقق
نبواتی که درباره تاسیس حکومت اسرائیل از فم
مطهر شارع امر الهی و مرکز میثاق صادر و حاکی
از پیدایش ملت مستقلى در ارض اقدس پس از مضی
۲۰۰۰ سال می باشد و پیشرفت سریع مشروع
تاریخی ساختمان قسمت فوقانی مقام اعلی در کوه
کرمل و درجه رشد کنونی محافل نه گانه ملی که با
کمال جدیت در سراسر عالم بهائی به خدمات امریه
قائمند مرا برآن می دارد که تاسیس تاریخی فوق را
که بزرگترین قدم در سبیل پیشرفت نظم اداری
حضرت بهاءالله در سی سال اخیر محسوب اتخاذ نماید

. این شورای جدید التاسیس عهده دار انجام سه وظیفه
می باشد

اول آنکه با اولیای حکومت اسرائیل ایجاد روابط
نمایند

ثانیا مرا در ایفای وظایف مربوط به ساختمان فوقانی
مقام اعلی کمک و مساعدت کند .

ثالثا با اولیای امور کشوری در باب مسائل مربوط به
احوال شخصیه داخل مذاکره شود و چون این شورا
که نخستین موسسه بین المللی و اکنون در حال جنین
است توسعه یابد عهده دار وظایف دیگری خواهد
گردید . و به مرور ایام به عنوان محکمه رسمی
بهائی شناخته شده و سپس به هیئتی مبدل می گردد که
اعضایش از طریق انتخاب معین می شود و موسم گل
و شکوفه آن هنگامی است که به بیت العدل عمومی
تبدیل و ظهور کامل ثمرات آن وقتی است که
موسسات متنوعه عدیده آن تشکیل گشته به صورت
مراکز اداری بین المللی بهائی در جوار روضه
مبارکه و مقام اعلی که مقر دائمی آن خواهد بود انجام
وظیفه نماید .
با

قلبی مملو از شکرانه و سرور تشکیل این شورای بین المللی را که پس از مدتها انتظار به وجود می آید تهنیت می گویم . این تاسیس در صفحات تاریخ به منزله بزرگترین اقدامی است که مایه افتخار عهد دوم عصر تکوین و دور بهائی محسوب خواهد شد به طوری که هیچیک از مشروعاتی که از آغاز نظم اداری امرالله از حین صعود حضرت عبدالبهاء تا به حال به انجام آن مبادرت گشته بالقوه به این درجه از اهمیت نبوده است و صرفنظر از اقدامات باهره جاودانی در دوره مبشر و شارح و مرکز میثاق یعنی در عصر اول از دور مشعشع کور پانصد هزار سال بهائی این تاسیس رتبه اول را حائز است شایسته است این ابلاغیه را به وسیله لجنه ارتباط منتشر نمایید .

"شوقی حیفا اسرائیل ۹ ژانویه

همچنین می فرمایند " ... از مساعدت شورای بین المللی جدید التاسیس ... سرور موفور حاصل . این شورا عهده دار ارتباط با اولیای امور است تا دایره نفوذ در مرکز روحانی و اداری امرالله که مقر دائمی آن در ارض اقدس قلب العالم است توسعه یابد و

بنیانش مستحکم و صیت بزرگواریش منتشر گردد .

" شوقی "

همچنین در توقیع نوروز ۱۰۸ بدیع مجددا در اهمیت این مشروع جدید می فرمایند ".... و اخیرا به تائیدات رب الجنود و عون و عنایت رب ودود که در جمیع شئون قائد و حافظ و حارس و هادی و ناصر حزب مظلوم است هیات بین المللی بهائی که مقدمه تشکیل اولین محکمه رسمی در جامعه پیروان آئین یزدانی و منتهی به تاسیس دیوان الهی و تمرکز و استحکام مرکز بین المللی اداری امرالله در قرب مقام اعلی و جریان سفینه الله بر جبل کرمل و ظهور اهل بهاء خواهد گشت . در ظل مقامات مقدسه در ارض تاسیس گشته تا این عبد مستمند را که در دریای مشاغل و غوائل لاتعد و لاتحصی غوطه ور است معاونت کند و در تشیید بنای رفیع اعلی و استحکام روابط با امنای دولت جدیدالتاسیس در این ارض و به تهیه وسائل جهت تبدیل ان هیات به مرور ایام به محکمه مستقل بهائی و اجرا و تنفیذ احکام آئین یزدانی مساعدت نمایند . تا به تدریج آنچه در الواح الهیه

مسطور و مدون است در این ارض و بلدان دیگر در شرق و غرب کاملاً تحقق پذیر است " شورای بین المللی بهائی که برای مساعدت در ساختمان قسمت فوقانی مقام اعلی تشکیل گشته نظم اداری دائم الاتساع امرالله را پیشرفتی سریع بخشید و روابط مرکز اداری بین المللی جامعه بهائی را با جامعه جدید التاسیس تحکیم نموده موجبات تشکیل محکمه بهائی را که خود مقدمه تاسیس دیوان اعظم عدل الهی است فراهم خواهد کرد .

طی تلگراف مورخ ۲۴ دسامبر ۱۹۵۷ می فرمایند : با قلبی طافح از شکرانه و سرور سلسله وقایع تاریخی اخیر را که مبشر تاسیس و استقرار مرکز اداری بین المللی آنین حضرت بهاءالله در ارض اقدس است به خاطر می آورند . تاسیس این مرکز که مدتها انتظار می رفت به منزله سومین اقدام عظیم مهم تاریخی است که از بدو طلوع عصر تکوین پس از صعود حضرت عبدالبهاء به وقوع پیوسته است ... هیأتی بین المللی بهائی در جوار اعتبار مقدسه تشکیل گردد . این هیئت طلایعه تاسیس بیت الدل عمومی یعنی اعظم

قوه تشريع نظم ادراى بهائى است كه بنيانش الهى و
حال بدايت ظهور و بروز آن است .

در تاريخ ۸ مارچ ۱۹۵۲ مژده تكميل و افزايش
اعضاي شورا را به جامعه جهاني مژده مي دهد

بشارت ثاني افزايش تعداد اعضاي هيات بين المللي
بهائى است در حال حاضر اعضا هيت عبارتند از
امه البهاء روحيه كه واسطه بين اين عبد و آن هيت
است و چهار نفر ايادي امرالله ميسن ريمي رئيس
هيت - خانم اميليا كالينز نائب رئيس - يوگوجياگري
عضو سيار و لروي آيواس منشي و نيز خانم جسي
رول امين صندوق - اتل رول معاون منشي براي
اقطار غربيه و لطف الله حكيم معاون منشي براي
ممالك شرقي ..."

و
طى تلگراف مورخ ۱۹ اپريل ۱۹۵۲ مى فرمايند
"...تحكيم موسسات ادارى امرالله از طرفى و بسط و
توسعه سريع دايره آن از طرف ديگر حاكي از
پيشرفت مقاومت ناپذيريست كه نصيب امرالله گرديده
است"

وظایف شورای بین المللی بهائی ، آن طور که توسط حضرت ولی محبوب امرالله تعیین شده بود

۱- اول از همه مساعدت به حضرت ولی امرالله در اتمام و اكمال مقام اعلى و شروع بنای ساختمان دارالآثار بود . ۲- وظیفه دیگرش تقویت ارتباط با حکومت کشور ، ایجاد پل های ارتباطی و تقویت روابط با دولت جدید التاسیس بود .

۳- وظیفه سوم که به شورا محول شد مطالعه احکامی بود که بر احوال شخصیه اثر می گذاشت فی المثل ، در قضایای ازدواج و طلاق ، تا معلوم گردد تا چه حد امکان داشت از حکومت این سرزمین امتیازات و حقوق بیشتری برای جامعه بهائی گرفته شود . قبلا پیش از انتصاب شورا حضرت ولی امرالله بنفسه حق اجرای تشریفات رسمی ازدواج بهائی را کسب کرده بودند . برای اجرای این حق ، شورا می بایست به بررسی و کشف امکانات تاسیس محکمه دینی بهائی در ارض اقدس پردازد . نتیجه این مطالعه آن بود که برخوردارى از محکمه ای که هم سطح محاکم دینی سایر ادیان باشد امکان پذیر نبود و آن محاکم نیز به

ایادی امرالله — امه البهاء روحیه خانم عضو رابط بین
حضرت ولی امرالله و هیئت

ایادی امرالله چارلز میسن ریسی رئیس

ایادی امرالله امیلیا کالینز نایب رئیس

ایادی امرالله یوگو جیاگری عضو سیار

ایادی امرالله لروی آیواس منشی

امه الله جسی رول امین صندوق

امه الله ایثل رول معاون منشی برای مکاتبه با غرب

جناب دکتر لطف الله حکیم معاون منشی برای مکاتبه
با شرق

اکنون چهار نفر از حضرات ایادی در مرکز بین
المللی امرالله به سمت اعضای هیئت مشغولند ایادی
امرالله دکتر جیاگری در ظرف سه ماه گذشته دو بار
برای امور مربوط به ساختمان مقام اعلی به اسرائیل
آمده و به این ترتیب پنج نفر از ایادی امرالله در ارض
اقدس حضور داشتند... " (مرقومه شورای بین المللی

اول جولای ۱۹۵۲ خطاب به محفل روحانی ملی
بهائیان ایران)

در توفیق نوروز ۱۰۱ بدیع می فرمایند :

"... هیئت بین المللی بهائی مرکب از ۸ عضو که
موظف به مساعدت در اقدامات عدیده برای ارتفاع
مرکز اداری جهانی امرالله است تاسیس گشته و دائره
آن توسعه یافته و وظائف اعضای آن معین و مشخص
گردیده است این هیئت ممد سبیل برای تشکیل محکمه
بین المللی بهائی بوده که باید بالمآل به بیت عدل
عمومی که اعظم هیئت تشریعه حکومت مستقله بهائی
است تبدیل گردد..."

در پیام مبارک مورخ ۴ می ۱۹۵۳ خطاب به
کنفرانس بیم القارات آمریکا می فرمایند " ... هیئت بین
المللی بهائی که مقدمه تاسیس محکمه علیا در ارض
میعاد و منتهی به انتخاب اعظم هیئت تشریعه عالم
بهائی و تاسیس دیوان عدل الهی خواهد گشت . تکمیل
و وظایف اعضایش و هیئت عامله اش کاملا تعیین
گردید..."

نوبه خود از لحاظ اجرای امور خود روز به روز
محدودتر می شدند . لذا ، این نتیجه حاصل شد که
اجرای آن امر در آن زمان امکان پذیر نبود .

این که چرا شورای بین المللی بهائی ، عالم بهائی
را در طی دوران فترت هدایت نکرد . بدان علت بود
که حضرت ولی امرالله در آخرین پیام عمومی خود به
عالم بهائی به حضرات ایادی امرالله به طور اخص به
عنوان حارسان اعظم امرالله اشاره فرموده بودند .
ایشان این عنوان را به شورای بین المللی بهائی یا
اعضا آن عنایت نکردند بنابراین ، منطقی آن بود که
عموم احبای عالم به حضرات ایادی امرالله توجه
نمایند .

هیات بین المللی بهائی که از طرف حضرت ولی امرالله تعیین و در توفیق مبارک خطاب به عالم بهائی به آن بشارت داده شده این هیئت به مرور ایام عاقبت با تشکیل بیت العدل عمومی آن هیئت عالیه ایکه به فرموده حضرت مولی الوری در الواح وصایا به موهبت مصونیت از خطا مخصص و به بیان (جعله الله مصدر کل خیر و مصونا من کل خطا) مخاطب گردیده مقصد و هدف خویش را به مرحله تحقق خواهد رسانید . وظیفه اصلی هیئت بین المللی بهائی این بوده است که به عنوان نماینده حضرت ولی امرالله در مسائل مربوطه به دولت اسرائیل و محاکم قانونی اقدام نماید . ضمنا به دعوت نه نفر ایادی مقیم مرکز جهانی امر الهی کلیه ایادی امرالله مجتمع گشته و تصمیم خواهند گرفت که چه موقع و به چه کیفیت هیئت بین المللی بهائی مدارج تکامل خود را که از طرف حضرت ولی امرالله مشخص گردیده طی نموده و منجر به دعوت برای انتخاب بیت العدل عمومی به وسیله کلیه محافل روحانیه ملیه گردد.

برای تاسیس و استقرار مرکز جهانی امرالله اقدامات وسیعه به کمال سرعت به عمل آمده است... هیئت بین المللی بهائی توسعه یافته و اعضای عامه آن تعیین گردیده اند..."

"... سال گذشته مستر لروی آیواس به سمت منشی و دکتر یوگو جیاگری به سمت عضو سیار هیئت بین المللی انتخاب گردیدند و به این ترتیب بر تعداد اعضا افزوده شد و هیئت مذکور تقویت گردید. حضرت ولی امرالله کرارا به اعضای هیات خاطر نشان فرموده اند که اقدامات روحانی و اداری امرالله در این کشور باید مبتنی بر لوح کرمل باشد که از سما مشیت حضرت بهاءالله در کوه کرمل عز نزول یافته است. مدینه الله که در این لوح مذکور مقام اعلی و سفینه الله شریعت الهی و اشاره به بیت العدل عمومی است که هیئت بین المللی کنونی به منزله جنین آن است و باید پس از طی مراحل به بیت العدل عمومی تبدیل و در همین کوه مقدس مستقر و وظائف مقدسه خود را انجام دهد. اسمی اعضای اولین هیئت بین المللی بهائی به شرح زیر است:

پیام حضرات ایادی امرالله درباره تشکیل شورای بین

المللی انتخابی

بسیار مایه سرور و حبور است که برای وصول بدین هدف عالی قدمی دیگر برداشته خواهد شد و آن انتخاب شورای بین المللی بهائی در رضوان ۶۱ است بدین ترتیب قبل از تاسیس بیت العدل اعظم آن موسسه جنینی که هیکل مبارک بنفسه المقدس تاسیس و تا آن حد تقدیر و تمجید فرمودند در سیر تکامل خود به مرحله نهائی که شورای انتخابی است وارد می گردد و کلیه اعضای محافل ملی و ناحیه ای که تا رضوان ۶۰ (۱۱۷ بدیع) تشکیل شده آراء خود را برای انتخاب نه نفر اعضا این شورا به وسیله پست ارسال می دارند . شورای بین المللی مزبور در تحت نظارت و اداره ایادی امرالله در ارض اقدس برای دوسال تا تاسیس بیت العدل اعظم در مرکز امر عهده دار وظائف معینه خواهند بود و جمیع بهائیان عالم از رجال و نساء ، حق انتخاب شدن برای عضویت این شورا را خواهند داشت . چون جمیع اوقات حراس نظم بدیع باید در انجام وظائف خاصه ای که هیکل

مبارک حضرت ولی امرالله به آنان عنایت فرموده اند
صرف گردد و نیز پس از صعود به حکم اضطرار
تکالیفی را بر عهده گرفته اند . مقتضی است اعضای
محافل ملیه و ناحیه ای در موقع انتخاب این شورا
ایادی امرالله را در نظر بگیرند وظائف شورای بین
المللی عبارت است از دو وظیفه از وظائف اصلیه ای
که هیکل اطهر برای شورای بین المللی معین فرموده
بودند . یعنی ایجاد ارتباط نزدیک با حکومت ارض
اقدس که مرکز جهانی امر در آن است مذاکره با
اولیای امور درباره مسائل مربوط به احوال شخصیه
و بر این تکالیف دو وظیفه دیگر نی اضافه می شود .
اول مساعدت ایادی امرالله در حفظ و نگاهداری اماکن
و املاک امریه در ارض مقصود و ثانی معاضدت
ایادی امرالله در تاسیس بیت العدل اعظمو به مرور
ایام هر وظیفه دیگری را که ایادی امرالله لازم شمرند
به این تکالیف اضافه خواهد گردید .

شورای بین المللی بهائی (انتخابی)

۱- از ترجمه پیام هیئت مجله ایادی امرالله خطاب به احبای شرق و غرب جهان :

" یکی از وقایع مهمه که در رضوان آینده به وقوع خواهد پیوست انتخاب شورای بین المللی به وسیله محافل مقدسه روحانیه ملیه در عالم بهائی است و اهل بها برای اولین بار در تاریخ امر مبارک شاهد و ناظر انتخابی جهانی خواهند بود و قلوب یاران بیانات مقدسه مولای توانا را که در حین انتخاب اولین شورای بین المللی بهائی صادر شد منعکس خواهند نمود و با سرور و حبوری بی انتها و شکر و ثنا به آستان مقدس خداوند بی همتا این واقعه تاریخی را استقبال خواهند فرمود .شورای انتصابی به فرموده مبارک بهترین مرحله در سیر تکامل نظم اداری بعد از صعود حضرت عبدالبهاء است و طبق نقشه حضرت ولی امرالله بایستی به هیئتی انتخابی تبدیل یابد این شورای منتخب هیئتی است بین المللی و مرکز آن در ارض اقدس خواهد بود و علاوه بر وظائفیکه سال قبل بیان گردیده برخی از تکالیف اداری دیگر

نیز برای تسهیل رسیدگی به امور محافل ملیه در مرکز جهانی به آنان واگذار خواهد شد . جای آن است که احبای عزیز الهی در این نکته مهمه تامل تام فرمایند که هر چند وصول به مرحله شورای انتخابی قدمی است بسیار مهم ولی هرگز نباید آن را با موسسه بیت العدل اعظم که در ظل حفظ و حراست جمال اقدس ابهی و عصمت فائض از طلعت اعلی و دارای وظائف معینه منصوصه در کتاب الله است مقایسه نمود

"۲-تلگراف مورخ ۲۶ آوریل ۱۹۶۱ هیئت مجلله ایادی امرالله در ارض اقدس علیهم بهاءالله: "... اکنون که به تائیدات متتابعه حضرت بهاءالله جامعه جهانی بهائی توانسته است در پایان سال هشتم جهاد کبیر روحانی " شورای بین المللی بهائی " را به جانشینی نخستین شورای تاریخی انتصابی حضرت ولی امرالله انتخاب نماید مراتب شکر و سپاس خود را به ساحت مقدسش قلبا تقدیم می داریم . با نهایت مسرت اسامی اعضاء را به شرح ذیل اعلام می نمائیم

: ۱-امه الله جسی رول -

۲- جناب لطف الله حكيم -

۳- جناب چارلز ولكات

۴- امه الله ميلرد متحده

۵ جناب بوراكاولين

۶ جناب على نخجوانى

۷- امه الله ات رول

۸- امه الله سيلويا ايواس

۹- جناب ايان سميل

از ياران رجا داريم با ما در دعا و تقديم شكرانه به
ساحت قدس الهى شركت نمايند تا اين اقدام تاريخى
سبب نزول امدادات روحانيه جهت وصول به اهداف
نقشه مقدس الهى كه تا آن حد مورد نظر حضرت ولى
محبوب امرالله بوده گردد "... ايدى امرالله

۳- ترجمه پيام تلگرافى هيئت مجله ايدى امرالله مقيم
ارض اقدس مورخ ۳۰ جون ۱۹۶۱ :

" از شور و اشتياق و فعاليت و عزم و اراده اعضاى
شوراي منتخب بين المللى بهائى در اجرا و انجام
وظائف مهم و روز افزون خویش قلوب در اهتزاز

اینک با کمال شغف خبر مربوط به انتخاب هیئت
عامله را به اطلاع یاران می‌رسانیم :

۱- جناب علی نخجوانی رئیس

۲- سیلویا ایواس نایب رئیس

۳- چارلز ولکات منشی کل

۴- ایان سمپل معاون منشی

۵- جسی رول خزانه دار

و سایر اعضا عبارتند از اتل رول - لطف الله

حکیم - میلدر متحده-وبورا کاولین

(ایادی امرالله مقیم ارض اقدس)

شورای بین المللی بهائی در مرکز جهانی امرالله
مورخه ۲۹ ژوئیه ۱۹۶۱ طی پیامی شروع این
مشروع جلیل را چنین اعلام فرمودند "..... جلسات
اولیه این شورای منتخب جهت اعضای هیئت بین
المللی بهائی اعم از آنها که سالیان متمادی مشغول
خدمت بوده و یا آنان که اخیرا وارد خدمت شده اند

دارای کیفیتی بسیار مهیج و جالب بوده . روز یکشنبه ۲۵ ژوئن (۴ تیر ماه) اعضای شورای در بیت مبارک حضرت عبدالبهاء به ایادی امرالله ملحق گردیده و به اتفاق آن حضرات به قصر بهجی حرکت و در آنجا پس از دعا و تضرع به آستان حضرت بهاءالله جلسه مشترکی در تالار قصر بهجی منعقد نمودند در این مکان حضرات ایادی دستور کار وظایفی را که بایستی انجام شود به آن شورا ابلاغ نمودند و آنچه را که در سال ۱۹۵۹ در اجتماع سالیانه خود اعلان کرده بودند تکرار فرمودند و آن عبارت از دو وظیفه اصلی است که از طرف ولی محبوب امرالله به شورای محول گردیده یعنی

۱- حفظ ارتباط با مقامات کشوری ارض اقدس

۲- انجام مذاکرات مربوط به احوال شخصیه که

بایستی ادامه یابد

به علاوه وظائف دیگری نیز به عهده این شوری محول گردیده از جمله صیانت حقوقی و مالی و اداره املاک مختلفه در مرکز جهانی امرالله و معاونت ایادی در تمهید مقامات انعقاد کنگره جهانی و انتخاب بیت

العدل اعظم الهی که هر دو موضوع در سال ۱۹۶۳ انجام خواهد شد و هم چنین انتشار اخبار امری از مرکز جهانی امرالله و دادن ترتیبات لازمه در مورد راهنمایی اشخاص به مقام اعلی و مباشرت در سایر امور مختلفه محلی .

اطاقی که برای جلسات شوری در نظر گرفته شده بود اطاق مدوریست در مسافرخانه غربی که حضرت ولی محبوب امرالله با زائرین صرف شام می فرمودند اطاق کوچک مجاور آن که هیکل مبارک از آن طریق خارج می شدند برای دفتر کار مجهز گردیده در این مکان که بسیاری از پیروان امرالله سعادت زیارت حضرت شوقی ربانی را داشته و آن را مکانی متبرک می دانند شورا مدت ۸ روز تشکیل جلسه داد با توجه به جزئیات کاری که بایستی انجام شود ماگاه به گاه برای تشکیل جلسه با ایادی امرالله به بیت مبارک رفته و یا اینکه جهت سرکشی با ملاک و یا مشاوره با مامورین بیمه و غیره خارج می شدیم . چون حجم کار در مرکز جهانی بهائی بسیار زیاد است آرزوی قلبی شورای بین المللی این است که هر قدر ممکن

باشد به ایادی امرالله کمک و معاونت نماید چه از تاریخ تشکیل محافل روحانیه ملیه جدیده در رضوان گذشته که عدد آنها بالغ بر ۲۱ محفل می باشند بر میزان مرسولات پستی بیش از پیش افزوده گردیده و شکی نیست با فتوحاتی که طی جهاد جهانی روحانی نصیب امرالله می گردد این افزایش ادامه خواهد داشت

"

درباره تشکیل شورای بین المللی در کتاب نفیس بحر
پرگهر می نویسد :

دیگر شورای بین المللی بهائی که در سال ۱۹۵۰
(نوامبر) باز به فرمان آن حضرت در ارض اقدس
برای برقراری ارتباط با مقامات اسرائیل و معاضدت
حضرت ولی امرالله در کار تکمیل ساختمان فوقانی
مقام اعلی و امور دیگر به وجود آمد و بعد از صعود
هیکل مبارک در سال ۱۹۵۷ تحت اشراف ایادی
امرالله قرار گرفت ، در سال ۱۹۶۱ به عنوان پیش
آهنگ بیت العدل اعظم به صورت انتخابی (توسط
مخافل روحانی ملی) به خدمت ادامه داد تا بیت العدل
اعظم انتخاب شد و ۵ عضو شورا به عضویت معهد
اعلی برگزیده شدند . حضرت ولی امرالله در توفیق
منیع ۱۰۱ مژده تاسیس این هیات را می دهند و می
فرمایند : " مقدمه تاسیس محکمه علیا در ارض میعاد
و منتهی به انتخاب اعظم هیات تشریحیه ی عالم بهائی
و تاسیس دیوان عدل الهی خواهد گشت .

که البته منظور همان شورای بین‌المللی بهائی است
که نخست به صورت انتصابی بود (۱۹۵۰-۱۹۵۱) و
بعد حالت انتخابی گرفت. (۱۹۶۱)

برای اطلاع بیشتر از شورای بین المللی به منابع زیر
مراجعه شود آهنگ بدیع سال ۹ شماره ۳ ص ۷ و
ص ۳

آهنگ بدیع سال ۴۰ شماره ۵ ص ۲۵

آهنگ بدیع سال ۳۱ شماره ۵ ص ۷

اخبار امری سال ۳۰ شماره ۵ ص ۵ ص ۷ ص ۲۵

اخبار امری سال ۳۹ شماره ۵ ص ۲۵۱

نشریه محفل طهران سال ۶ شماره ۱۵ ص ۱۷۴

سالنامه جوانان بشر ۱۰۸ ص ۱۲۴

سایر تألیفات مولف

- 1- آیا میدانید (دانستنیهای امری)
- 2- منابع مطالعه غیر امری (نایاب)
- 3- فن فراگیری انشا و نامه‌نویسی غیر امری (چاپ سوم)
- 4- الواح مزاح آمیز
- 5- بهائی را به صفت شناسند
- 6- از عجایب روزگار
- 7- آل الله
- 8- نامه‌های تاریخی
- 9- امتیاز تقویم بدیع بر سایر تقاویم
- 10- خواندنیهای امری
- 11- منابع مطالعه امری جلد اول موضوعات
- 12- منابع مطالعه امری جلد دوم اشخاص
- 13- منابع مطالعه امری جلد سوم آثار امری
- 14- معرفی آثار مبارکه جلد اول آثار حضرت اعلی
- 15- معرفی آثار مبارکه جلد دوم آثار حضرت به‌الله
- 16- معرفی آثار مبارکه جلد سوم آثار حضرت عبدالجها
- 17- سیر تکاملی اخبار امری
- 18- سیر تکاملی تقویم (غیر امری)
- 19- چگونه بهائی شدم در شرح حال مصدقین جلد 1
- 20- چگونه بهائی شدم در شرح حال مصدقین جلد 2
- 21- چگونه بهائی شدم در شرح حال مصدقین جلد 3
- 22- چگونه بهائی شدم در شرح حال مصدقین جلد 4
- 23- تاریخ امری نی‌ریز جلد اول شرح وقایع اولیه در نی‌ریز
- 24- تاریخ امری نی‌ریز جلد دوم نی‌ریز در آثار دیگران

50- مقالات و مقولات مجموعه سخنرانیها

51- شجره نامه فامیل

52- راهنمای حل جدول

آثار در دست تألیف

خاطرات زائرین ارض اقدس جلد 2

چگونه بهائی شدم جلد 5

معرفی آثار امری جلد 2 کتب استدلالی

معرفی آثار امری جلد 3 قاموس های امری

شرح حال ماری ملکه رومانیا

تاریخ امری نی ریز جلد 4 قدمای نی ریز

تاریخ امری نی ریز جلد 5 شهدای نی ریز

تقویم تاریخ

بهائی ستیزی در 3 رژیم استبداد - مشروطه - جمهوری

نظم اداری

مولفین بهائی